
ژوندون
مجله هفتګي – شنبه ۲۳ سنبله
۱۳۵۳ ــ شماره ۲۵ـ۲۶
والقلم وما یسطرون
سیف الدین لودین کتابتون
کتاب پر لیسې شمیره

صرف طعام با

رئیس دولت وصدراعظم



بناغلی محمدداود رئیس دولت‌وصدراعظم موقعیکه وزیرامور خارجه ایران‌را شام‌روز۸ سنبله پذیرفتند وطعام‌شب‌را باوی‌صرف‌کردند

بناغلی محمدداود رئیس دولت وصدراعظم شب ۹سنبله طعام شب‌را بابناغلی عباس‌علی خلعتبری وزیر خارجه ایران درقصرریاست جمهوری صرف نمودند این‌موضوع راریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد •

دراین دعوت‌بعضی‌اعضای کابینه شارژدافیر سفارت کبرای ایران درکابل وعده‌از همراهان وزیر خارجه ایران اشتراك داشتند •

قرار یك خبر دیگر:

بقیه درصفحه ۵۵

رئیس دولت وصدراعظم توجه جامعه بین المللی رابه‌وضع المناك‌مردم بلوچ جلب کرده‌اند

بناغلی محمد داود رئیس دولت‌وصدراعظم طی‌پیامی که‌عنوانی سران کشور های اسلامی منشی عمومی کنفرانس اسلامی ، موتمر عالم اسلام ورابطهٔ عالم اسلامی فرستاده اندبا جلب توجه ایشان به اوضاع قابل اندیشه بلو چستان وسیاست بیر حمانه کشتاروامحاء دسته جمعی پاکستان در آن منطقه ومخصوصا التیماتوم اخیر ذو الفقار علی‌بوتو که اگر آزادیخواهان تا۱۵ اکتوبر به‌حکومت تسلیم نشوند بمباردمان عمومی ووسیع دهات‌وخانه هایشان‌شروع‌خواهدشد توجه خاص جا معه بین المللی رابه‌جنبه بشری وضع‌المناك مردم بلوچ جلب نموده اند•

بناغلی محمد داود ازسران کشور ها وموسسات اسلامی خواهش کرده اند که‌قبل از خراب‌شدن مزید او ضاع‌اقدامی مناسب‌و موثر برای منصر ف ساختن حکومت‌پاکستان ازتعقیب سیاست خشن آن علیه برادران‌بلوچ ماوبرهم خوردن صلح وامنیت دراین منطقه بعمل آورند•

مدیریت اطلاعات وزارت خارجه افزو دکه بناغلی محمد داود پیام مشابهی عنوانی‌دوکتور کورت والدهایم منشی عمومی ملل‌متحد به نیویارك فرستاده وازوی خواهش کرده است پیام شانرا بحیث سندرسمی ملل‌متحد نشرو توزیع نماید•

رئیس دولت و صدراعظم دکتور التهامی راپذیرفتند

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم ساعت نه‌ونیم قبل‌از ظهر روز ۱۶سنبله دکتور حسن التهامی سکرتر جنرال کنفرانس کشور های‌اسلامی رادر قصر ریاست جمهوری پذیر فتند •

ریاست دفتر دولت جمهوری اطلاع دادکه درین موقع بناغلی وحید عبدالله معین‌سیاسی وزارت امور خارجه نیز حاضر بود •

قرار یك خبر دیگر

دکتور حسن التها می سکرتر جنرال کنفرانس کشور های اسلامی که‌روز۱۵سنبله بکابل آمده بود روز ۱۶ سنبله ازکابل عزیمت کرد .

تجلیل روز تأسیس شورایملی



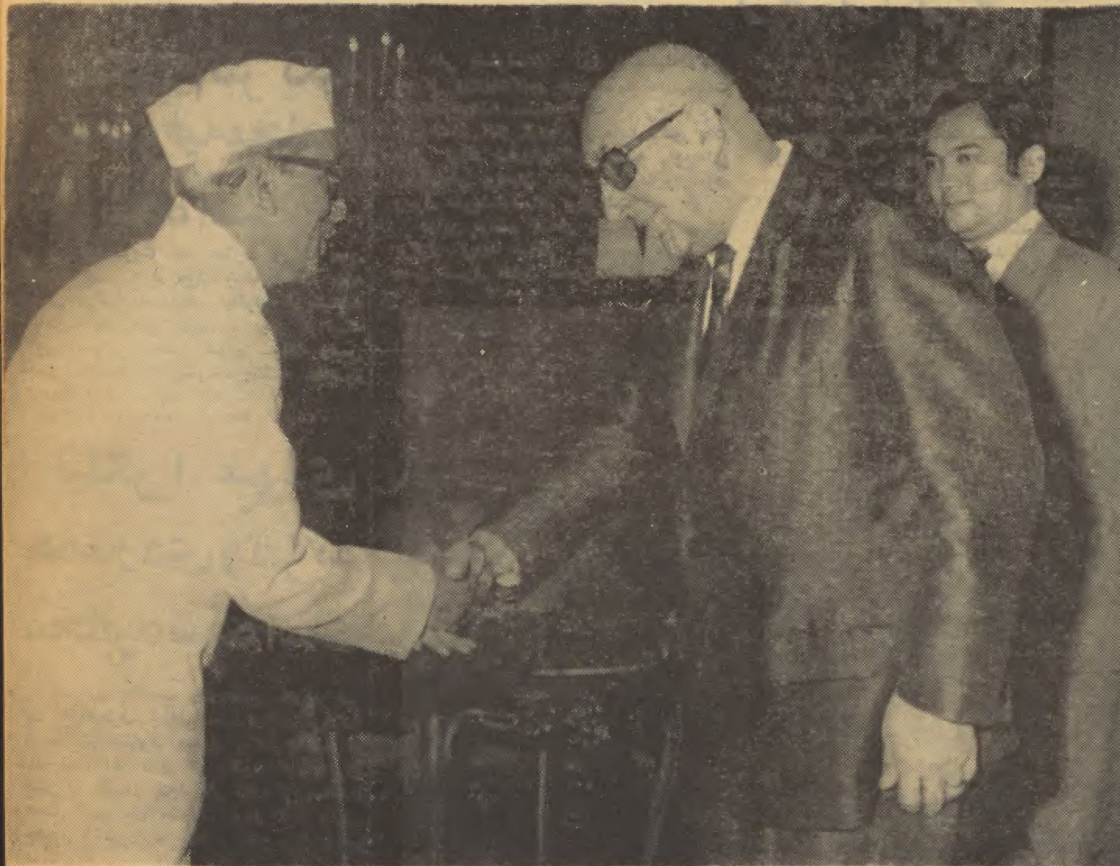
اعلیحضرت شهید محمدنادرشاه غازی

روز دوشنبه ۱۸ سنبله مصادف باروز تاسیس شورای ملی بود ودرسراسر کشور تعطیل عمومی بود •

روزنامه های کشور فوتو ی مو سس شورای ملی اعلیحضرت شهید محمدنادرشاه غازی رادر صفحات اول خویش بچا پرسانیده وضمنا سرمقاله‌هایی پیرامون این‌روزتاریخی نشر کردند .

صفحه ۲

رئیس دولت وصدراعظم وزیر تجارت خارجی بنگله دیش راپذیرفتند



زعیم ملی‌ما بناغلی محمدداؤد رئیس‌دولت‌وصدراعظم هنگا میکه بناغلی مشتاق احمدوزیرتجارت وتجارت خارجی کشوربنگله‌دیش را برای ملاقات در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند

رهبر ملی مابناغلی محمد داؤدرئیس‌دولت وصدراعظم ساعت ۱۱ قبل از ظـــهر روز۱۰ سنبله بناغلی خنده کار مشتاق‌احمد و زیر تجارت وتجارت خارجی جمهوریت بنگله‌دیش رابرای ملاقات درقصر ریاست جمهـــو ر ی پذیرفتند ·

ریاست دفتر دولت جمهوری ا طـلاع داد که هنگام این ملاقات بناغلی محمدخان‌جلا لر وزیر تجارت ، بناغلی وحید عبدالله معیـن سیاسی وزارت امور خارجه وبناغلی محمداکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری نیـز حا ضر بودند·

بناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت‌وتجارت خارجی کشوربنگله دیش صبح‌روز۱۰سنبله‌با دوکتور نعمت الله پژ واك وزیر معـــا ر ف ملاقات تعارفی نمود·

همچنان موصوف باپوهاند عبدالقیوم وزیر معادن وصنایغ بساعت دوونیم بعداز ظهـــر ملاقات نموده وروی موضوعات طرف عـلا قه مذاکره کرد·

هنگام این ملاقات ها ذوات معیتی بناغلی مشتاق احمد وشارژدافیر سفارت کبـر ا ی بنگله‌دیش درکابل نیز حاضر بودند ·

قرار یك خبردیگر وزیر تجارت وتجارت خارجی‌بنگله‌دیش شب۱۰سنبله دعوتی‌درهوتل کابل ترتیب داده‌بود که‌دران‌ذکور عبدالمجید وزیر عدلیه پوهاند عبدالقیوم وزیر معا د ن وصنایغ ،بناغلی محمدخان جلالر وزیر تجارت بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزار ت امور خارجه وعده ازمامورین عالیرتبه وزارت های خارجه ، معادن وصنایع وتجارت اشتراك ورزیده بودند·

طبق‌یك‌خبر دیگر بناغلی مشتاق احمدروز۱۰ سنبله با بناغلی وحید عبدالله معین‌سیاسی وزارت امور خارجه وبناغلی سلطان محمـــود غازی رئیس عمومی هوایی ملکی و تو ریزم نیز ملاقات تعارفی نمود·

تلگرامهای تبریکیه مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امورخارجه خبر داد که‌ازطرف بناغلی محمدداود رئیس‌دولـــت وصدراعظم تیلگرام‌تبریکیه به‌مناسبت روزملی برازیل عنوانی بناغلی رنستوجیـزل رئیس دولت آنکشور به‌برازیلیامخابره گردیده‌است·

مدیریت اطلاعات وزارت امور خار جـــه خبرداد به مناسبت روز ملی مالیز یا ازطرف بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه عنوانی بناغلی‌توانکوعبدالحکیم معظم شاه رئیس دولت مالیزیا به کوالا لمپور مخابره شده است ·

مدیریت اطلا عات وزارت امور خار جـــه خبرداد که‌ازطرف بناغلی محـــمد داود رئیس دولت وصدر اعظم تیلگرام تبریکیه بمناسبت روز آزادی کشور قطر عنوانی والا حـضر ت خلیفه بن حماد الثانی به الدوه مخابـــره گردیده است ·

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که‌از طرف بناغلی محمد داود رئیس‌دولت وصدراعظم تیلگرام تبریکیه به‌مناسبت روزملی جمهوریـــت مردم بلغاریه عنوانـــی بناغلـــی تیودورژکوف رئیس شورای دولتی آنکشوربه صوفیه مخابره گردیده است ·

باقرائت پیام رئیس دولت وصدراعظم روز مطبوعات وروزجهانی سواد تجلیل گردید

روز ۱۷ سنبله مصادف باروز مطبو عات وسواد بوده ودرسراسر افغانستان از ایـن روز تجلیل بعمل آمد·

رهبرملی ما بناغلی محـمد داود ر ئیس دولت وصدر اعظم باین مناسبت پیا مـــی صادر فرموده اند که‌توسط دکتور نعمت الله پژواك وزیر معارف قرائت گردید·

متن پیام بناغلی رئیس دولت وصدراعظم·

هموطنان عزیز :

مسرت دارم روز مطبوعات وروز سواد را موقعی تجلیل مینماییم که هنوز خوشی های استقبال نخستین سالگرد تـاسیس نـظـا م جمهوری افغانستان رادر قلوب خود احساس میکنیم · ملتیکه سالروز تاسیس نظام مرد می خودرا بان عشق وحرارت بر گزار واستقبال نمود امیدوارم در پر تو اعتماد به نفس‌و به نیروی تصمیم وهمنوایی وشکیبا یی بتواند رنج فقر، مرض وبیخبری راهم مر حله بـــه مرحله از اجتماع خود دور افگند· یکـی از عناصر اساسی نظام زندگی ملی ما همانـــا چگونگی سطح حیات کتله های مختلف مردم ماست که باید ضرور ومتدر جا بهـــبود و انکشاف پذیرد·

درزمره عوامل متشکله سطح حیات مردم همانا سواد ومطبوعات واقعا دو جزوموثریست که بذل مساعی پی گیر ودامنه داری راالتزام میکند وباز خود این دو عامل نیز درعین‌حال لازم وملزوم یکدیگرند تعـــمیم سواد شر ط ضروری انکشاف مطبوعات است‌و ازانکشاف سطح حیات مردم ضمانت میکند·

دولت جمهوری برانست که همـا هنگ وهم‌ردیف سایر مساعی که‌تاکنون در جهـت انکشاف سطح حیات مردم بعمل آمده ویادر آینده رویدست گرفته میشود علیه‌بیسوا دی نیز دردوجبهه مبارزه بعمل آید· باین معنی که‌ازیکطرف تعداد مشمو لین مکاتب ابتدائیـــه ودهاتی چندانکه مقدور است افزایش پذیرد واز سوی هم درجهت تعمیم سواد بین کتله

بقیه درصفحه۶۱



نو یسندهٔ شهیر ونـخستین خدمتگار وطن محمود طرزی

روز ملی پشتونستان درمرکز وولایات کشور برگزار شد

روز ملی پشتونستان روز ۹ سنبله‌درکابل ومراکز وولایات‌کشور طی‌مراسم‌شانداری‌ساعت هشت‌صبح‌روز۹ سنبله‌باقرات آیاتی‌چنداز‌قرآن عظیم‌الشان آغاز گردیده ومتعاقبا دکتور غلام سخی نوزاد بناروال کابل بیانیه راجع‌به‌این روزتاریخی برادران پشتونستانی ماایرا نموده وبیرق ملی‌پشتونستان برافراشته شد .

دراین مراسم که‌در پشتونستان میدان برگزار گردید بناغلی محمدنعیم دکتورمحمد حسن شرق معاون صدارت عظمی ،اعضای کمیته مرکزی ،هیات کابینه لوی‌درستیزووالی کابل مامورین عالیرتبه‌عسکری وملکی بناغلی اجمل ختك ،بناغلی خان‌محمدایوب‌خان اچکزی وعده دیگراز مشران وپشتونستانی های‌مقیم کابل متعلمین‌لیسه های‌خوشحالخان ورحمن‌بابا وجمعیت کثیری ازشهریان کابل‌حضور‌داشتند

خبرنگار باختر مینویسد پس‌از آنکه‌بیرق ملی پشتونستان دربین ابراز احساسات‌وکف زدنهای ممتد حضار دراهتزاز آمدپارچه شعر پشتو ازبناغلی اجمل ختك تحت‌عنوان «بلسنمارته» توسط بناغلی کرزی مدیر تبلیغات وزارت امور سرحدات قرائت‌گردید.

وسپس بناغلی سرشار روشنی معاون‌مسؤل روزنامه جمهوریت شعر دری‌که پیرامون روز پشتو نستان سروده است قرائت کردکه‌باکف زدنهای حضار بدرقه گردید .

بعدا ترانه ثبت شده خان‌عبدالغنی‌خان بنام ((ای‌زماوطنه)) بهمکاری رادیوافغانستان شنوانده شد وشاگردان لیسه‌های رحمن‌باباو

بقیه درصفحه ۵۵



دکتور غلام‌سخی‌نورزاد بناروال‌کابل‌حینیکه‌به‌مناسبت روزملی پشتو نستان بیانیه‌خودرادرپشتو نستان وات ایراد مینماید درعکس بناغلی محمد نعیم ودوکتور محمد حسن‌شرق‌معاون صدارت عظمی ،بعضی ازاعضای‌کابینه‌وبناغلی اجمل ختك دیده میشوند .

تیلگرام تبریکیه به صوفیه مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه گفت که از طرف بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم تیلگرام تبریکیه‌به مناسبت روز ملی جمهوریت دیمو کراتیك کوریا عنوانی بناغلی کیم‌ال سونگ رئیس جمهور آنکشار به پیونگ یانگ مخابره گردیده است .

تیلگرامهای همدردی وتعزیت مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت‌امور خارجه خبر داد که ازطرف بناغلی محمد داؤدرئیس‌دولت وصدراعظم تیلگرام همدری بمناسبت انحراف یك قطار آهن دریو گو سلاویا که درا‌ثرآن بیش از یکصدو پنجاه نفر تلف گردیده‌است عنوانی مارشال جوزف بروز تیتو رئیس جمهور آنکشور به بلگراد مخابره گردیده است .

همچنان ازطرف بناغلی رئیس دولت وصدراعظم تیلگرام تعزیت بمناسبت وفات بناغلی نارمن کرك صدراعظم زیلاند جدید عنوانی بناغلی سردینس بلندل گورنرجنرال آنکشور به ویلنگتن مخابره شده است .

عربستان سعودی ده‌ملیون دالر کمك بلاعوض و۵۵ ملیون‌دالر قرضه بدون‌ربح به‌افغانستان میدهد

عربستان سعودی ده ملیون دالر کمك ربح بافغانستان میدهد .

پروتو کول این کمکها بتاریخ سیزدهم سنبله بین بناغلی علی احمد خرم وزیر پلان و بناغلی هشام ناظر وزیردو لت‌وورئیس اداره مرکزی پلان گذاری عربستان سعو دی درریاض بامضاء رسیده‌است.

بناغلی خرم وزیر پلان که درراس یك هیات چندی‌قبل بدعوت کشور های عراق وعربستان سعودی به‌بغداد ریاض ر فته بود روز ۱۸ سنبله بکابل مراجعت کرد.

وزیر پلان ازپذیرایی ومهمان نوازی‌گرم حکومات عراق و عربستان سعودی ابر از تشکر وقدردانی نمود.

وی به خبرنگار باختر گفت ازده ملیون دالریکه کشور برادر ودوست عر بستان سعودی به‌دولت جمهوری افغانستان کمك بلا عوض میدهد در تکمیل مطالعات تخنیکی‌پروژه های اقتصادی استفاده خواهدشد.

وی علاوه کرد مطا لعات پرو ژه‌ها زمینه آنرا میسر خواهد سا خت تا افغانستان‌ازبانك اسلامی وبانك عربستان سعودی قر ضه های مزیدی برای ساختمان پروژه ها بدست آورد.

وی افزود از پنجاه وپنج ملیون دالری که حکومت عربستان سعودی قرضه بدون ربح مید هد شرایط ان مساعد بوده ودر تکمیل پروژه های اقتصادی استفاده بعمل خواهد آمد .

پرادخت اقساط این قرضه در سال سوم بهره بر داری پروژه ها شروع میشود .

وی در اخیر گفت بانك اسلامی بکشورهای اسلامی قرضه مید هد وبانك عربستان‌سعودی کشور های روبه انکشاف را مساعد مینما ید.

قرارداد قرضه ومساعدت بلاعوض عراق به افغانستان به امضارسید

بناغلی علی احمدخرم وزیر پلان روز ۱۲ سنبله قرار داد مربوط به قرضه ومساعدت بلاعوض عراق رابه افغا نستان امضاء کردند.

طوریکه ازبغداد اطلاع رسیده است در نتیجه مذاکراتی که بناغلی علی احمد خرم وزیر پلان باوزیر پلان وسایر مقامات عالیرتبه عراقی بعمل آورده روز ۱۲ سنبله قرار داد بین وزرای پلان افغانستان و عراق بامضاء رسید که‌مطابق بان حکومت‌عراق ده ملیون‌دالر رابه‌شرایط بسیار مساعدبه‌حکومت افغانستان قرضه میدهد.

همچنان مطابق باین قرار داد حکو مت عراق مبلغ دوملیون دالر به‌حکومت‌افغانستان مساعدت بلاعوض مینماید.

هنگام امضاء قرار داد استاد خلیل الله خلیلی سفیر کبیر افغانی در بغداد وبعضی ازمامورین عالیرتبه عراق‌حاضربودند.

روز طفل تجلیل گردید



منظره ازتجلیل روز بین‌المللی طفل‌درتالار موسسه صحت‌عامه

پس ازتلاوت‌چندآیه ازقرآن کریم ونواختن سرود ملی مراسم روزطفل ساعت۶صبح روز۸ سنبله درادیتوریم موسسه صحت‌عامه برگزار شد •

دراین محفل که تاساعت دوازده‌ونیم‌ادامه داشت میرمن زینب داؤد خانم‌رئیس دولت‌و صدراعظم ودکتورمحمدحسن شرق‌معاون‌صدارت بعضی ازاعضای کابینه ،والی کابل روسای دوایر وعده‌از اعضای کوردیپلوماتیک مقیم‌کابل وعده‌زیادی از همشهریان اشتراك‌نموده‌بودند.

پس ازآنکه اطفال وپوکتونها دراین محفل سمبول طفل‌را برافراشتند به‌اجرای اتن‌ملی‌و دیگر نمایشات پرداخته وازاین روزتجلیل بعمل آمد •

درختم محفل‌محترمه‌خانم‌رئیس دولت‌وصدراعظم درحالیکه پوهاند نظرمحمد سکندر وزیرصحیه نیز حاضر بود عده‌ای‌ازاطفال وپوکتونهارامورد نوازش قرارداده تحایفی راکه‌از طرف‌ریاست روزنتون تهیه شده‌بود به‌آنها اهداکرد •

خبرنگار با ختر آژانس از ولا یا ت‌اطلاع میدهند که‌روز طفل‌طی محافلی‌در مراکزبعضی ولایات کشور تجلیل گردید •

درمحافل ولایات پس ازآنکه سرود ملی نواخته شدراجع به‌طفل تربیه وصورت‌انکشاف استعداد های او ازطرف نویسند گان وشعرا مطالبی ایراد گردیده ودرختم محافل به‌اطفالیکه ازپرورش سالم‌بهرمندبودند تحایفی‌اهداگردید دراین محافل‌والیان مامورین واهالی اشتراك داشتند •

روزنامه های مرکز وولایات هم طی‌مقالات عکسها واشعاردر باره اطفال‌از این‌روزتجلیل نمودند همچنان رادیو افغانستان به‌مناسبت روز طفل پروگرام خاصی ترتیب‌داده بود•

ملاقات باوزیر اطلاعات و کلتور

هیات دانشمندان جامعه تاریخ و باستان شناسی بغداد ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز ۲۰ سنبله باپوهاند دو کتور نوین و زیر اطلاعات وکلتور ملاقات‌نمود•

یك منبع آن وزارت گفت طی این ملاقات وزیر اطلاعات وکلتور وهیات دانشمندان‌جامعه بغداد درباره انکشاف علایق کلتو ر ی بین افغانستان وعراق وهمچنان توسعه‌مطالعات تاریخی مذاکره وتبادل نظرنمودند•

ښاغلی کی ال مهتا سفیر کبیر هنددر کابل که‌دوره ماموریتش درافغانستان بپایان رسیده است ساعت نه‌ونیم قبل‌از ظهر روز ۱۶سنبله باپوهاند دوکتور نوین وزیراطلاعات وکلتور ملاقات تودیعی نمود •

همچنان ساعت ده‌قبل ازظهر ښاغلی مك‌نیکل آمر جدید انستیتوت برتانیا باوزیر اطلاعات ملاقات تعارفی کرد •

قرار یك‌خبر دیگر ښاغلی کاوساوکی مستشار سفارت کبرای جاپان درکابل ساعت ده‌ونیم باپوهاند دوکتورنوین‌ملاقات نمودوطی آن پیرامون قرار داد کلتوری بین‌افغانستان‌و جاپان وهمچنان همکاری کشور های جاپان‌در ساحه حفریات وترمیم آبدات مذاکره نمود•

خبر بعدی حاکیست که‌ښاغلی کیم‌ون‌بوك شارژدافیر سفارت‌کبرای‌جمهوریت دیموکراتیك کوریا بساعت یازده قبل‌از ظهرباوزیراطلاعات وکلتور ملاقات تعارفی بعمل آورد •

يك فابريكه‌جديد نختابى به مصرف ۲۵ مليون افغانى افتتاح گرديد

یك فابریکه جدید نختابی به‌مصرف چهل وپنج ملیون افغانی در جوار فابریکه‌نسا جی سید مرتضی ساعت پنج روز ۱۶ سنبله‌افتتاح گردید•

درمراسم افتتاح این فابریکه پو ها ند دکتور نظر محمد سکندر و زیر صحیه،عده‌ای از مامورین عالیرتبه وزارت ها و موسسا ت صنعتی ومستشار اقتصادی سفار ت کبر ای اتحادشوروی حاضر بودند•

ښاغلی محمد یونس رفیق رئیس تشویق وانکشاف سرمایه گذاری وزارت پلان ضمن تشریح فعالیت های سر مایه گـــذ ار ی خصو صی درکشور گفت که‌در پهلو ی‌بیست فابریکه نساجی که‌در کشور بشکل‌خصو صی سرمایه گذاری واحداث شده است فابریکه نختابی نیز در تقویه نساجی و مخصوصادر حیات انکشاف اقتصادی کشور نقش مهـــم دارد•

ښاغلی سید مرتضی رئیس فابریکه گفت فابریکه نختابی که‌از دولت دوست اتحـا د جماهیر شوروی به‌قسط پنج سال خر یداری شده‌است تولیدات آن دربیست وچار ساعت دونیم تن نخ بوده وسه صدنفر کارگرومامور درسه شفت دراین فابریـکه مشغول کـــار میباشند•

کمکهای بلاعوض تخنیکی اتحاد شوروی در ساحه هواشناسی توسعه میابد

پروتوکول کمك های بلاعوض تخنیکـــی اتحاد شوروی درساحه هوا شناسی‌افغانستان روز۱۲ سنبله در مسکو بامضاء رسید•

دکتور عبدالخالق معاون ریاست هوا یی ملکی که‌درراس یك هیات برای مذاکـــره و امضاء این پرو توکول به اتحاد شور و ی رفته بودصبح دیروز بکابل بازگشت•

وی حین مواصلت بمیدان هوایی‌بین‌المللی کابل گفت که‌براساس این پرو تو کول کمك های تخنیکی اتحاد شوروی که روی موافقـــه ۱۹۶۲ درساحه هواشناسی جریان دارد برای چهارسال دیگر تمدید گردیده‌است •

همچنان اتحادشورو ی توسعه همـــکار ی رابرای تنظیم بهتر مرکز هواشناسی میـــدان هوایی بین المللی کابل، تاسیس د ستگـــاه بررسی هوا شناسی ، توسعـــه و رکشاپ تخنیکی و تنظیم بهتر شبکه مخابره‌هواشناسی قبول کرده است وهم وعده داده که وسایـــل مخابره مراکز برودکاست هواشناسی کا بـــل کندهار ، هرات وکندز را ازطریق مو سسه بین المللی هواشناسی با فغانستان کمـــك کنـــد•

این پروتوکول را ازطرف افغانستان‌معاون ریاست هوایی ملکی واز جانب اتحاد شوروی ښاغلی توستن کوف معاون ریاست اید ر و مترو لـــوژی اتحـــــاد شور وی امضا ء کرده اند

امسال پنجهزار نفر به مكهٔ معظمه خواهندرفت

امسال پنج هزار نفر از طریق فضاوزمین برای زیارت بیت الله شریف به‌مکه معظمه خواهند رفت •

یك منبع‌اداره عالی اوقاف وزارت عد لیه که منجمله این سهمیه سه هزار نفر ازطریق فضا ودو هزار نفر ازطریق زمین‌به زیارت کعبه‌الله معلی‌مشرف خواهند شد •

منبع اضافه نمود دراین سهمیه ،۲فیصد برای طبقه نسوان اختصاص داده شده است•

اداره عالی اوقاف گفت انعده از هموطنان ماکه عزم حج خانه کعبه را دارندازهمین‌اکنون میتوانند در خواستهای شانرا نمراجع مربوط درولایات شان ارائه نمایند •

سهمیه فضایی وزمین هر ولایت بادر نظر داشت نفوس آن ارسال شده است •

دکتور عبدالمجید از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستاژ قضایی دیدن کرد

دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه و لوی خارنوال روز۱۱ سنبله از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستاژ قضایی اداره تدقیق ومطالعات قضادیدن نمود.

هنگام بر رسی ازطرز محاکمه تمثیلی پوهندوی غلام علی کریمی آمر عمومی اداری قضا وسایر اعضای شورای عالی قضا حضور داشتند .

وزیرعدلیه در ختم جلسه تمثیلی ازحسن اجراآت وطرز رسیدگی ستاژران قضایی اظهار خرسندی کرد.

صدمین سال تولد شاعر نامور وطن
مرحوم عبدالعلی مستغنی تجلیل شد





رئیس تدریسات ابتدایی وزارت معارف درمحفل صدمین سالگرد تولدی مستغنی پیرامون زندگی آن شاعر شهیر صحبت میکند .

صدمین سال تولد شاعر نامورافغان مرحوم عبدالعلی مستغنی قبل از ظهرروز ١٤سنبله در مکتبی که به اسم آن مرحوم مسمی گردیده است ازطرف وزارت معارف تجلیل شد .

دراین مراسم که تا ساعت دوازده ظهردوام نمود دگرجنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز عده از جنرال ها وصاحب منصبان عالیرتبه اردوی جمهوری ، اراکین وروسای وزارت معارف، شعرا نویسندگان وعده کثیری ازعلاقمندان آن مرحوم اشتراك نموده بودند .

محفل باتلاوت چند آیه ازقرآن مجید ونواختن سرود ملی جمهوری آغاز شده بعداز آنکه سوانح آن مرحوم قرائت گردید عده از شعراو نویسندگان پرامون شخصت علمی وادبی مرحوم مستغنی شاعر وادیب توانای کشوربیاناتی ایراد نموده ازخدمات ارزنده آن شاعرگرانمایه واستاد سخن که به صفت استاد ومربی عمری رادر خدمت معارف کشورسپری نموده به قدردانی یاد نمود .

مرحوم مستغنی درسال ١٢٩٣ هق در بالاحصار کابل تولد شده وبه سن شصت سالگی وفات نمود .

درجریان این محفل مجله فوق العاده عرفان وکتابی تحت عنوان گزیده اشعار استاد سخن مرحوم مستغنی که به مناسبت تجلیل ازصدمین سال تولد وی از طرف وزارت معارف طبع شده به حاضرین توزیع شد .

تسهیلات بیشتری درامور ترانزیتی بین افغانستان وایران بوجود می آید

موافقتنامه ترانزیتی بین دولت جمهوری افغانستان ودولت شاهنشاهی ایران ١٤سنبله دروزارت تجارت به امضا رسید .

یك منبع وزارت تجارت گفت دراین موافقتنامه که جاگزین موافقتنامه قبلی میباشد تسهیلات بیشتری درامور وسایط نقلیه وحمل و نقل اجناس ومال التجاره ترانزیتی برای هر دوکشور فراهم گریده است .

علاوتا درکرایه اموال ترانزیتی افغانی که توسط خط آهن ازطریق ایران انتقال می یابد تخفیف قابل ملاحظه بعمل آمده است .

منبع افزود درموافقتنامه جدید راه های ترانزیتی بیشتری نسبت به گذشته بالخصوص در خطوط راه آهن کشور ایران بین هردو جانب درنظر گرفته شده است .

منبع علاوه نمود دراین موافقتنامه به اساس میثاق بین المللی که هردو مملکت عضو آن اند وسایل نقلیه جانبین میتواند طبق شرایط مذکور درحمل ونقل ترانزیتی خاك یکدیگررا عبورنموده وازتسهیلات ومزایای معاهده مذکور استفاده نمایند .

این موافقتنامه رااز جانب افغانستان بناغلی محمد فریدرفیق رئیس انکشاف صادرات واز جانب ایران بناغلی ابراهیم داوری مدیر عمومی تجارت داخلی وزارت اقتصاد ایران امضا نمود .

هنگام امضای موافقتنامه بعضی ازمامورین مربوط وزارت های خارجه، مالیه وتجارت وبناغلی مهندس کریم اتابکی معاون تجارتی راه آهن و بناغلی مسعود مجلسی عضو گمرك عمومی ایران نیز اشتراك داشتند .

قراریك خبردیگر هیات ایرانی صبح روز١٥ سنبله عازم کشورش گردید .

بناغلی محمد فرید رفیق رئیس انکشاف صادرات وبناغلی عبدالقیوم عباسی مدیرعمومی ترانزیت وزارت تجارت درمیدان هوایی بین المللی باهیات وداع کرد .

١٤٨٠ جریب زمین دیگر به خانواده های بی زمین توزیع گردید

باساس مشی دولت جمهوری یك هزارو چهارصدو هشتاد جریب زمین دیگر روز١٤ سنبله درپروژه وادی هلمند به خانواده های بی زمین توزیع گردید .

یك منبع ریاست وادی هلمند روز١٤سنبله گفت زمین های توزیع شده ازنوع درجه اول ودوم بوده واز نگاه انجنیری آماده بهره برداری میباشد .

منبع اضافه کرد این زمین هادر ولسوالی های نادعلی وگرمسیر موقعیت داشته وازکانال عمومی پروژه آبیاری میگردند .

نامه نگار باختر ازلشکرگاه اطلاع دادکه یکصدو سی ویك خانواده موقعیکه زمین های شان راتسلیم شدند ازاقدام دولت انقلابی مبنی برتوزیع زمینها برای خانواده های مستحق ابراز خرسندی نموده وآرزوی سعادت کشور رانمودند .

سفیر کبیر بلغاریا باوزیر معارف ملاقات نمود

بناغلی کرتزانوف سفیر کبیر بلغاریا درکابل ساعت ١٠ صبح روز ١١ سنبله با دوکتور نعمت الله پژواك وزیر معارف ملاقات نمود.

یك منبع آن وزارت گفت که طی این ملاقات درحالیکه پوهنوال دکتور فقیر محمدزمری رئیس پوهنځی وترنری نیز حاضر بود راجع به همکاری بلغاریا باپوهنځی مذکورمذاکره بعمل آمد.

بناغلی عبدالرحمن پژواك عازم ماموریتش گردید

بناغلی عبدالرحمن پژواك سفیر کبیردولت جمهوری افغانستان در دهلی که چندی قبل برای مشوره بکابل آمده بود.

روز١٦ سنبله عازم ماموریتش گردید.

بناغلی زلمی محمودغازی عازم تهران گردید

بناغلی زلمی محمود غازی سفیر کبیردولت جمهوری افغانستان در تهران که چندی قبل بکابل آمده بود روز ١١سنبله عازم ماموریتش گردید.

سفارت کبرای جمهوریت مردم بلغاریا روز ملی آنکشور را تجلیل کرد.

سفارت کبرای جمهوریت مردم بلغاریا در کابل شام روز۱۹ سنبله دعوتی بمناسبت روز ملی کشورش که‌مصادف باروز ۱۸ سنبله بود درهوتل انتر کانتیننتال ترتیب داده‌بود.

درین دعوت بعضی از اعضای کابینه دگر جنرال عبدالکریم مستغنی، عده ای ازماموورین عالی رتبه عسکری وملکی‌وکوردیپلوماتیك‌مقیم کابل اشتراك ورزیده بودند.



دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه حینیکه‌روزملی بلغاریا رابه‌سفیر کبیر آنکشور تبر یك میگوید.

سفارت کبرای جمهوریت دیموکراتیک مردم کوریا روز ملی آنکشور را تجلیل نمود



بناغلی‌وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه حینیکه روز ملی جمهوریت دیموکراتیك مردم کوریا رابه شارژ دافیر آنکشور تبریك میگوید.

سفارت کبرای جمهوریت مردم‌دیموکراتیك کوریا درکابل روز ملی کشورش را عصر ۱۷ سنبله ضمن محفلی در هوتل انتر کانتی‌ننتال تجلیل نمود.

در دعوتی که‌به این مناسبت از طر ف بناغلی کیم ون‌بوك شارژدافیر سفارت مذکور ترتیب شده‌بود دکتور عبدالمجید و زیر عدلیه بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه وعده از ماموورین عالیر تبه‌عسکری وملکی وکوردیپلوماتیك مقیم کا بل شرکت داشتند.

بناغلی مشتاق احمد از شاهراه سالنگ دیدن کرد

بناغلی مشتاق احمد وزیرتجارت وتجارت خارجی کشور بنگله دیش وهمراهانش روز۸ سنبله ازشاهراه سالنگ دیدن نمود ونان چاشت رادر خنجان صرف کردند.

قرار یك‌خبردیگربناغلی مشتاق‌احمدوهمراهانش شب ۱۰ سنبله در دعوتی اشتراك کرد که‌از طرف دکتور محمد اکبر عمررئیس عمومی‌اتاق های تجارت دررستوران‌باغ بالاترتیب‌یافته‌بود.

بناغلی خنده کر مشتاق احمد وزیرتجارت وتجارت خارجی کشور بنگله‌دیش و ذوات معیتی اش که‌بدعوت وزارت تجارت بکابل آمده بودند قبل از ظهر روز ۱۱سنبله‌عازم داکه‌گردیدند.

بناغلی محمد خان جلالر وزیر تجارت نماینده وزارت امورخارجه وشارژدافیر سفارت کبرای بنگله دیش‌درکابل برای وداع‌درمیدان هوایی کابل حاضر بودند.

بناغلی مشتاق احمد طی اقامت در کابل درباره توسعه تجارت بین افغانستان و بنگله‌دیش بامقامات مربوط افغانی مذاکرا تی انجام داده است.

مالکان موتر های‌بی‌محصول میتوانند

محصول گمر کی راتا ۲۱ میزان امسال بدون جریمه تحویل نمایند

به‌اساس پیشنهاد وزارت مالیه تصو یب مجلس عالی وزراء ومنظوری بناغلی رئیس دولت وصدر اعظم مالکین عراده جاتیکه‌دارای اسناد گمر کی هستند میتوانند عراده جا ت خویش رابدون هیچ‌نوع جریمه تا۲۱ میزان امسال محصول نمایند.

یك‌منبع وزارت مالیه گفت در صو ر تیکه بعداز سپری شدن میعاد متذکره چنین عراده جات دیده شد طبق قانون مصادر وضبط میشود.

همچنان عراده هایی که‌بدون اسناد گمرکی درمملکت تورید شود طبق قانون گمر کا ت ضبط میگردد.

به‌مناسبت روز نظامی ترکیه دعوتی ترتیب یافته‌بود



دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی‌درستیزروز نظامی ترکیه رابه آتشهٔ نظامی آ نکشور تبریك می‌گوید.

به‌مناسبت روز نظامی جمهوریت تر کیه دعوتی ساعت شش عصر روز ۸ سنبله از طرف آتشه نظامی سفارت کبرای آ نکشور درکابل تر تیب یافته بود.

دراین دعوت پوهاند دکتور نوین و زیر اطلاعات وکلتور ، دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز عده از صاحب منصبان اردوی جمهوری ،ماموورین عالیرتبه ، اعضای کوردیپلو ماتیك مقیم‌کابل باخانم های شان اشتراك نموده بودند.

شنبه ۲۳ سنبله مطابق ۲۷ شعبان المعظم برابر ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۴

روز مطبوعات و سواد

روز هفدهم سنبله که بحیث روز بین المللی سواد شناخته شده است درافغانستان مصادف باروزمطبوعات بود. این روز درسراسر کشور با نشر مطالبی مبنی براهمیت مطبوعات وسواد در رشد وتکامل اجتماع تجلیل گردید .

مطبو عات بحیث رکن چهارم در ارگانهای اساسی دولت و ظیفه خطیری درراه پرورش استعداد ها وافکار مردم بدوش دارد، ازینرواگر مطبوعات درراه برآورده شدن اهداف ملی واساسی یك ملت بکار انداخته شود بدون شك رول مهمی درامحای بیسوادی میان افراد آن ایفا نموده ودرارتقاء ورشدسواد کمك بسزائی مینماید چه ، مطبوعات در جوامع روبه انکشاف گذشته ازینکه وظیفه اطلاعاتی را انجام میدهد در راه تنویر افکار عامه نیز خدمت مینماید .

در نظام جمهوری رسالت تاریخی مطبوعات مهم و ارزنده است. در چنین فرصتیکه مادر آغازیك انقلاب اجتماعی قرار داریم و ظیفه مطبوعات کشور ما بیشتر از هر وقت وزمانی حساس وپر اهمیت گردیده است. مطبوعات امروز ماباید ممثل اهداف عالی جمهوریت باشد .

رهبر انقلاب ما دریکی از بیانات شان به اهمیت مطبو عات و سواد اشاره نموده می فرمایند : « دولت جمهوری برای امحای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی درمملکت، بر اساس فر هنگ ملی ومترقی مبارزه خواهد نمود ونسل جوان راباتقوی ، روحیه وطنپرستی وخدمت بمردم پرورش خواهد داد.»

بقیه در صفحه ۵۵

دسنبلی ۱۸ دملی شورا دتاسیس تاریخی ورځ

زمونږ دهیواد تاریخی کرونده چه زیوی خوا د خپل لرغونی تاریخ ویاړنی پکی دولسی ژوند زینت او نیك الهام بښونکی دی د نبنت دی د بلی خوا دملی ، علمی او ولسی احساس او فکر په وړاندی زمونږ که ژوندون شریکو هڅو او اصلاحی او مشورتی ارزښتونو چه په کوم معقول او ملی اساس او پریکړی د عـا کړیده دهغو یا دتازه اود تاریخی نقش په حیث په درناوی سره نمانځل کیږی .

مونږ چه دملی کرو ندی تـار یخی پس منظر ته گورو وینو چه زمونږ د دتاریخ لمن په ډیرو ویاړنـو او خاطراتو ډکه ده اودغه ملی ارزښتونه چه دولس تولنی او گه ژونـدون افتخار دی په دغه لاره کی کومی کړی چاری او کړی لاری چه دجر گوله خوا او په مشورتی اساسوتو فیصله شوی دی او اولس دجر گو په فیصله امین ویلی دی په دغه حقیقت لرغونی تاریخ شاهد دی چه دافغانستان دملی اوولسی جرگو د افتخاراتو ډك تاریخ لری چه ملی وثیقه کی ملی شوی ارزښتونه په درنښت سره ثبت اود تاریخ بابونه دی چه ددغو لویـوکـړ نـلارو او ښـتو نـو

پاتی په ۵۵ مخ کی

مطالب عمده این شماره


بیرق جمهوری افغانستان دربلند ترین قله کوه هندو کش بر افراشته شد

مصاحبه با کو هنـور دان چکو سلواکی


میزمدور ژوندون در باره پلان ۲۵ ساله شهر کابل


ملکهٔ زیبایی ازسرزمین ...


یك جنایت بزرگ و...

اسلام و زندگی

قسمت دوم

ع : هبا



ارزشهای جهانی اسلام

همچنان زمانی که انسان در طریق فراهم سازی اسباب زند گانی بهتر بفکر می افتد تاکشتی وسفینه ا ی بسازد دو نیاز مندی مهم واسا سی جلو نگاهش قرار میگیرد که یکـــی عبارت ازموجودیت مواد موردضرورت معدنی ازقبیل فلزات وغیره ودیگری عبارت از موجود بودن اقیانو س ها ودریا ها برای کشتی رانی میباشد

ولی پس ازاندکی درمی یابد که اقیانوس های عمیق قبلا آفریده شده ومو اد معدنی نیز همه بصورت طبیعی اش وبحالت خام واولی در دل کاینا ت جا داده شده است .

در ینحال یك کار ویك وظیفـــه بدوش او باقی میماند وآن اینکه ز این مواد خام موجود وسایل طر ف ضرورت را سازد وتهیه نماید .

درین مرحله وظیفه انسان بیش از هر وقت دیگر کسب وخامت وسنگینی میکند زیرا این مرحله ،دیگر مرحلهٔ سازند گی بصورت عملی وتطبیقـــی و **مرحله ای است که او با درایت کام ل اشس است که او با درایت کامل انسانی** وبشری اش وسایل را فراهم نماید وهر یك را بموقع وبجایش قـــرار بدهد بطوریکه جوابگوی نیاز مندی های عمده وحیاتی افراد بشردرروی زمین باشد .

اسلام همه وسایل واسباب زندگی را در مسیر حیات بصور ت و حالت طبیعی اش قرار میدهد و آن را در اختیار انسان میگذارد تادر پیرامون آن نیروی دماغی وفکری خـــود را **دقیقانه بکار اندازد وآن را طوریکه** تاثیری در زندگی انسان ها ایجاد نماید مهیا سازد بعباره سا ده تـــر اسلام نخواسته که بعنوان رزق و روزی وبنام فراهـــم سازی اسبا ب مورد ضرورت انسان ها ، نان وآبی آماده ومهیا از آسمان فروایـــزد و یا آلات ابزاری بصور ت پختـــــه تهیـــه شده ،در دســـــت اولاد آدم بگذارد زیرا در ینصورت نه تنهـــا برای انسان چیزی قابل اجرا وانجام باقی نمی ماند بلکه انسان جز یك پیکرو هیکل عاطل وغیر قابل توقع چه چیزی متیوا نست باشد ومهمتر از همه ،اگر موضوع چنان می بود ، دیگر مفهوم ومورد ی از از خلافـــــت انسان در روی زمین موجود نمـــی بود .

پس اسلام با قبول این احیـــا ر برای انسان بواقعیت خلافت ا او تحقق **می بخشد ودرحقیقت اسلام با اینکر وبا این وصیت نگاهش یك امیدواری** کامل ویك روحیهٔ اتکا بـــخود را در وجود نسان خلق میکند وزمینه کار وفعالیت را در روی زمین برایـــش فراهم ومهیا میسازد وبوی مـــــی فهماند که او است که هر چه بخواهد از ذخایر زمین وازموهب های خلقت برای آبادانی جهان وبرای بهبـــود اوضاع حیات- تهیه وآماده سازد و نتائج کار وفعا لیتش را چنان بطور عملی وساده مینماید که اگر کـــار کرد ثمر می برد واگر عاطل وبیکار ماند بیجاره میشود ونیاز می کشد وهکذا اگر کار بیشتر انجام نـــمود حاصل بیشتر واگر اندك و کمتـــر بکار پرداخت نتیجه اش نیز نا چیز وکوچك خواهد بود .

قرآن کریم در ینباره اینگو نـــه صراحت نمودکه (الیس اللا نسا ن الا ماسعی)یعنی آنچه ازآن انسان ومال اوست که محصول ونتیجه عمل و زاده مساعی وفعالیت وی باشـــد .

اسلام با این ارشاد موجز ولـــی عمیق وپر حکمت خود انسان را با فلسفه ومفاهیم واقعی وحقیقی حیات وزندگی آشنا ساخت وبرایش گوشزد نمود که کارو فعالیت وجدیت وثمر آوری ،معیار اصلی زندگـــــی ، و بزرگترین عامل پیروزی چه درعالم معنی وچه در دنیای مادیات وظواهر فریبنده آن است .

انسان با ایمان وعقیده همینکـــه خود را درمیان این گیرو دار می یابد ودر عین زمان مشاهده هیولا ها ی خیره کننده مظاهر آفرینش وبادرك وظیفه ومسئولیت سنگینی که بـــــر دوش وی گذارده شده وظیفهٔ آبادانی زمین وفراهم سازی وسایل زند گی بهتر برای افراد انسان ،خود را از دست نمیدهدو ابراز شکست وعجز نمی نماید وچـــون بسوی ارشادا ت اسلامی چشم میگشا یـــد بصور ت

بقیه در صفحه۵۸

شخصیت های بزرگ اسلامی رامعرفی میکند

عبدالرحیم (عینی)

حضرت سهیل بن حنیف (رض)

این صحابه جلیل القدر یعنی سهل بن حنیف ازمردم انصار واز قبیله اوس میباشدکه غزوه بدرواحد ودیگر غزوات رادیده است •

درروز جنگ احد باپیغمبر خدا (رض) یکجا بوده سپس مصاحبت حضرت علی کرم الله وجهه رانمود •

حضرت علی (رض) اورا بعدا درمدینه به حیث نائب خود تعیین نموده سپس امورولایت فـارس بسوی تفو یض گـردیـد. پسرشـــ ابوامامه(ابواسامه) وغیره ازوی روایت حدیث نموده درکوفه بسال ۳۸ هجری وفات کـــرده است • انالله وانااليه راجعون •

اصلا شهرت این صحابه بنام ابوثابـــت سهل بن حنیف بن واهب انصاری بـــوده درمبارزه وجهاد سرآمد افسران گردید • در فامیل فقیری چشم باز کرده توانی نداشت که تکافوی ضروریات زندگی اورا نماید بناء پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم زمانیکه غنائـم قبیلهٔ بنی نضیر بدون قتل وقتال بدســـت مسلمین آمد برای اینکه سویهٔ وسطح زندگی مهاجران وانصار بیك سویه باشد میان فقراء مهاجرین تقسیم نموده وبه انصار ندادند اما از زمره انصار دوتن بی بضاعت راکه عبارت ازسهل بن ضعیف وابودجانه باشد نظر بشدت ضم مهاجرین نمودند •

حضرت سهل بن حنیف(رض) بعدازهجرت ارادهٔ عقد مواخات رامیان خویش و حضرت علی کرم الله وجهه نمود، پیغمبر اسلام ازین امراورا ممانعت ننموده پسرکاکا وتربیت یافته خانه خود وزبده تر ین شاگردان خـودرا موظف ساخت که باوی عقد مواخات نمایدواین مواخات البته دلالت به موقف عالی وفضل بی شمار حضرت سهل (رض) می نماید •

همچنین حضرت رسول اکرم (ص) ازناحیهٔ دیگری میان وی وعبدالله بن مسعود پیما ن برادری رابست واین پیمان برادری کـــه باعبدالله بن مسعود یعنی ششمین فردیکـه داخل اسلام گردیده بهر دو هجرت اشتراك نموده است وهمچنان کسیکه مقابل ابو جهل درغزوه احدقیام کرده ودربیعت مبارك رضوان شرکت ورزیده ورسول خداعلیه السلام بدخول جنت بشارت داده دلیل بر عظمت شخصیت سهل بن حنیف (رض) میکند •

گرچه این صحابه مـجاهد در تمـامـی غزوات اشتراك ورزیده ولی شطارت ومهارت آن درجنگ احد بیشتر بنظر رسیده وازرسول خدا «ص» حفاظـت می کـرد وپیغمبر اسلام درین جنگ گفتند که وسائل بهتر رابـرای سهل مهیاسازید زیرا نزداو جهاد سهل است• چه وی درتیراندازی مهارت تام داشته تمامی تیرهایش بهدف میرسید وقلب دشمـــن را می شگافت •

پیغمبر اکرم (ص) زمانیکه با تحمـــل

بقیه در صفحه ٥٦

بررسی مسایل روز

از کاظم آهنگ

اسرائیل به‌تحریکات تازه‌درشرق میانه‌میپردازد

هنوز بحران قبرس به قسمتیک معضله مغلق وپیچیده در این گوشه جهان راه حل نیافته وتاکنون مقامات مربوط موسسه ملل متحد مخصوصا داکتر کورت والد هایم سر منشی آن موسسه وکشورهای ذیعلاقهٔ در جستجوی راه حلی در زمینه اند ،که تهدید هاو تفتین‌های اسرائیل یك بار دیگر بر مشکلات این گوشه جهان افزوده است .

گرچه این تهدیدها هنوز مشکلی ایجاد نکرده که همین اکنون شرق میانه وجهان عرب‌ازآن تهدید شوند ولی بدون شك مقدمه یك آینده پر مخاطره را در انظار جلوه میدهدزیرا هر حرکت توام بابر خورد گرم بین اعراب واسرائیل یقینا خسارات وتلفات شدید مالی وجانی را در قبال خواهد داشت .

اسحق رابین صدراعظم اسرائیل اخیرا یك سلسله مطالبی ابراز کرده که نشاندهنده این نوع تهدیدات وزور گوئی هاست وعلاوتا اعمال اسرائیل مانندمانورها وتمرکز قوای آن در سر حدات بعضی کشور های عربی موید ایجاد چنین مشکلات است .

اسحق رابین گفته است اسرائیل تازمانی‌ازسرزمین‌های‌اشغالی‌عرب‌عقب نشینی نخواهد کرد که بداند این موضوع برای صلح در شرق میانه مفید میباشد،وی همچنان‌گفته است که هر گونه اقدام اسرائیل‌دربرابر اعراب باید از یك موقف قوت و زورمندی نشات کندوبه‌همین وتیره وی گفته‌است که‌کنارآمدن اسرائیل با اعراب وعقب نشینی اسرائیل از سر زمین های اشغالی عربی در صورتی عملی‌شده میتواندکه اعراب موجودیت اسرائیل را برسمیت بشناسند همچنان صدراعظم اسرائیل میگوید که تشکیل یك حکومت فلسطینی در شرق میانه معنی محوو ازبین رفتن اسرائیل را دارد .

از گفته های رابین که بگذریم شمون پریز وزیر دفاع اسرائیل گفته است برای مذاکره با اردن اسرائیل شرایطی دارد ویکی از این شرایط عبارت‌از این است که مذاکرات بین اردن واسرائیل تنها در باره عقب نشینی عساکر اسرائیل از غرب رود اردن نبوده بلکه در باره بر قراری یك صلح دایمی در شرق میانه باشد .

در گفتار های صدراعظم ووزیر دفاع‌اسرائیل چندموضوع‌قابل‌تحمل است، نخست هر دوی آنها ازصلح صحبت کرده اند .دوم صدراعظم اسرائیل هر اقدام را از یك موقف قدرت میخواهد ،سوم باز هم خارج شدن ازسرزمین‌های‌اشغالی‌را به شرط رسمیت شناختن‌اسرائیل مربوط دانسته‌است وبالاخره تشکیل حکومت فلسطین را محو یهودتلقی میکند .

هر گاه به این گفتار های رابین وپریز دقت شود دراجع به هر یکی از آن طوری قضاوت حکم خواهد شد که از زور گوئی فتنه انگیزی وعقده‌های حقارت سرچشمه گرفته باشد موضوع اینجا ست که هم اسرائیل از صلح صحبت میکند وهم عربها از صلح گپ میزنند ولی اینکه صلح واقعی را کدام یکی از آنها آرزو دارد سوالیست که بایست جواب داد.

عربها در هر گام خود متوجه‌آنند که چطور میتوانند .

مساله شرق میانه‌از طریق‌صلح حل شود. این عربها اندکه بهمین‌تازگی ها در جلسه وزرای خارجه خود در قاهره موافقه نمودند که مساله فلسطین را در جلسات مجمع عمومی ملل متحد مطرح ساخته واز این طریق راه حل صلح آمیزی برای آن دریا بند .واین عربها اندکه ازمرکز یك کشور به مرکز دیگری وازآنجا به کشور سومی رفته با مقامات مربوط این کشور ها مذاکراتی انجام مید هندوراه حل مسالمت‌آموضوع شرق میانه ومعضله فلسطین را جستجو میکنند . از این موضوع‌که بگذریم در همین کنفرانس وزرای خارجه کشور های عربی یك‌باردیگر راجع به کنفرانس صلح ژنیو مذاکراتی انجام شد ولی در مقابل آیا این اسرائیل نیست که گاهی اشخاص سر شناس خود را به افریقای جنوبی نزد رژیم تبعیض طلب آن سر زمین فرستاده واز آنجا آواز جنگ وتجاوز را بلند میکندو آیا همین اسرائیل نبوده است که وقتا فوقتا در مراکز بعضی ازکشور های غربی رفته درپی تهیه وتدارك اسلحه ومهمات حربی میشود وآیا این اسرائیل نیست که همین اکنون بر مردمان قرای جنوب لبنان باتوپ وطیاره وتانك حملات خودرا را وارد کرده نه تنها به مبارزین فلسطین در این ناحیه زیان ها و خساراتی راتحمیل میکندبلکه‌هزاران نفر زن مرد وطفل ملکی آن سامان را متضرر میسازد در حالیکه همه میدانند مردمان آن ناحیه بی سلاح وبی دفاع اند، کوتاه اینکه هیچ روزی نیست که صدای حمله وآواز فتنه انگیزی‌های اسرائیلی هاو قوای اسرائیل بر سر زمین های عربی شنیده نشود.

یقینا خوانندگان محترم بخاطر دارند که در این روز ها اسرائیل چند مانور نظامی را انجام داد .

ودر این مانور ها از قوای احتیاط خود هم استفاده کرد این مانور ها بدون شك یك سلسله سوالهای را بین‌کشور های‌عربی ایجاد نموده است وعلاوتا همین مانورخود جنبه نمایش را دارد که در آن قدرت اسرائیل تبارز داده شده گذشته ازآن اسرائیل بارها گفته است که همه‌افراد خود را باتعلیم وتربیت عسکری مجهز میسازد اگر واقعا صدای صلح ازقلب ودماغ‌از اعماق اسرائیلی بیرون شود به چنین اعمال ضد صلح دست نمی زند .

بقیه درص ٥٦

کیو کواسا کورا

دوشیزه‌ای که انگشتان ظریفش روی فلز سخت، هنر می آفریند

در تما م آثار هنری اوروح لطیف‌وزیبایی زنانه دیده میشود .

• • •

او دوست دارد تا بخش زیادزندگی اش رادر سفر ومشاهده، زندگی های نو، وقف نماید.

ترجمه : رهپو

مهم نیست که در کجای جهان بنگریم،ولی این یك حقیقت روشن که بندرت می توان به زن پیکرتراش‌بر خورد،کیو کواساکوراهنرمند وپیکر تراش جاپانی از همین زمره است . جهان هنر جاپان ، رمحور سا زمان نیتتن که بزرگترین محل گرد آمدن‌هنر مندان‌آسامان بحساب می آید ، چرخ می خورد برای سالیان زیاد ، بخش پیکر تراشی آین‌سازمان توسط فومیو اساکورا ، که‌ازخوددودختر بجای ماند، اداره می‌شد. شتسو اساکورا، دختر بزرگ در بخش‌نقاشی سنتی جاپان‌دست‌چیره دارد درحالیکه کیوکواساکورادر پیکرتراشی مقام ارجمندی را بدست آورده است .

پدر این هنر مندان ، درستیغ جهان‌هنر جاپان دست یافته و بحیث پرفیسور در پوهنتون هنر، عضو اکادمی هنر بوده ونشان فرهنگ را بدست آورد . دختران قریحه‌ی هنری را ازپدر هنر مند شان به‌ارث برده و با پشت کار آن را بر شیوه خود شان رشد دادند .

قابل تذکار است که ایندو راه جداگانه هنر را برگزیدند . خواهر بزرگ در جهان نقاشی و کیو کو در عالم پیکرتراشی‌ومجسمه سازی دست به کار شد . کیوکو که در یك فضای پراز هنر هنر زاده است‌از همان‌آوان کودکی یعنی سه سالگی دست به‌مویك‌نقاشی برد . در سن ۱۲ سالگی‌کچ قالب‌زیر پنجه‌های هنر مندش موم گردید وبه این ترتیب‌روش هنری اش راه خودرا یافت .



کیوکو با خواهرش شتسو دریکی‌ازنمایش های هنری اش

زمانیکه ۱٦ ساله بود ، وهنوزشاگردساده مکتب بحساب می‌رفت توانست تاجایزه‌سالانه نمایشگاه هنری نیتن را بدست آورد .

جایزه بزرگ نیتتن درسن بیست سالگی نصیب اوشد افتخاری که او تااکنون‌چاربار بدست آورده است‌بعد،درسن جوانی۲٦سالگی بحث هیات منصفه سازمان هنری نیتتن‌نامزد گردید بدان معنی است که اوپله های طولانی‌زینه هنر را از همان آوادن کودکی‌که پهای‌ها یش لرزان‌لرزان بود باسرعت‌یکی پشت دیگر طی نمود . نام او به‌دفعات روی روزنامه ها و جراید بچاپ رسید .کار های هنری او توسط وزارت معارف‌ودیگر نمایندگی های دولت خریده شده و ورق دیگری بس شهرتش افزود .

در درون سازمان هنری‌نیتتن، بانهم برخی به او چشم تنگی نموده وانتقاد می کنندکه علت پیشرفت او فقط مرهون شهرت پدرش می باشد در همین زمان بود که‌اوبحیث یك روح هنر مند به سازمان نیتتن به دیدهٔ سك بنگرد وبه همین علت درآمر خروج از سازمان مذکور در نگ ننمود این این درست ۱۳ سال قبل ازمرگ پدرش‌بود.

اوبخاطر این از سازمان مذکور برید تااز زیر تاثیر پدرش بدور بوده ودر آفرینش هنری‌ه اش « دست‌باز» داشته باشد.

امروز ، این زن هنرمند ، هنرش ار به صورت کامل در راه مستقل و تازه‌ای‌سوق داده است . بعد از ترک نیتتن او ازپیوستن به کدام محل هنری دیگر دوری نمود اکنون آثارو ساخته های هنری او در نمایشگاه های متعدد هنری‌که‌بخصوص در فصل شکوفان‌بهار درهاکون، غرب توکیو، برپا می شود، به نمایش گذارده می‌شود .

برعلاوه ، در مدت سه سال توقف ،اوبا دقت خاص نمایشگاه یك‌نفری‌ازآثاروکارهایش براه انداخت در هر حادله هنری بخوبی مشاهده می شد که کار هایش بطرف پختگی وبلوغ پیش می‌رو د.

در حالیکه در آثار ساخته شده اش استثنایی چون پیکر یك فروشنده‌روزنامه‌که سراپاساخته شده است وجوددارد، بخش‌زیاد آثار اوبه ساختن پیدره های از زن که‌به صورت کامل ، نیم‌تنه و یافقط چهره نمایش داده می شود ، وقف شده است .

آخرین نمایش آثار او در سپتامبر گذشتا بعد از سه سال توقف ، در گالری هنر پوهنتون گینزا درتوکیو برپاشد .

دراین نمایش هژده اثر از اوبه نمایش گذارده شد و درو نمایه های اساسی این نمایشگاه بازهم «زن» بود .

ممکن مهمترین مجسمه اومجسمه ای‌باشد بنام «زن» که در آن تصویری از یك دختر در حالیکه بالاتنه کوتاه پوشیده ، روی‌چوکی نشسته و پای هایش را طوری‌درازنموده است گویی که در تفکر ژرف و عمیق فرو رفته است. در تمام آثار اوبه روشنی قدرت

بقیه درصفحه٦۱

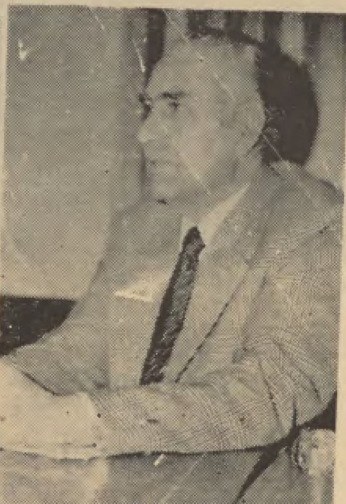


کیو کو، پیکر تراش معروف‌بایکی‌ازمجسمه هایش بنام «مینی ژوب»

مطابق پلان ۲۵ ساله شهر کابل تمام و باز ساز

در آینده نزدیک ښاروالی درهر محل دو خبازی ودو قصابی را دایر میسازد تاهم زمینه رقابت سالم در فروش مواد ارتزاقی مساعد گردد وهم این مواد بشکل صحی عرضه گردد.

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون باشتراک:
ښاغلی محمدبصیر سمیعی معاون ښاروالی
ښاغلی محرم علی رئیس تفتیش ښاروالی.
ښاغلی دکتور محمد عزیز سراج رئیس امور صحی ښاروالی.
ښاغلی عبدالرحمن رحیمی وکیل ریاست کار وساختمان.
ښاغلی دکتور محمد موسی آتش معاون ریاست امور صحی ښاروالی
ښاغلی انجنیر وزیر احمد بری مدیر عمومی کار وتخنیك ښاروالی
وښاغلی محمد امین شفیق مدیر عمومی تهیه واصناف ښاروالی.
زیر نظر روستا باختری.
مریم محبوب افسری عضو مسلکی ژوندون.
محمد ناصر عزغنبت مدیر عمومی نشرات ښاروالی ونگارندهٔ مسوول جریده پامیر
ومحمد یوسف غازی مدیر قلم مخصوص ښاروالی محل جلسه: اتاق کارو کنفرانس ښاروالی



معاون ښاروالی



رئیس حفظ الصحه ښاروالی



رئیس تفتیش ښاروالی

روستان باختری

یکی از ازمشکلات باشندگان نواحی مختلف شهر کابل **موضوع عدم** استقرار نرخها، عدم عرضه درست وصحی مواد ارتزاقی وعدم کنترم ومراقبت جدی کار کنان ښاروالی **از نرخها است.**

اغلبا باشند گان شهر کابل بر **شیوه کار مفتشین ښاروالی انتقاد** دارند واین انتقاد بجاست که هیچکس حتی خود اعضای ښاروالی نمیتوانند بنرخ ښاروالی جنسی را خریداری نمایند.

متاسفانه تا جائیکه دیده شده است جرایم نیزنه تنها **موثر نبوده بلکه متخلفان راوادار ساخته که** مبلغ جریمه را روی قیمت ها افزون سازند که دوام این وضع باز هم به **ضرر مصرف کننده تمام شده است**

اکنون خواهش ژوندون این است که باحترام خواسته خوانند گان این مجله وشهر یان کابل ریاست تفتیش ښاروالی توضیح نماید که در مورد کنترل ومراقبت از نرخها چه اقداماتی صورت گرفته ویااینکه چه طرح وپلانی برای حل این مشکل عمومی وجود دارد که مورد تطبیق قرار گیرد؟

ښاغلی سمیعی معاون ښاروالی:

عامل اساسی اینکه نرخها چه در کابل وچه در ولایات کشور باوصف تلاشی پیگیر وجدیت مسئوولان امور استقرار نیافته ونمی یابد عدم نرخهای استندرد در تمام کشور است، همانطور یکه شاهدیم در کشور ما هنوز هم نرخها تابع عرضه وتقاضا است وکمیت و کیفیت جنس متکی باین دو اصل است.

یادم است چندی قبل با وصف آنکه **نرخ بادنجان رومی از نرخ عرضه آزاد در مارکیت ها ارزانتر** نرخگذاری شده بود هر روز قیمت **آن قوس نزولی را می پیماید. تا** اینکه موجب شکایات شهر یان گردید وعده ای به ښاروالی مراجعه و بکار ما انتقاد نمودند که این چگونه **نرخگذاری است در حالیکه علت این ارزانی فقط عرضه زیادتر ازحد** پیش بینی شده بود وبس.

برای اینکه نرخها واقعا استقرار یابد از یکسو بایست در تمام نقاط کشور نرخهای تثبیت شده واستندرد وجود داشته باشد. ذخیره گاههای بزرگ اعمار گردد. سرد خانه های مجهز بوجود آید ودر تمام فصول **سال متوازن باتقاضا عرضه صورت** گیرد در این صورت نوعی رقابت آزاد وسالم میان دولت وفرو شنندگان دست اول بوجود میاید ومانع بلند رفتن نرخها شده آنرا در حد معین آن ثابت نگهمیدارد.

تاکنون در کابل فقط گوشت ویخ باچنین شرایطی عرضه میگردد **مسلخ درحال حاضر باوصف آنکه** با قدرت نهای خود فعالیت دارد باز هم عرضه گوشت نمیتواند جوابگوی **احتیاج شهر یان باشدودولت دراین** زمینه تصامیمی دارد که به تطبیق گذاشته میشود.

اکنون ښاروالی برای جلو گیری از تخلفات فرو شناگان واستقرار بخشیدن بنرخها چاره ندارد جز جریمه، اخطار ومسدود ساختن **موقتی دایمی دکاکین متخلفان که** از چنین روشی کار گرفته شده و **باز هم کار گرفته میشود.**

یك راه دیگرجلو گیری از تخلفات در فروش همکاری صمیمانه خود مردم است باښاروالی، هر خریدار باید در حکم یك مامور تفتیش باشد ومتخلف را به شعب مسوول معرفی **نماید در گذشته اعمال نفوذ برخی** از صاحبان قدرت موجب میگردد که **متخلفان متکرر کمتر تنبیه شوند.**

هر وقت با خبازی متخلفی رو برو **بودیم وسیلی از واسطه وتوسعه** کسانی که اهل قدرت بودندو مبارزه با آنان بیرون از دایره قدرت وصلاحیت ما، ولی اکنون دیگر نظام مردمی ما اجازه هیچ نوع اعمال **نفوذ را به هیچ صاحب قدرت نمی** دهد واین باعث میگردد که مادر کار خود موفق تر باشیم.

این است که باز هم همکاری

نواحی کهنه‌ساز کابل ویران میگردد

ی میشود

مجله ژوندون واقعا مجله خانواده‌هاست وانعکاس دهنده نظریات وانتقادات مردم از زبان مردم، میزهای مدور شما یك كار عالی مطبوعاتی است.
برای استقرار نرخها بایدذخیره گاههای بزرگ ساخته شود، سردخانه های مجهز ایجاد گردد ودر تمام فصول سال عرضه متوازن باتقاضا صورت پذیرد.

با میسر شدن امکان تعقیب پیگیر و صمیمانه مردم را خواهانیم تاباشد مراقبت همیشگی جلو تخلفات درحد

قناعت بخش آن گرفته شود بناغلی محرم علی رئیس تفتیش بناروالی

قبل از اینکه بانتقاد ژوندون در باره عدم استقرار نرخها جواب گویم از این مجله آموزشی وخانوادگی که همیشه نقش پیش آهنگی اش رادر زمینه خدمات فرهنگی و مطبوعاتی به نحوه موثر ایفاء نموده است به عنوان یك همشهری و **خواننده این مجله به نیکی یادمیکنم ژوندون رکن مهم مطبوعات کشور** است ومطبوعات انعکاس دهنده خواسته ها ،نظرات وانتقادات مردم افغانستان ،پس وقتی ما با انتقاد



مدیر عمومی تهیه واصناف شاروالی

این مجله روبرو میباشیم درحقیقت با گفته ونظر مردم افغانستان در باره خود ونحوه کار خود روبرو ایم که **این کمکی است بما در جهت بهبود امور مربوط بما.**

ریاست تفتیش بناروالی کابل با روحیه وطنپرستانه خود پذیرای هر نوع انتقاد سالم و روشنفکرانهٔ مطبوعات کشور میباشد وامید وار **است با استفاده از این نوشته ها** وارائه نظرات مردم استفاده برد و **راه حل منطقی مشکلات را بیابد.**

درمیز مدور ژوندون بیشتر درمورد انتقاداتی ارائه گردیده بود.

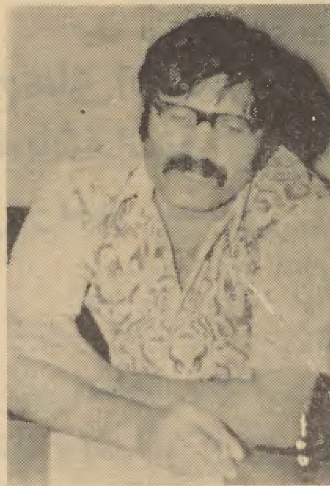
عدم استقرار از نرخها در شهر



معاون ریاست ساختمانی

اما اعتراف می کنیم که هنوز هم باوصف تلاش پیگیر ومدامی که برای استقرار نرخها صورت می گیرد **جلوی بی‌مبالاتی فروشندگان وتخلفات** آنها را گرفته نتوانسته ایم ولی آمار واحصائیه های مستند گویای آن است که در مدت یکسال عمر نظام بالنده جمهوریت طور نسبی ونظر بگذشته ما موفقیت های در زمینه داشته‌ایم.

به عنوان مثال یاد آور میگردم که قبل از استقرار نظام نو کشورهفت **کیلو پیاز ۱۲۰ـ افغانی خریدوفروش میگردید ولی بعد اقداماتی که صورت** گرفت اجاره صعود نرخ این ماده به کلی داده نشده حتی نمایندگان وزارت پلان باین دلیل که مقدارزیاد



معاون حفظ الصحه شاروالی

کچالو وپیاز ازاندازه مصرف شهریان زیاد است وامکان گندیده شدن میرود خواهان صدور آن بخارج بودند ولی بناروالی برای اینکه توازن عرضه وتقاضا بهم نخورد و **موجب افزایش قیمت این دو ماده** نگردد از صدور آن جلو گیری نمود.

احتکار موادارتزاقی توسط عده‌ای **سود جو و منفعت پرست دلیل دوم** صعود نرخها وعدم استقرار آن میتواند باشد که در مدت یکسال با جدیت فراوان کوشش شده است **جلو احتکار گرفته شودومحتکرین** تنبیه قانونی گردند چنانکه همین چندی قبل مقدار زیاد پیاز که در لوگر احتکار شده‌بود توسط مسئولان این شعبه کشف گردید و به قیمت ارزان در مارکیت های شهر عرضه شد.

روغن باوصف آنکه یك ماده توریدی است وقیمت آن نیز در جریان سال گذشته در تمام مارکیت های جهان بلند رفته است ،دولت با قبول مبلغ هنگفتی ضرراز صعود نرخ آن در مارکیت های داخلی جلو گیری نمود وقیمت آن ثابت نگاه داشته شد.

سال گذشته در آغاز فصل سرما عده‌ای از محتکرین چوب وزغال را ذخیره نمودند وعرضه این مواد ارتزاقی را در مارکیت ها کم نمودند تادر موقع ازدیاد تقاضا آن را به قیمت گران بفروش رسانند که بناروالی متوجه گریدوبه‌کمك بعضی از وزارت ها وبانك ملی افغان چند هزار خروار چوب وذغال خریداری نموده با عرضه آن ورقابت آزاد در بازار توانست از صعود نرخ این‌دو جلو گیری نماید **در مورد مواد ارتزاقی متاسفانه هنوز هم عده‌ی** سود جو ومنفعت پرست بخاطر منافع شخصی منافع مردم را بخطر میاندازند که‌شعب تفتیش بناروالی از طریق توصیه،اخطار ،جریمه نقدی **مسدود ساختن موقتی ویادایمی دکاکین وسلب امتیاز با آنها مقابله میکنند و** تاجای امکان میکوشد جلو تخلفات شان را بگیرد به عنوان مثال یاد آور میگردم که در سه ماه اول سال **۱۳۵۱ ۲۰۳۱ نفر فروشنده متخلف** محکوم بپرداخت مبلغ ۹۵۲۷۶٤ ـ افغانی نقد شدند در سه ماه اول سال ۱۳۵۲ ـ۱٦٤۷ نفر متخلف به پرداخت ۰۰ر ۱۱۲۸۰۰۰ ـافغانی شدند که افزایش مقدار جرایم را حاکی است ولی در سه ماه اول ۱۳۵۳ ۷۳٦۰ ـنفرفروشنده متخلف محکوم بپرداخت ۰۰ر ۹۳٤۵ ۲۳۱ افغانی نقد شدند که همه از نظر **تعداد متخلفان وهم مقدار اخذ** جرایم افزایش قابل توجهی را **نسبت به سالهای گذشته نشان می** دهد.

به همین اساس از ۲٦ سرطان سال ۵۱ تا ۲٦ سرطان سال ۵۲ ـ

بقیه درصفحه ۵۹

گوشه ای از جریانات میزمدور ژوندون



تادر تمام کشور نرخ های استندرد شده‌وجود نداشته باشداستقرار نرخها دریك محل و شهر مشکل است.

• • •

احتکار مواد ارتزاقی دلیل دوم صعود نرخهااست وعدم استقرار آن

۲۹۲۷ نفر متخلف فروشنده محکوم بپرداخت جریمه نقدی ۴۶۲۲۲۵۱٫۰۰ افغانی واز ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ تا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۳ ۲۴۳۳۸ نفر متخلف فروشنده محکوم **به‌تحویل جریمه‌نقدی ۹۹۶۵۴۷٫۰۰** افغانی گشته اند که به مقایسه یك سال گذشته افزایش ۱۷۴۱۱ نفر فروشنده تخلف کار وازدیاد مبلغ ۵۳۰۴۲۹۶ ـ افغانی جریمه نقدی را می نماید.

ولی با این هم کمبود وسایط و پرسونل موجب میگردد که نتوانیم بطور قناعت بخش جلو تخلفات را بگیریم ومانع گرانفروشی گردیم.

همین اکنون نه گروپ از مفتشان ښاروالی همه روزه صبح تاشب **مصروف مراقبت نرخها میباشدولی** باتوجه به بزرگی شهر وتراکم **جمعیت این تعدادکم است ونمیتواند** جوابگوی ضرورت ها گردد.

مارکیت هاو سوپر مارکیت ها :

یکی از اشتراك کنندگان میز مدور **ژوندون در بحث انتقاداز عاروالی تدویر مارکیت هاوسو پرمار کیت** ها را توسط ښاروالی یك راه حل معقول ومنطقی برای استقرار نرخها **و جلو گیری از صعود نر خها** خاطر نشان نموده بود درست است من این نظر را تائید میکنم ولی تا زمانیکه نقشه بزرگ شهربه تطبیق گذاشته نشودو **برای ښاروالی**

جریمه را درحقیقت مصرف کننده و خریدار می پردازدنه فروشنده ودوکاندار.

• • •

درسه ماه اول امسال ۷۳۶۰ نفر متخلف محکوم بپرداخت ۲۳۱۹۳۴۵ افغانی جریمه گشتند ودر مدت یکسال جمهوریت ۲۴۳۳۸ نفراز اصناف تخلف کار مجبور به تادیه مبلغ ۹۹۲۶۵۴۷ افغانی پول نقد شدند.

* * *

برای استقرار نرخها ښاروا لی در آینده کوپرا تیف ها ومار کیت های بزرگ فروش را دایر میسازد.

•••

سالها مندوی کابل در اجا ره اجاره داران بود وقیمت هـا د ر اختیار فروشنده ولی حا لا مندوی‌هاتوسط گروپ های ښاروا لی اداره میگردد وجلو صعود نر خها گرفته‌میشود.



مدارك تازه عایداتی کاوش نگر دد عملی شدن **این‌تیوری مشکل است،** در حـال حا ضر ښا روالــی فاقد سرما یه کافی است ودایـر ساختن سوپر مارکیت ها سر ما یه هنگفت **به کار دارد .**

به عنوان مثال باز هم یـاد آور میگردم که سال گذشته اگر وزارت تجارت وبانك ملی **افغان سر مایه** امانت در اختیار ما نمی گذاشتند ما حتی برای ذخیره چوب وذغال قدرت پولی ندا شتیم.

روستا باختری :

فعالیت ښاروالی در زمینه ا خـذ جرایم **نمایشگر تلاش آن اسـت** برای‌استقرار **نرخ امایرسش اصلی‌در** این مورد است که آیا اخذ جریمه ومسدود ساختن دکاکین تنـها راه حل مشکل است و یا اینکه طرق و شیوه **های** بهتر وموثر تری هـم وجود دارد ؟

تجربه نشان داده است‌که بهمان **پیمانه که حجم جرایم بلند میرود** تعداد متخلفان نیز زیاد میگردد و ضرر بیشتر متوجه مصرف کننده میگردد که مجبور است جنس مورد ضرورت را بعد از جریمه گشتن فروشنـده گرانتر از نـرخ او ل خریداری نماید ویابه تعبیر دیگر جریمه را فروشنده نمی پر دازد ، در حقیقت آنـرا مصر ف کنـنـده میپردازند دراین زمینه ښاروالی چه دلایلی دارد ؟

ښاغلی سمیعی معاون ښاروا لی :

نظر شما کاملا منطقی است واخذ جرایم نمیتواند راه حل منطقی باشد از مدتهاست که ښاروا ل کابل‌طرح تدویر کوپرا تیف هاو مارکیت هـا سر دست دارد وروی آن مطالعه می نماید .کوپرا تیـف هاو مارکیت ها تنها راه حل معقول مشکل استقرار نرخها میباشدوعرضه‌صحی ودرست آن .

مندوی کابل که سالها با شیوه اجاره داری اداره میگردید اکنو ن توسط گروپ های ښارو الی اداره میگردد **که این موجب میـگر دد** کـه‌مواد ا ر تـزا قـی طـر ف ضرورت شهریان **بنرخ معینه برا ی** شان بفروش رسد .

همین اکنون مطالعات دامنه داری را شروع نموده ایم که بدون شـك بعد از تطبیق طرح های سرد ست استقرار نرخها به پیمانه قناعـت **بخشی عملی خواهدگردید وجلوشود** جویی اشخاص گرفته خواهد شد .

باسا س یك طرح پیش بینی شده که زیر مطالعه است‌در آینده نزدیك در هر محل دو خبازی ودو قصابی توسط ښاروال دایر میگردد تا بـا رقابت آزاد جلو صعود نرخ گوشت ونان گرفته شود وطرق‌عرضه صحی **این دو ماده عملا نشان داده شود.**

بهر صورت ښاروا لی در تمام مدت روز وشب برای شهریان کار میکند وخود را خدمتگار مردم مـی داند .البته حل همه پرابلم ها کار یکسال نیست ومدت زیاد تـری را ایجاب می نماید ،ما فقط از مـردم **همکاری شان را در معرفی متخلفا ن خواهانیم وهمیشه‌به‌نظرات وانتقادات** شان احترام می گذاریم .

رووف واصع :

کمبود آب آشامیدنی صحی د ر محلات کهنه ساز کابل ومخصو صا درخانه هاو **منازل سر کوه، یـك مشکل اساسی تمام باشند گـا ن** این نـواحی است، طوریکه‌با **ادعای** يك شرکت کننده میز مدور قبلی ما يك مشك آب در منازل سر کوه‌ده افغانی بفروش‌میرسد .

ممکن است مسئوول شعب آب رسانی ښاروالی توضیح فرماید که برای حل این مشکـل وتـهیه آب مشروب صحی برای همه‌مردم کابل چه طرح های وجود دارد .ودر مدت یکسال چه اقدا ماتی صورت گرفته است ؟

دکتور عزیز سراج رئیس امـور صحی :

شهر‌کابل **با نفوس‌شش صـدهزار نفری خود محتاج به پنجاه هـزار** کوبیك متر آب در ۲۴ سـاعت (يك شب ویا روز) می باشد یعنی هرنفر در حدود یکصدو شصت متر آب در يك شب وروز ضرورت دارد البته این مقدار آب تکافوی غسل دست و رو شوئی وغیره ضرورت همین نفر را نیز می نماید .

فعلا ما باچهار چا ه عمیق علاوالدین که‌هر کدام ظرفیت سه هزار کوبیك متر‌آب رادر **۲۴ساعت دارد دواز ده** هزار کوبیك متر آب در يك شب و روز در مخزن **بریکوت میانداز یـم** این مخزن در وسط کوه ده مزنگ واقع بوده وهفت هزار کوبیك متر ظرفیت دارد .در اینجا ممکن است پرسان شود که شما دوازده هـزار کوبیك مترآب را در يك مخزن هفت هزار کوبیك متره چطور میاندازید. جواب **اینست که‌این مخزن منبـع** دخول وخروج دارد از یکطرف کـه آب در آن میافتد از طرف دیگر فورا برای توزیع خارج میشود .

بقیه در صفحه ۵۹

اثر: م.ت. آی‌بیک

علیشیر نوایی

ترجمه: ع.ح. ایلدرم

تااینجا ی داستا ن

بهار، شهر زیبای هرا ت را -طراو ت خاصی بخشیده است . خبر باز گشت علشیر نوایی و تقرر اوبه‌حیث مهر دار دو لت ،چو ن حا دثـه مهمی در سراسر شهر انعکا سـس‌میکند، دریکی از شبها که نوا یـی تنها است، در ویشعلی‌برا د ر شـس‌نزدش می آید. هر دو پیرا مون‌امور مملکت بگفتگو میپر دازند نوا یـی‌تصمیم خودرا مبنی بر اینکه مـی خواهد کتابخانه بزر گی را اسا سـس‌گذاری کند اظهار میدارد و میگو ید که مسو لیت امر را بدو ش و ی -خواهد گذاشت.

فردای آن، همینکه نوا یی د ر -دیوان حضوری‌میباید،حسین بایقرا، اورانزد خود فرا میخوا ند ورا جع‌به‌امور کشور باوی مشور ه میکند و نظرش را در باره مجد ا لد یـــن‌خواستار میشود. درهمین آ وا ن - ابوضیاء بازر گان معرو ف خرا سان‌پیشنهاد میکند تاووجوه‌موردضرورت خزانه رانقدا بپردازد مشروط بـراینکه بوی صلاحیت داده شود تـــا وجوه‌مذکور را از طریق جمع آ وری مالیات دو باره بدست آورد . ا ین پیشنهاد دراثر وسا طت مجدا لدین‌پذیرفته میشود بعداً توغان بیـك مامور اجرای این وظیفه گردید ه ، بیکی ازدهات وارد میگرد . ر یش سفید دهکده ازوی خوا هش میکندتادرین مورد ازنر مش کاربگیرد. .

حرف زد وگفت بعد ازآنکه درفصل خزان، محصو ل زمینها جمع آوری گردد، حقوق خودرا از خراجه گرفته به شهر هرات خواهد رفت و برای خودش ودلدار لباس خواهد خرید دلدار درباره مطالبی که‌راجع به‌بازار هرات وکـالاهای گرانبهـای آن از کهنسالان شنیده بود، پرسش‌هایی نموده ارسلانکول با اینکه به شهر عظیم هرات‌بیش ازدوبار (آنهم‌برای مدتهای بسیار کوتاه) نـرفته بود، درباره تکه های کشمیری، ابریشم های چینی و دیـگر قماشهای کـه سودا گران بفرو ش می رسا نند ، قصه های مفصلی نقل کرد. قلـب هر دو از شاد مانی وامید مالا ما ل شده، اندوه و مشقات، زندگـی و نابسامانیهای روزگار را ازیاد برده بودند .

بزرا در همانجا گذاشته، بخاطر صرف غذا عازم خـانه شدنـد . ارسلانکول پانزده بیست قدم جلوتر حرکت کرد. همینکه دلدار به‌حویلی نزدیك شـد، چشمش بـه تو غـان بیـك و ریش سفیـد قـر یـــه که‌روی شال، درزیردر خت‌نشسته بودند، وبرخی از مردم د هکـد ه افتاده که ترسان و لرزا ن آنجا گرد آمده بودند، بنابر آن بدو ن آ نکـه بطرف آنها برود ، به عقب د یـــوار خزید.

ارسلا نکو ل با گا مها ی متین جلوآمده، کمی دور تر از حا ضر ین برلب جوی نشست . به در ختـــان اطراف ،چند راس گاو ، گو سفندو بزبسته بود. او پی بر دکه این هارا مباشر اجبا رابعنوا ن گرو گـــا ن ستانده است. لذا خشم و بغض بـر گلویش فشار آورد ونگاه تند خودرا بسوی آنها دوخت.

بسیاری از دهقانا ن با میداینـکه شاید بتوانند مبا شر قسی ا لقلب‌را برسر عاطفه آورند ،ا زخانه ها ی خودهر نوع غذا می آور دند .توغان بیك که باریش سفید دهکده مشغول محاسبه و ثبت و کتابت بود،توجهی بطرف دستر خوان نکردوفقط پس‌از ختم حساب وکتا ب، اند کی غـــذا تناول کرده ، دفعتا از جابر خا ست.

گاو وبز های به گرو گر فته شده را به‌ریش سفید سپردو بوی د ستور دادتاز مانی که وی از دهکده(فاریان) برمیگردد ،بقا یارا بایدجمع آور ی کند. وبعد از آنکه دست خود را بر سرو‌روی اسب خود کش‌کرده‌نوازش داد، جهیده روی زین‌نشست‌وبسرعت ازآنجا دورشد. ریش سفیدچاق ، گریبان خودرا گرفته تکان دادو رو بسوی حاضرین نموده چشمان خود را دور داد و گفـــت: (دعاکنید، الهی این مو جود از اسپ بیفتد و گردنش بشکند) حا ضرین دستها رابلند نموده ، خشم آ لـــود گفتند :(باید به‌سلطا ن شکا یت‌برد شکایت !)

فصل چهارم

سا حه بزرگ پیشرو ی د روازه اساسی درباغ زاغان پر از نظامیان است ازهرطرف دسته دسته سپا هیان- سوار فرا میرسند. اسبهامستی‌کنان شیهه میکشند وتو غها در اهتز از اند. خودها (کلا هها ی آ هنین -۲) وجوش سپاهیان‌درپرتو خورشید می درخشید دستهای سیمین‌تازیانه‌بیك ها،سا مان و لوازم نقره کار اسبا ن آنها، پار چه های طلا، دانه هـــای فیروزه وزبر جد غلاف شمشیر ها، باتابش خود، چشم ها را خیر ه می سازد ، میان سپا هیا ن ،درکنـــار مردان دلیر و باشها مت کهنسا لی که ریش انبوه برسینه های شا ن افتاده، اماتیز بین‌وتیز هـــو شـس چون جوانان بنظرمیرسند وبها دران مغر وری که طو فا نهای د هشت‌زای معرکه جنگ راباز یچه ای بیش نمی پندارند. ودر کار زا پیکار و ستیـــز آبدیده شده اند ، نو جوانا ن کـــم تجربه ایکه هنوز خط بروت‌دورلب شان ندویده نیز دیده میشو ند .. شهرهرا ت بدون‌توجه باین طنطنه و تشریفات بحیا ت‌عادی همیشگی خود ادامه مید هد، هرات چنین روز هارا بسیار دیده است هرگاه اطفالی‌که بدون اعتنا به مستی و سر کشی - اسپها ، هر طر ف میدوند وهمدیگر را باشور و فریاد صدا میکنند ، - استثناء قرار داده شو ند ، بز رگ سالان باشنید ن این خبر که‌سلطا ن بخاطر مقابله با محمد یاد گار آماده گردیده است ، میگویند :(خدا این سفر رابا خیر مقرون سازد، آ خـــر ملك به آرا می احتیاج دارد !) و به زندگی‌معمو لی خویش ادا مه مـــی دهند.

اسلیم بر لاس- مرد چار شانـــه مغرور در حالیکه تیرو کما ن‌مخصوص خودرا حمل نموده است درپیشاپیش

دسته سوار، بمشابه (طلا یــــه) لشکر ،خاك برانگیخته حر کــــت کرد.

حسین بایقرا از دروا زه (با غ زاغان) تازا ن براسب، باو قار و متانت خارج گردید. لوازم تجملی گرانبهایی که در پیرا ستن‌لبا سهایش بکار رفته بود دربرابرلوازم واسبا ب تجملی اسپ قیر گــو ن پرصلا بت او، چند ان مایه تعجب نمیگردید. حسین با یقرا که د ر زمره سلاله تیمور به شمشیر ز نی شهرت داشت، جلو توسن خودراکه باجویدن لجام سیمین بیتا با نه کام بر میداشت ، محکم بد ست گرفته باوضعی بها درانه، روی‌زین قرار گرفته بود. از عقب او بیك‌ها، سر کرد گان، اقار ب واعضا ی منسو ب بخاندا ن سلطا ن، مقر بان و مصا حبان حضور و همچنا ن نــو جوانان (زیبای)منسوب بخا نواد ه های بزرگ خراسان‌که‌زینت‌بخش سرای ومایه حشمت‌وشکوه‌مجالس ضیافت وبز مهای خسروانه بو دند کلا ههای نفیس گرانبها برسر ، چکمن های ما هو ت دربر وکمر بند های گران قیمت بر دور کمر، دسته دسته بر اسپهای شو خ وسر کش قرار گرفته بودند .

دسته ای ازقراولان از پی هم‌دویده تازیانه های خویش را در هوا بـه حرکت در آوردند وبا این و ضـع، حرکت سلطان را ابلاغ نمو دند.آنها راهگذران سوار را ازاسپ‌مر کب فرود آورده پیاده ها رابه دیوار های دوطرف کو چه می چسپا ندند . عابرین تابخود حرکت دهند ، ضرب تازیانه رابر سر و دو ش‌خوداحساس میکردند سو داگرا ن‌ازدکانها بــر آمده،دستها را باو قارومتا نــت روی‌سینه نهاده ، وصو ل سلطا ن‌را انتظار میبردند ..

طلاب علم در عقب مدر سـه «گو هرشاد بیگم» زیر رواق بلندی دسته بزر گی را تشکیل داده بودند آنها درباره یادگار میرزا که درنواحی استرا باد،بخا طر بدست آور د ن تاج وتخت،علم‌عصیان بر افرا شته بود، حرف میزدند وراجع به ا ینکه اوکیست، از کدام خانواده است واز چه راهی‌به تیمور میرسد ، بمذ اکره میپرداختند ونام شهز اد گا ن‌زنده‌و مرده،نامور وبی‌نام ونشا ن رابزبان می آوردند . سلطا نمراد وزین‌الدین باایراد لطایف وسخنا ن هـز ل آمیز، بعضا همه را غر ق‌درخنـده میساختند. درین موقع قراو ل‌اولی خشمگین تازیانه‌خود را در هـوا چرخانده بادبدبه و تخبتر از آنجـا عبور کرد. زین الدین بصدا یــی نسبتا بلند گفت:

هیچکس رانزد خود نگذ اشتی.
این دو شاخ گاو، گر خر دا شتی

دوستان لحظه ای لبها را گز یده خاموش ماندند ،اما همینکه قراو ل بدون درك مفهو م کنایه آ میز شعر ازآنجا دورشد ، ازلبا ن بسته آنها موجی از خنده قهقهه بر خاست . سلطانمراد به‌شانه دوست خود ز ده گفت:(اگرتو وجود نمیدا شتی درین زندگی پر از نا ملایمات، خنده را کاملا فراموش میردیم ..)

همینکه مو کب حسین بایقرا نزدیك‌شد، تمام طلاب علم‌دست بـر سینه نهاده، بعنوا ن احترا م خـم شدند .چون سلطا نمراد سر خودرا بالا کرد، موکب ازآنجا فاصله گرفته بود.

چشمش به نوایی افتاد. نوا یی درحالیکه جاو اسپ‌راملایم در دست گرفته بود، بی اعتنا به اینهمه شکوه ودبدبه . مثل اینکه مانند همیشه قلبش دستخوش الها م واندیشـه باشد، با خواجه افضل‌شاعر شیخم سهیلی وکمال الدین حسین گا ز ر گاهی، در یك صف مردان بود.

شاعر در برابر طلابی که او را استقبال مینمودند . با چشمها نی که نور شا دمانی ومحبت ازآنها میتافت التفات‌صمیمانه نشانداد .

طلاب در صحن سنگفر ش مدرسه داخل گردید ، نا پدید شدند .سلطان مر د به حجره در آمد، اما علا قه ای

بقیه در صفحه ٥٦

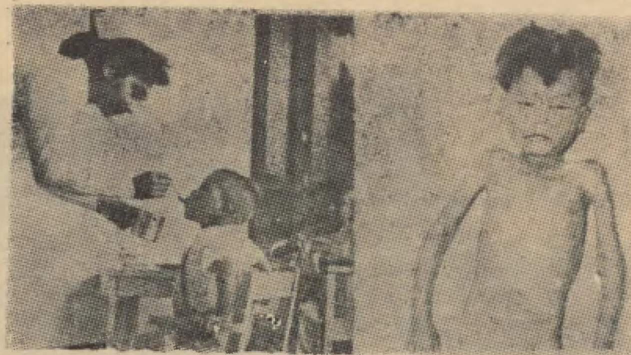


څه‌شی بایدوخوړواوکوم غذایی موادزیاتره تاسوته انرژی‌درکوی؟

په پخوا وختو کښې خلکو دغذادکیفیت سره علاقه نـه بنودله او یوازی کمیت ته یی اهمیت ورکاؤ. چاغوالی دسلامتیا یوه نښه وه اود غوړو ډوډیو څخه یی پرته بلەغوره‌غذا نه پیژندله. مگر نـن ورځ د تغذیوی ناروغیو په زیاتو پیژندلوسره ددغی وضع پته نشته اوخلک له غذا څخه‌هغه څه غواړی چەددوی‌روغتیا ته زیان ونه رسوی .

څیړنو ښودلی‌ده چه انسان هره‌ورځ دخپل هریو کیلو گـرام وزن دپاره یونیم گرام پروتینو ته اړتیالری چەباید نیمه برخەیی له‌حیوانی پروتینو څخه اوباقی نیمه برخه یی‌نباتی پـرو تینو څخه لاس تـه راوړی .

دسلا متیا یـوه نښه‌وه اود غـوړو ډوډیو څخه غذا نه پیژندله او پـه حقیقت کښی یی غذا نه خوړله چه ژوند وکړی بلکه ژوند یی کاؤ چه غذا وخوری مگر نن ورځ دتغذیوی ناروغیو په زیاتوالی پیژندلو سره، ددغی وضع پته نشته او خلك لـه غذا څخه هغه څه غواړی چه ددوی روغتیا ته زیان ونه رسوی اوموږ ددغی علمی څیړنی پـه ترڅ کښی هغه څه چه پوهیدل‌یی دهرچادپاره



دبنه ژوند شرط دبدن رو غتیااو سلامتی ده

په ښکته او ابتدایی سطح کښی ژوندی موجودات، له مختلفو موادو څخه تغذیی تـه اړتیا نه لری، مثلا وابنه یوازی معدنی موادو اود هوا کاربونیك گاز ته اړدی او مکروبونه یوازی له‌قندڅخه‌تغذیه کوی.زیاتره حیوانات کوم شی چه دبـدن دپاره یی ضروری دی پخپله جوړوی، مگر انسان چه دمځکی دمخ تر ټـول بشپړ موجود دی، دغه‌قدرت له‌لاسه‌ورکړی اوزیاتو موادوته اړتیالری چه باید له غذاگانو څخه یی لاس ته راوړی. کوم شی چه انسان غذا خوړلو ته مجبوری ، لومړی‌ده چه په دی وسیله انسان دانرژی د تهیه کولـو دپاره لازمه کالوری لاس ته راوړی. لوړه دتندی په شان هم دبشر دلومړنیو غرایزو څخه ده اودغـه غریزه هغه مجبوروی چه په غذا پسی وگرځی او لاس تەیی راوړی. په انسان کی غذا خوړل یوازی دبدن په‌اړتیاپوری اړه نـه لری بلکه دحس او عاطفی موضوع هم پکښی لوی نقش‌لوبوی. دغذا خوند او بوی اشتها خلاصوی او عاطفی او روحیی مسایـل هم ور باندی زیاته اغیزه لـری . په

وروستیو کلو کښی دغذا نقش پـه روغتیا راوستلو یاد ناروغیو په‌منځ ته راوړلو کښی ښه ترا څرگندشو او اوسنی انسان پوره پوهیدلی‌دی دی‌چه دښه ژوند شرط دبدن‌روغتیا او سلامتی ده اوکه څوك نـن ورځ په میلمستیا گانو کښی غذا خوړلو څخه ډډه کوی، دمړښت له‌امله نـه بلکه له‌دی کبله‌دی چه پوهیږی مثلا دوینو کلسترول یی زیـات دی او باید پرهیز وکړی .

په پخوا وختو کښی خلك دغذا کیفیت سره علاقه نـه ښودلـه او کمیت ته‌یی اهمیت ورکاؤ، چاغوالی

ضروری‌ده، وړاندی کوو .

انسان ولی غذاته اړدی ؟

انسان په لومړی درجه کښی د خپل بدن د کالوری دتـامین دپاره غذا خوری. یومونږ دتم کیدو پـه‌ وخت کښی دتیلو لگښت تـه اړتیا نه‌لری مگر انسان دناستی او خوب په وخت کښی هم غذا ته اړتیالری. داځکه چـه د انسان دبدن تودوخه باید دسانتیگراد په ۳۷ درجوکښی ثابته وی او سـر بیره پـردی دده داخلی غړی تل دکار او فعالیت په حال کښی دی . کـه څـوك دپوره استراحت په حـال کښی وی اود

محیط دتو دوخی درجه هـم داسی تنظیمه شی چه تودوخی یاسره ته دسانتیگراد ۱۸ درجی په کوټه‌کښی او ۳۷ درجی تودی کەوالری، بیاهم دژوندی پاتی کیدو دپاره دتودوخی ۱۶۰۰ لوئی کالوری تـه اړتیا لری چه باید هغه دغذا لەسوځیدو څخه تامینه کړی. لویه کالوری دتودوخی هغه انـدازه ده چـه وکولـی شی دیوه لیتـر اوبـو دتـو دو خـی درجه لوړه بوزی. مگر لـه دی امله چه انسان تل دکار او فعالیت پـه حال کښی دی، ددغی انـدازی نـه زیاتی کالوری ته اړتیا لری او البته هر څومره‌چه دفعالیت اندازه زیاته وی، زیاتی غذا ته‌به هم اړتیالری. داسی اټکل شویدی چه دهغه چـا دپاره چه او یـا کیلو گرامه وزن ولری اود میز ترشا فعالیت سره‌ته ورسوی میلا ماموروی، په‌۲٤ ساعتو کښی دوه زره څلور سوه کالـوری کافی ده دکالوری دغه اندازه دغذایی دری اصلی موادو یعنی غوښی(پرو تین، قندی موادو ،ډوډی، قند،مربا اوعسل)اوغوړو موادو (حیوانی او نباتی غوړ) څخه لاس ته راځی په دی معنی چه دهغو له سوزیدو څخه لازمه کالوری لاس ته راځی

ددی دپاره چه وکولای شو دبـدن دپاره داړتیا وړدغذایی موادو اندازه چه هره غذایی‌ماده یی منځ ته‌راوړی لاس ته راوړو باید دکالوری‌اندازه مشخصه کړو. یو گرام قندی ماده اویوگرام پـرو تین څلـور کالوری تودوخه تولیدوی، مگر یوگرام غوړ کالوری یعنی دهغو له‌اندازی نه دوه چنده زیاته تودوخه تولیدوی. له‌دی امله پوهیدای شو چه ولی غوړمواد دزیات چاغوالی اغیزه لری .

دسوځیدلو په وخت کښی ددغی تودوخی یوه اندازه له منځه ځی‌اوبه دی‌وجه په سلو کښی شل بایدغذا زیاته شی‌ترڅو دکالوری لازمه‌اندازه لاس ته راشی. باید وپوهیدل شی چه‌د غذاگانو ترمنځ باید مشخص نسبت موجود وی‌په‌دی ترتیب‌چه‌په سلو کښی دیارلس کالوری له پرو تینو څخه ،په‌سلو کښی یوویشت‌له غوړو څخه اوبه سلو کښی شپیته له‌قندی موادو څخه تهیه شی .

په دی ډول وینو چه‌د انسان‌دبدن دتودوخی دانرژی دوه دریمه برخه ژوندون

له قندی موادو څخه لاس ته راځی اوانسان دکار اوفعالیت دپاره پـه لومړی درجه کښی ډوډی اوغلی‌دانی ته‌اړتیا لری .قندی‌مواد په‌بدن کښی د(گلیکوژن) په شکل په ځگر او عضلاتو کښی ذخیره کیږی. وایـل کیږی چه‌د انسان دبدن د(گلیکوژن) ټوله ذخیره څه‌ناڅه دری زره‌کالوری تودوخه تولیدوی چه تقریبا دیـوی ورځی دپاره کفی ده‌اوکه څوك لـه یوی ورځی نه زیات وږی پاتی شی بدن خپله اړتیا له‌خپلی غوړی‌ذخیری څخه تامینوی نوځکه هغه مامور چه زیات جسمی فعالیت نه لری د۲٤۰۰ کالوری دلاس ته راوړلو دپاره۳۵۰ گرامه گلوسید سل گرامه پروتین اواویا گرامه غوړینو موادو ته اړتیا لری. مگر دبدن اړتیا یوازی‌کالوری ته نه‌ده یعنی یو انسان نشی‌کولای چه یوازی دډوډی یا غوړو موادو په خوړ لو سره متعادل ژوند ولری،له همدغه امله په‌غذاکی دتنوع‌مراعات باید وشی .

انسان غوښواونورو پروتنـــی موادو ته اړ دی ځکه‌چه‌دبدن‌نسجونه لهمدغی مادی څخه جوړ شویدی‌اوپه دی وجه دهغو دجوړښت او ترمیم دپاره اودغه راز دانتی کور جوړیدو دپاره چه دعفونتونو په مقابل کښی ددفاع دپاره لازم دی، باید دورځی یوه اندازه دغه ماده وخوړله شی. باید وویل شی چه ټول پروتینونه یوخاصیت نه‌لری اود اسید امینـو له‌پلوه یودبل سره توپیر لری. د انسان بدن دوه ډوله پروتینو ته اړتیا لری .یوه یی هرډول پروتینی چه‌په ځینو هغو امینو اسید ونـو ماده اوبل یی ټاکلی پروتینی ماده نوری اړه لری چه‌د انسان بدن‌یی دجوړولو توان نه‌لری ،حال داچـه موجودیت یی ضروری ده.

څیړنو ښودلی ده‌چه انسان هـره ورځ دخپل هریوه کیلو گـرام وزن دپاره یونیم گـرام پرو تینـو تـه اړتیا لری چه باید نیمه برخه یـی له حیوانی پروتینو څـخه او پاتـی نیمه برخه‌یی له نباتی پروتینو څخه لاس ته راوړی .

له پروتینو څخه‌ډك موادپه‌طبیعت کښی زیات دی. مثلا دپسه غوښه‌په سلو کښی اوولس دخوسی غوښه‌په سلو کښی اتلس، دوری غوښه پـه سلو کښی نولس، چرگوړی په سلو کی یوویشت ،دغوا اوپسه ماغزه په سلو کښی لس ځیگر په سلو کښی یوویشت خاویار پـه سلو کښی شپږ دیرش، دهگیو ژیړ په سلوکی شپاړس اوسپینه یی په سلوکښی یولس، مستی په سلو کښی ٥ر۳ ، شیدی په سلو کښی ٥ر۳، پنیر په سلوکښی له ۸ څخه تر دیرش‌پوری اوکب په‌سلو کښی له شپاړس څخه تردیرش پوری پروتین‌لری. له‌نباتی پروتینو څخه، غوړه لوبیا په‌سلوکی پنځه دیرش، لوبیا پـه سلو کښی نولس، وریجی په سلو کښی ٥ر۷ او نوری دانی په سلو کښی ٥ر۱۰ پروتین لری. نـو ځکه انسان باید دورځی ۲۵۰ گرامه غوښی اولبنیات او هگی او ۲۵۰ گرامه لوبیا اونور نباتی پروتینو نـه وخوری . بایـد وویل شی چه په هگیوکښی موجود پروتین ډیر بشپړ ډول پروتین دی چه دبدن اته ډوله ضروری امینو- اسیدونه پکښی شته .

قندی او غوړ مواد :

دانسان ډیره مهمه غذایی ماده ، قندی مواد دی چه د انسان دپاره ډیره ضروری ده. ددغی مادی‌اهمیت له ذوه پلوه دی یوه دبدن دپاره د ضروری تودوخی دتامین له پلوه او بـل داچه دهغو مصرف ددی سبب کیږی چه زیاتو غوړو مـــوادو لـه سوځیدو څخه مخنیوی وشی . لکه چه وویل شو دهغه چا دپاره چه دمیز تـرشا کار کـوی ، دورځـی دری سوه پنځوس گرامه گلوسیدی مواد لازم دی چه پـه حساب سره له دغو موا دو څخه یی لاس تـه راوستلای شو- قند پـه سلو کښی ۹۸، مربا په سلو کښی ٦۰ تر ۷۰ پوری، عسل په سلو کی اتیا، غله‌په سلو کښی پنځه اویا، ډوډی په‌سلو کښی پنځوس، وچ سابه په سلوکی شپیته او پټاټی په سلو کښی شل گگلوسید لری. له‌دغه املـه سړی کولای شی چه دورځی ۷۰۰ گرامه ډوډی یاد گلوسید په‌حسابولو سره نور مواد وخوری .

دغوړو موادو په باره کښی ځینی کسان داسی عقیده لری چه بایـد غوړی له یوه سره‌له غذا څخه‌لیری کړی‌شی. حال دا چه دغه ډول فکر سم نه‌دی داځکه چه غوړی پـه بدن کښی دزهرو په ضد اغیزه لـری او سربیره په دی لږه اندازه یی زیاته کالوری تولیدوی او له ټولونه مهم ټکی دادی چه په غوړو کښی‌محلول ویتامینونه دهغو په وسیله بدن تـه داخلیږی او ځینی غوړ اسیدونه د بدن دپاره ضروری ده، خونه ښایی چه دغوړیو پـه اندازه کښی افراط وشی ځکه چه دچاغوالی اود بـدن دانډول دله‌منځه تـلو سبب گرځی په کلی توگه دهغه چا دپاره چه اویا کیلو گرامه وزن و لـری د ورځـی شپږ سوه گرامه غوړ کافی‌ده چـه له‌دری څخه‌یوه برخه‌یی بایدحیوانی اودوه نوری برخی یی نباتی غوړی وی. دغوړو موادو اندازه په غذایی موادو کښی پـه سلـو کښی ۸۳ پیروی په سلو کښی ۸۳ دمارگرین غوړی، مستی په سلو کښی ٥ر۱ پوخ په سلو کښی پنځه دیرش‌پنیر په‌سلو کښی دیرش نباتی اوزایتون غوړی په سلو کښی ۹۹ پسته پـه سلو کښی شپیته غوړینه لوبیا پـه سلو کښی اتلس ده. پـه دی ډول پوهیدای شو چـه دانسان دپاره د ورځی ۲۵ گرامه پیر وی (حیوانی غوړی) او ځلو ویشت گرامه نباتی غوړی کافی‌ده، حال داچه په اوس وخت کښی زمونږ لگښت لـه دغی اندازی څخه ډیر زیات دی .

معدنی مواد :

ددری گونو غذایی موادو نه‌علاوه انسان معدنی موادو تـه اړتیا لری او لـه دغو موادو څخه دورځی لـه پنځه څخه تـر دیرش گرامو پوری بدن ته رسیږی چه نیمایی مالگه‌ده او نورایی لـه پوتاسیم ، گوگـړو فاسفور کلسیم او منیز یـوم څخه عبارت دی. سابه لـه معدنی موادو څخه ډك دی چه دپخیدو په و خت کښی یی مالگه آزادیږی. باید وویل شی چه (سوډیم) دسلولی بهر پـه مایع کښی زیات دی او انډول ساتی کلسیم‌دهډوکو اوغاښونو په‌جوړښت کښی ضروری‌ده اود وینو په‌جوړولو کښی برخه لری اودغه رازدعضلاتو او اعصابو په چارو کښی مهم نقش لوبوی .

هډوکی دبدن دکلسیم اصلی مخزن دی اوپه سلو کښی ۹۹ دبدن‌کلسیم په هغو کښی دی او پـه هغه سړی کښی چه اویا کیلو وزن و لـری، اندازه ٤ر۱ کیلو ده. شیدی هـغه مهمه غذایی‌ماده ده چه‌زیات کلسیم دبدن په جوړښت کښی ضروری ده

پاتی په ۵۷ مخکی



انسان غوښو او نور وپرو تینی‌موادو ته اړ دی ځـــکه چه د بدن نسجونه همدغی مادی څخه جـوړشویدی .

کلی ته رانګ ددی لپاره وچه د (پتمن) په خپروباندی ښه زور فکروکړی اوخپل دریغ په روښانه ډول څرګند کاندی .

سبا سهاروختی له کوره ووت . په‌کروندو کی یوآخی روان شو . همداچه دی کروندو ته یی کتل سخته رخه ورغله . ترهغوچه سترګو یی کارکاوه له بارنه ډکو اودرندووړویی توجه جلبوله له خانه سره یی سوچ کاوه .

– (آه چه کن شمیر خواران پدی کروندو کی کاراکوی خوپه پای کی دلیوانو کندوان ترینه ډکیږی . . اوبیابه یی شاږ دښتو ته وکتل اوله خانه سره به‌یی وویل :

– (که ددی هیواددخوار اوسپیره انسان له پښونه داچارمیخ بندونه وسپړل شی لـه دی شاړودښتونه به خانو نو ته جنـــت جوړ کړی ...)

دسباوون پسته هوا ډیره ښه پی‌لګیدله. ورووړو دکروندوپه منځ‌کی روان و له بزګرانو سره به یی خبری کولی اوپه خواخوږی سره به‌یی دهغوی خبروته غوږنیوه ...

همداچه بیرته کلی ته راستون شویوشمیر ماشومان یی ولیدل چه په خاورو کی لوبــی

کوی . سخت وپارید له خان سره یی فکر وکړ .

– (آه ! ددغوماشومان په خیروملیون هاو خوارواوسپیرو ماشومانو دژوند په بیه ده چه یوه کوچنی ډله ما شومان په وړکـتونــواو روزنتونو کی سره اوسپین ګرځی او لوبـــی کوی ... او داخواران دولږی – بـدمرغی – ناروغی اونیستنی دخپیړوله لاسه پــــه مرګ محکومان دی ...)

اوله همدی تاثراتو سره دخپل کور خوانه روان شو. خوهمدا دخانانو دکلاړخ ته تیریده نودهغوی دیرجوری کلادیوال یی ولید چه یوه زوره چاوده پکی پیدا شویده اودهغی پــه کتنه موسکی شوه .

۱٤

دچنګابښ دمیاشتی وروستی ورځی وی . اوددغی میاشتی دوروستی لسیزی په لومړی ورځ وچه (پتمن) خپل لاسی بکس وتاړه او همداچه سبا ناری یی وکړ نویی پلارته مخ واړوه او ورته وی ویل :

– (پلاره دعاراته کوه ... ژوند په یوه حال نه‌وی ډیری هسکی ټیټی لری – مرګ‌اومرینه لری اودآسی نورنوهیله ده چه په هره دوعا کی درپه یاداوسم ....)

د(سپین) پلارچه یوسپین روبی ســـړی و لدی خبری نه په رقت راغی ویژړل اوزنی اوښکی یی په سپینه ږیره تو ی شـــوی . د(سپین) هم زړه ودردیداو مری یی دکه شوه موریی هم یوګودته ولاړه وه – هغه هم پــه ژړاشوه. (سپین) ته‌یی‌پلارترخنده دوعاوکړه اوبیا هغه‌کوزشو چه دپلارپښی ونیسی . خو پلاریی پری نښود اوپه تندی یی ښکل کړ. دمور پښوته‌وزیښت شو دهغی پښی‌یی‌مخ‌کړی بیایی دخپلو خوندواو خپلو ورو نو مخونــه ښکل کړل .

پلارته یی وویل :

– (بیاهم ښښنه درنه غواړم پلاره ! مورې! ماوښښی ... هیله کوم ماوښښی آودوعا راتــه وکړی)

هغوی ژړل اودوعاوی یی ورته کولی .او پدی توګه یی له ټولوڅخه خدای پامانی وکړه.

اوهمداچه له‌کلی نه لږڅه لری شو نویی خپل تربورته چه ورسره راغلی و وویل :

– (شینکیه)ته‌خوپوهیږی چه‌زموږتمرینونه پیل شوی دی موږبه پراشوت کی له الوتکی نه خانونه اچوواوداموږ ډیرسخت تمرینونــه دی ویل کیږی نه مرګ اومرینه شته پـه همدی لنډوورخوکی ښارته راشه ورونه مـی واړه دی اواکادی هم بوډاشوی ... که څــه پیښه په‌ماباندی وشی چه‌بیانه یوخوخبروی.. دتربوریی هم مری دکه شوه .. خوډاډینه‌یی ورکړه اوورته یی وویل :

– (خدای دی نګوی (سپینه) داته له سهاره راهسی دمرګ اومرینی خبری کوی ... خدای لوی دی .)

– (ویل کیږی نه وروره ژوند څه اعتبار نلری ...) اوبیاپه خنداشو او (شینکی) پــه داسی حال‌کی چه ډاډورکاوه داکاربه ورکړی خدای پامانی یی ورسره وکړه اوسپین موټرته وخوت په داسی حال‌کی چه ټوله لاره یی د خپل ملګری (پتمن) خیره له نظره نه لری‌کیده له اوپه همدی خورونکو سوچونو سره ښار ته ورسید. ښارخپل همیشنی نظـم درلود . هماغه ګڼه ګوڼه وه هیڅ نه‌وه پکی بدل شوی– سخته تودوخو وه ... همداچه خپلی کوټـــی ته ورسیدنو (خرك) هرکلی ورته وویل او دواړه ملګری دکلی په‌کیسو لګیاه شول .

۱۵

هغه سهار (سپین) دهری ورځی په شان له (خرك) نه خدای پامانی وکړه او ورته وی ویل :

– (زه نوولاړم انډیواله . ته خوڼن نــه وځی ؟)

(خرك) خواب ورکړ :

– (نه ... زه نن بیاهم څم اودخپل کار پوښتنه کوم ... نه پوهیږم چه غولوی موکه رښتیا هم کارراکوی .. یوخبر خو آخلم ... بیا بیرته کوټی ته راځم ښایی چه نن مــی اباء هم راشی ...)

ورنه ووت اوشاوخواته یی نظروغړاوه سپایان کته پورته تلل اوراتلل خونورڅوك یی شکمن ترنظره ورنه غلل . بیرته راغی اوله (پتمن) سره کیناست ورته وی کتل . یوه له معنی څخه ډکه کتنه (پتمن) موسکی و. د(سپیـــن) دکت دپاسه یوکاغذ سریښ شوی و. دنمونو لست و کاغذته‌یی وکتل دخپل تندی خوله‌یی پاکه کړه اوبیایی (سپین) ته وویل :

– (نن شپه نوکری یی .)

– (لکه چه وینی ! هوکی نن شپه مـــی واردی اــ)

اوپتمن وویل :

– (له ښه مرغه ... تولی دی چمتودی.)

(سپین) له معنی نه‌په ډك اندازکی ورتـــه وکتل :

– (هرڅه برابر دی .)

هغوی غلی وترخنده پوری آواخر (پتمن) له ځایه‌پورته‌شو. دسختی تودوخی نه‌زوزه‌یی خپل په خولولوند خیشت کمیس څ واره دپکی په‌دود وځنده . تمری یی یخ شو. او سپین ته یی وویل :

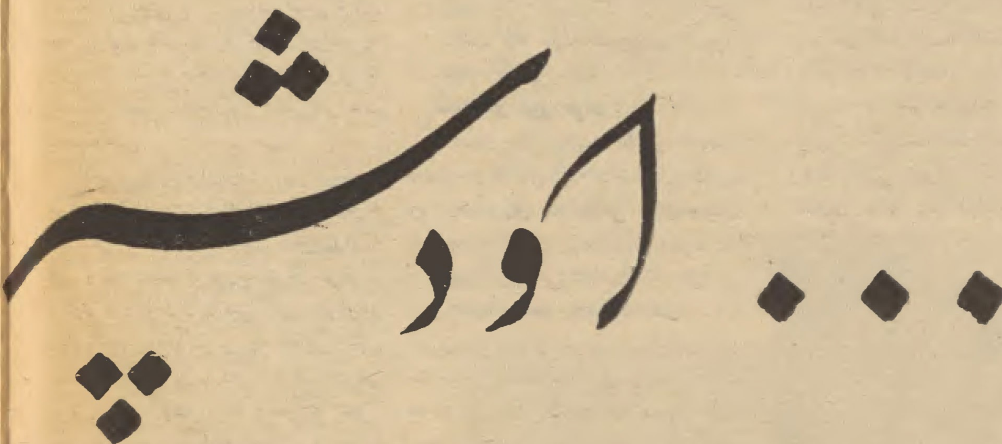
– (مازدیګر دی بیاهم وینم ښایی دشپی څوڅو واره سره ووینو ....)

څوادیخواتلل .

یوبریدګی راغی وروورو یی دلنډی شیبی له پاره څه ورته وویل اوبیا ولاړ. (سپین) خپله خوله واخسته اوله قشلی څخه ووت.. ورو وروښارته نژدی شو. په ښارکی دمازدیګر اومابښام ترمنځه خاص ګڼه ګوڼه وه .. ښار خپل همیشنی نظم درلود. دهری ورځی په‌شان هماغه حال و. دموټرو نه پریکیدونکی اوپرله پسی تګ اوراتګ جاری وه ... هغه ورو د کافی له وره نه تیرشو اوپاس په زینو کی وخوت . هماچه ورننوت نویی (پتمن) ولیدچه له یوه بل ملګری سره چه (سپین) دلومړی ځل له پاره لیده هلته ناست وه‌ددواړوملګی دریشی ګانی په ځانونو کی وی .

دهغوی خوآته کیناست غلی وه .

له یوه نه هم غږنخوت یوی هندی سندری دکافی په‌فضاء کی‌انګازه‌کوله دکافی شاګردانو زوزه جوړه کړی وه اوچایونه وچه هاخوادیخوا یی وړل په همدی وخت‌کی (پتمن) ورودسترګو له ځنګ نه خپل ملګری ته وکتل . هغه هم (سپین) ته اودری واویوبل ته . او(پتمن)ورو د(سپین) په‌غوږ کی څه وویل سپین ورو تکرار کړه :



داکیسه چه سرله همدی ګنی څخه پــی‌خپریدل پیل کیږی، دزاړه نـظام دړنګیدواو دیوه نوی دوران دجوړیدو نیم روڼ‌تصویردی،هغه‌ولس ته‌چه‌له‌وخیرستانه مینی سره‌وړاندی کیږی چه نن سبایی دویاړ او افتخارپرتمینه‌جنډه رسیږی او رپیږی ،او بیا هم هغــه ولس ته وړاندی کیږی چه دانقلاب مشر اوسر غندولی یی دژوند او بـریو نوو نــوو افقونو ته‌لارښوونه کوی ،او بالاخر دجمهوری‌انقلاب مشر ته وړاندی کیږی ،هغه چاته چه دهیلو سپین ګلانې‌یی زمونږ دولس په زړه‌کی وکرل.

الف ، الف

یادونه: پدی کیسی کی تولی صحنی اونمونه دلیکوال دخیال محصول دی .

او (سپین) له‌کوټی څخه ووت خوخدازده چه ولی‌یی په ډیره تودوخه خدای پامانـــی ترینه وکړه په ژورو چورنو کـــی ډوب تر خپلی قشلی پوری ورسید . همداچه دقشلی له ورنه تیریده هری ورځی په شان تك شو اوپهره دارسلامی ووهله . (سپین) لاس‌پورته کړدخپلی خولی ترپیکه یی ورساوه اوسلا م یی واخیست اونیمه کړی وروسته یی تولی دتعلیم له پاره میدان ته بوت ..

تګنده غرمه وه چه سپین تولی بیرته لــه ډګرنه راوست سپایان دډوډی خوراك لـه‌پاره لاړل اوهغه هم خپلی کوټی ته راغی . یـوه شیبه په‌خپلی بستری باندی اوږدوغزیـــد . په سترګو باندی یی دخوب لښکر یرغـــل ورووړ وچه دوره غوڅوخپله خولی یی په مخ باندی ایښی وه خوله یی لری‌کړه اوسترګی یی په (پتمن) باندی ولګیدلی . ژرپاڅید او روغبړیی ورسره وکړ همداچه (پتمن) په کټ باندی کیناست نو (سپین) له ځایه پاڅیدله

(سپین) سروخو خاوه اونوریی هیڅ هـم ونه ویل . اوقشلی هماغه همیشنی غمجـن نظم درلود (سپین) بیرته په ځای پریوت . د (پتمن) راتګ هغه هم ویرولی واو هـــم پارولی . هغه له ځانه سره فکرونه کول . اواندیښنه یی داوه .

– (خدایه ماته توفیق راوبخښی هغه درنه وظیفه چه راله غاړی ده بی‌له ویری پرته له له جبنه اوپه ډیره میړانه سرته ورسوم)

له کړکی نه یی بهرته وکتل . سپایان هماغسی تلل راتلل . یویو منصبدار هـــــم تیریده . خو (سپین) په ژورسوچ کی‌ډوب و.

(پتمن) یوه شیبه هم دهغه له نظره نــه لری کیده اوهماغسی یی په‌ذهن‌کی و... ترهغو چه دمازدیګر۱۸ بجی شوی ..

۱٦

له خپلی کوټی نه‌ووت . پرته له (سپینه) یودوه نورمنصبداران دقشلی په انګړکی هـا

– (انقلاب !)

اوموسکی شو .

دشپی عمومی نوم انقلاب ټاکل شوی و. دهغی شپی نوم چه‌په خپلی توری او یولـه ویری اوحادثونه ډکی ګیدی کی یی یوستر بدلون روزه ...

سپین خپله چتك تسمه کمـــله‌تړلی‌و دشپی جنازه ووتله

او نیمه کړی وروسته هغوی له کافی څخه راکوز شول وروستی سپارښتنی یی یو بـل ته سره وکړی او هریو چه خپله مخه روان شو .

نولس بجی وی چه (سپین) بیرته قشلی‌ته ستون شو .سپا یانو تو لو ډوډی موډی‌وخوړه او کا غو شو ته ولاړل .

(سپین) په ژورو سو چو نو کی ډوب دتولی په دایره کی ناست و. سخت پاریدلی اوهیجانی و. هره دقیقه دیوه کال په شان پی تیرید له. دهغه فکر هغه ستر هدف ته‌متوجه و چه‌نـن شپه باید ترسره شوی وای هغه هدف چه‌د یوولس دسر نوشت دبهیر مخه یی بیخی بلی خواسته او:وله‌په قشلی باندی درندی‌چوپتیا وزرونه خپره کړی ووهغه همداسی ناستو اوپه خپلو ناپایه چو تونوکی‌ډوب و. هماغه برید ګی چه ماذدیګر نی هغه احوال راوړی‌وه راغی موسکی واو یوه تو ته کاغذچه‌دخیرت راپور پری لیکلی شوی ود هغه مخی ته‌کیښود (سپین) هم موسکی شو په پته خوله یی‌خندل

اوبرید گی ته یی وویل :
-(بنه ؟)
اوبریدگی چه په خو لو کی لوند خشت وه ورته وویل :
-(تر اوسه خو بیخی خیریت دی)
-(عجب‌خیریت‌دی)
اوبیا ئی‌دمیړنی خیر کرښی بیرته چدی‌شوی خپل غټ سرئی چه دکوپی وینبتان پی توی شوی وپه لاسونو کی ونیو اوبیاپه سوچ کی ډوب شو ،خپلی کړی ته‌یی وکتل ۲۱ بجی‌وی وی بریدگی ته‌یی وکتل اوبیایی ورو څه ورته وویل هغه پورته شو، دواړه پښی یی سره وتکولی سلام یی وکړ ود تولی له -دایری نه وتکولی سلام یی وکړ ود تولی له -دایری نه ووت‌نیمه گړی یی خپل سرد څوکی په پشتی باندی لگولی و. آوهمدا سی خوب وړی و-خو همدا چه دوره ترك شو نو بیرته یی سترگی پرانستلی برید گی مخی ته ولاړ و .
دبرید گی که خیری نه یی‌هیڅ‌نه‌وه‌لوستلی ورویی هغه ته وویل :
(سپین) بیاهم خپل سر په څوکی ولگاوه وچه خپلی گړی ته‌یی‌وکتل نوپوره څلوینښت بجی وی .
په همدی وخت که (پټمن) راپیدا شـو هماغه ملگری ور سره وچه مازدیگر یی په

د (۱۵) دقیقو په اوږدو کی پایی ته ورسیده اودهغه میړنی او غر ځنی تولی ولیږدیـده خوشیبی وروسته یی له (پټمن) څخه‌وروستنی سپاربښتی وا ریدلی اوپه خپله مخه روان شو-ښار په ژوره چوپتیا کښی ډوب و. که څه هم‌دیونیم مو تر په تیریدو به دلنډی شیبی له پاره دا چو پټیا ماته‌شوه هرڅـه دتر وږمی په زړه کی خونډی او غلی‌وو .. تولو افرادو په لاسو نوکی لنده کی توپکونه وو او هغوی په ډیره زړه ورتیاپداسی حال کی چه سخت پاریدلی آو هیجانی ودخپـل هدف‌پخوا څغستل . .ستړ واو ښکلد ودانیـو په توره تروږمی کی قدونه ایستلی وو. او دغو غر ځنیو ځلمیانو چه خپل سرونه دخپل ولس دسر نوشت داړولو لپاره په لاسونوکی نیولی وه ددغو ښکلو ودانیو ددیوالو نوپـه سیوری کی حرکت کاوه اومخ په وړاندی خو ځیدل . .
(سپین) یواځی دوه دقیقی وخت ومونـد او خپلو افرادو ته‌ئی داوروستی بولی‌ورکړه.
-پرته زما له امرنه دهیچا امردمننی او اجرا وړندی زه مو لو مړنی امر یم. هرڅـه

دهغه له بزدلی او ویری نه‌ډك غږ و آود هغه چاله مری نه اوریدل کیده چه بایدد جگړی په میدان کی‌یی دیرغل اوبرید بولی ور کړی وای !
نوشیبی بیا هم چو پټیاوه (سپین) په‌ډیر خیر سره وضعه څارله . .
هغه وك چه باید دوی نیولی وای ورك و... داسی ښکاریده چه دکور هستو گنی ټول مړه شوی وی . ذمرگ چوپتیا خپره‌وه. افرادو یی دبریښنا سو چونه لگولی وو.مانی په‌رڼا کی‌ډوبه وه. خو دهغی دهستو گنوڅه پټه لگیده . . په همدی وخت کی چوپـی چو پټیا خپل ځای‌یو غریو ته ور کړی . ...
هغه غږ او غوراته چه (سپین) غوږ په اواز اومنتظرو دښار په زړه کی -هلته چه کلونه دخلکو سر نوشت تماکل کیده اوهلته چه‌د برجلونو کتنی یی دخلکو زړونه ریږدول‌یو پولادوزمی .موجود -یو قهرمان تمانگ پـه غوریدو وو. . دی غږ د(سپین) په‌زړه کښی دهیلی او امید زړی وکرل .مو سکیی شواو روانه وه .په یوه حرکت سره یی ځان له دیواله نه ها خوا -وورځاوه .برید گی‌لاولاړو او ورپسی دوه دریو تکړه افرادو ځانونـه

دخپلو ساوو غږونه اوریدل .خو دقیقی‌تیری شوی ور خلاس نشو یوه بجه او شپږ دیرش سپایانو په تپه تیاره کی دسپین امر ته دقیقی وی .ناڅاپه دمانی له منځه‌وربگـت پورته شو .
-دخدای پار دی . . خلکو راوزسیږی‌چه غله دی داړه رآولیدلی ده
سپایانو په تپه تیاره کی د سپین دمیړنیو غږ نیولی و خرپ او خروپ شو یوڅو تنه پولیسان د مانی خواته په خفاسته شول.خو دسپین دمیړنیو افرادو په یوه حرکت سره ونیول داسی چه غږونه یی په مریو کی‌خپه شول . . .
اوغږ هما غسی اوریدل کیده.
بیایی برید گی ته څه وویل.هغه خپل‌لندکی توپك په لاس کښی کینښکود اودیو وپریدلی بوډا خواته چه په‌یوه گوټ کښی ولاړ وه‌او ریږدیده ورغی .هغه ته یی ورو څه وویل. خو بوډآ په زاریو او ننواتو پل وکړ اوهم ددی ویل .
-چه ولاکه راته معلوم وی . . نه‌می‌دی لیدلی کنه دربنوده می . .
برید گی چه ولیدل له بوډا څخه څه‌نه بوتیږی تریښه روان شو .خوشیبی وروسته (سپین) هغه موجود مخکی کړی وچه چیغی ناری او سوری یی وهلی هغه بزدل اوډارن مو جود چه گمان کیده دجگړی په ډگرباندی به دهیواد دساتنی پخاطر دجگړی بولی‌ور کوی . . .یوجګ‌اوپنډ سړی په داسی حال کی چه دخوب کوټ یی په ځان کی و اولـه بنیان څخه یی غټ‌نود وازدو آو غوښو پـه ستهیدلی سمندر کی ښکاریده .جو جوړی‌ین له ویری‌نه‌رپیده‌اود څټ‌گونځی یی سر کوز ښوده ....هغه سخت ډاریدلی و. (سپین) خپل لندکی توپك دهغی شاته لمبر کړی وو دسړی پښی ایله پښی وینی شوی وی او لاسونه یی پورته نیولی وه پرله پسـی عذرونه او-ننواتی کول . ...خود سپایانو چرت یی خراب نه‌و (سپین) دیوزړه ور-قوماندان په خیر بولی ورکولی . خپل افراد افرادو دوروستی ځل لپاره په خپلو وظیفوپوه کړل .اوبیا یی خپل پنډ غنیمت په موتر کی کښیناوه چه‌دنوی -رنو شت خواته یی‌یوځی هلته چه ترهغه وروسته به دانقلابی محکمی
هلته چه ترهنه وروسته به دآنقلابی محکمی
حکم ته سترگی‌په لاری وی اود خپل‌ککـړ وجدان غشی به هره شیبه خوری .
دښار په زړه کی‌هغه قهرمان تانك هغـه پولادین موجود لاهما غسی غوریده اودمړود ښار چو پتایی دابد لپاره ور ماته کړی‌وه..
هو داچه (سپین) خپل غنیمت دمقصد دپلور بیوه نویی یو وار پام شو هلته‌دواړ په خواکی هغه قهرمان تانك ولاړ وه‌اوچـه دوی ورسیدل نو هغه خپل تاریخی گوزارد شپی په زړه کی داستبداد په‌زړه باندی وکړ اودهغی ماننی‌زړه یی سوری کړ چه خلك
سپین په تیاره کی موسکی شو اوبیا یی له کتو نه وپریدل . ..
یی‌موتر تر هغو چه کیدای شو چتك وویشت دښار له هری خوانه ډزی اوریدلی کیدی-هغه
سپین خپله چتك تسمه کمـــله‌ترلی‌و

جنازه ووتله



کافی کی لیدلی ددواړو ملکی دریشی گانی په ځانو نو کی وی .
خو شیبی سره وغږیدل اوبیاسپین پداسی حال کی چه سخت هیجانی او را پاریدلی‌و له ځایه پاڅیده سترگی . یی سری اوښتی وی .خپله‌خوله یی په یی په سر کړه دخپلو مو زوتسمی یی وترلی او دتولی له دایری‌یی په وتلو کی برید گی ته وویل :
-(ته لهما سره راشـــه)
دواړو دشپی په تپه تیاره او چوپه‌چوپتیا کی دسلاح کوټ خواته مخه کړه . .
سپین خپله چتك تسمه کلکه تړلی وه. هری خواته یی دهوسی په شان تو پکی‌وهلی اوپه خپه مری یی بولی ور کولی .
هله ژر شی . .شابس ... دتولی کاتب څه شو. ور غږ کړه .ژرژر ... نور څه شول تا خو ښار جوره وآخیستل .ورشه. .تیـار یاست ؟
اوبرید گی دهغه هر بولی تر سره کوله اوهر امر یی مانه . تر څوهغو چه ټولو ته‌یی له سلاح کوټ څخه‌وسله وویشله. ..اوچـه وروستی سپاربښتنی یی خپلو افرادو ته‌وکړی بیایی د لیږدولو بولی ور کړه .
عملیات پیل شوی وو. دشپی عمومـی نوم انقلاب و. دسپین زنگونه ریږیدل‌اوزړه یی په چتکی سره تو پکی وهلی . تول‌کارونه

چه زه وایم هغه به تر سره کوی .
او سپایان په خپلو وظیفو باندی ځای په ځای گړی شول . . .د(سپین) زړه بیـا هم توپکی وهلی‌یوه سړی خوله یی په‌تندی -دخدای پار دی . .

اوریدل کیده هم سپین اوهم سپایانویواځی مانی په تروږمی کی ډوبه وه .غږ او غوږنه له لوپو لوپو هیندارو نه جوړی وی .. وغور ځول .
هسکه مانی وه ورونه او کړکی یی‌تړلی



درموقع برافراشته شدن بیرق جمهوری ما باد شدیدی میوزید

برفراز قلل شامخ هندوکش هندو کش

بیرق جمهوری

کوهنوردان :

توقع داریم که یکی از قلل بی نام هندوکش بنام ۲۶ سرطان مسما گردد

در بلندترین نقطهٔ کوه تفاوت درجه حرارت میان شب وروز (۶۰) درجه بود

چندی قبل کو هنوردان کشوردوست ما چکوسلواکیا بخاطر بزرگداشت اولین سالگرد جمهوریت درین خطهٔ باستانی و بمنظور اشتراک در شادی بامردم ما پروگرامی راکه سالها قبل طرح آن رویدست گرفته شده بود به منصهٔ اجراگذاشتند وپا برقلل شامخ وپرآوازهٔ هندوکش که از جملهٔ معروفترین کوه های جهان است گذاشتند و در نخستین لحظات فتح یکی ازقلل آن بنام نوشاخ بیرق دولت جمهوری افغانستان را با سمبول زیبایش که کحت آریانای کهن راتمثیل می کندبه احتزاز درآوردند ، البته این قلل شامخ که در دل آسیا افتاده است گاهگاهی از طرف کو هنوردان کشور های دیگر هم مورد دلچسپی وعلاقمندی قرار گرفته استولی اینبار مثل سالهای گذشته نبود بلکه از راه های بدان صعود بعمل آمد که تا امروزهیچیک از ساکنان روی زمین را قدرت دست یافتن به آن نبود، از همه مهمتر اینکه ازهمان راه های صعب العبور را هیپمایی آغاز ، پلان منظماً تطبیق و خوشبختانه هیچ آفتی به کوهنوردان نرسیده که البته این موفقیت کوهنوردان کشور دوست ما از هر جهت قابل ستایش ودرخور تمجید و یادآور یست.

این گروپ کوهنوردان قبل از ۲۶ سرطان وارد کابل شده و بعد از توقف مختصری در کابل بصوب ماموریت خویش که عبارت از فتح قلهٔ « نوشاخ » بود گردیدند .

که بعد از انجام و کسب موفقیت دوباره بکابل عودت نموده ضمن کنفرانس مطبوعاتی که در تالار محمود طرزی کلوپ مطبوعات منعقد گردیده بود این خبر خوش را با همه نکات تازه و دلچسپش به اطلاع خبر نگاران رسانیدند که اینک متن کنفرانس مطبوعاتی آنها را خدمت خوانندگان ارجمندژوندون تقدیم میداریم

هنوز چند لحظه بساعت سه بعدازظهر باقی مانده بود که عده از کوهنوردان داخل تالارمحمود طرزی گردیدند در میان آنها یك نفر افغان بصفت ترجمان اشتراك داشت از

صفحه ۲۲

چهرهٔ هریك آنها معلوم میشد که اشخاص ورزیده وجهان دیده‌ای هستند زیرا هیچ اثر ماندگی وکسالت سفر طولانی و پر مشقت در سیمای شان به نظر نمی آمد .

رئیس هیات کوهنوردان درآغاز سخن از مهمان نوازی و همکاری های مردم وموسسات که باآنها در راه برآورده شدن اهداف شان انجام داده بودند تشکر نموده وبه معرفی اعضای هیات پر داخت که به تعقیب آن یکتن از اعضای هیات که تخصیصش درکوهنوردی بود چنین به سخن آغاز کرد:

هیات ۲۴ نفری کوهنوردان کشور چکوسلواکیا افتخار دارند که در اولین جشن جمهوریت افغانستان با مردم کشور دوست خویش در سرود وشادمانی شریك و پلان کوهنوردی راکه پنج سال قبل طرح شده بود درمعرض تطبیق قرار دادیم.

این گروپ کوهنوردان در اکثرکشور های جهان و در کوه های مشهورجهان به این عمل مبادرت ورزیده وآنهارا موفقانه فتح کرده اند فتح قلل شامخ هندوکش که ازنظر ارتفاع درجهان بدرجهٔ سوم قرار دارد ویکی از مشهور ترین کوههای جهان بشمار میرود وتقریبا همه اورا می شناسند از آرزوهای دیرین مابود که با این فتح امروز خود را موفق تراز پیشتر می پنداریم .

پلانی راکه ما پنج سال قبل به طرح آن آغاز نموده بودیم درین سفر بدون آنکه کدام سکتگی در پلان وارد و یا خطری متوجه ما



کوهنوردان به سوالات هریك ازخبرنگاران پاسخ میدادند

مابه احتزازدرامد

نوشته :بلیکا



بلندترین قلهایکه درین سفر فتح شد ۷۴۹۲متر ارتفاع دارد

* * *

صعودبر دیوار عمودی به ارتفاع دو کیلومتر مشکلترین قسمت سفر کوهنوردان را تشکیل میداد

گردیده باشد کاملا مورد تطبیق قرارگرفت.

دیدن «نوشاخ » یابلندترین قلهٔهندوکش دارای ۷٤۹۲ متر ارتفاع است از آرزو های دیرین مابود که خوشبختانه به فتحش موفق شدیم و (۹) نفر از اعضای این هیات موفق گردیدند به بلندترین قسمت آن قدم گذارند و بیرق های افغانستان وچکوسلواکی را دران به‌احتزاز در آوردند البته بخاطر موجودیت باد شدیدی آنرا واپس باخود آوردند .

دومین قلهٔکه مابه فتح آن موفقیت‌حاصل کردیم قلهٔ « گنبدسفید » بود که دارای (٦٨۰۰) متر ارتفاع است که ٤ نفر ما به بلندترین نقطهٔ آن خودرا رسانیدند .

گنبد سفید بخاطر ارتفاعیکه دارده‌ورد توجه نیست زیرا ممکن است کوهنوردان‌دیگری‌نیز به‌آن‌راه یافته باشند ولی نکته‌راکه بایدازآن یاد آور شوم اینست که این کوه دارای دیواری به ارتفاع دو کیلومتر است که درست مثل‌دیوار سنگی‌عمودا قرارداردما میخواستیم به راهی رویم که دیگران‌را قدرت‌رفتن به‌آن نباشد همان بود که ماصعودبرین‌دیوار را برگزیدیم به آن اقدام کردیم که مشکترین سفر ما وحتی اگر بگوئیم که مشکلترین قسمت کوهنوردی رادرجهان شاید احتوا کند به قلهٔ « گنبد سفید » راه‌خودرا دنبال‌کردیم وبه آن رسیدیم این قسمت کوه‌هندوکش را همه می شناسند و مثل خود هندوکش برهمه کوهنوردان معلوم است ولی تا امروز هیچیک جرأت نکرده که این راه را تعقیب نمایند . زیرا صعود برین دیوار بزرگ انرژی کافی و نیروی کامل جسمی بکاردارد.



کوهنوردان درهر نقطهٔ هندوکش می‌نشستندوزیبایی‌های طبیعت راکه در دامان این کوه موجود است ازنزدیك تماشا میکردند .

سومین قلهٔ که درین سفر موفقانه به آن رسیدیم قلهٔ «اسب‌سفید» است که (٦٦۰۰) متر ارتفاع دارد که دو تن از ما درین قله‌بالا شدند چهار مین قلهٔ که ما موفق‌به بالاشدن به آن شدیم عبارت از قلهٔ «خارپشتک»است که (۵۷۰۰) متر ارتفاع دارد که ۱٤تن به‌آن قله رسیدند یکتن از افغانهائیکه به حیث ترجمان باکوهنوردان همراه بود نیز درین‌قله باکوهنوردان یکجا بالاشده وبیرق افغانستان را در آن جا به احتزاز در آوردند .

قلهٔ دیگری که درنقشه تنها ازارتفاع‌آن تذکر رفته که(۵۷۰۰) متر است نیز مورد کوهپیمایی این هیات قرار گرفت چون در نقشه کدام نام مشخص ازآن موجود نیست امیدواریم بعدازین آنرا بنام ۲٦ سرطان‌یاد نمائیدو ماتوقع هستیم که‌اسم‌رسمی آن از طرف دولت افغانستان به این نام یاد شود

بعدازطی سه هفته چندتن ازین هیات موفق گردیدند که به بلندترین نقطهٔهندو کش‌وارد گردند که البته این مدت بخاطری تجویز شد تا کوهنوردان باآب وهوای همان منطقه سازگاری‌حاصل نمایند .

ناگفته نماند که سومین وآخرین کمپ‌مادر (۷۰۰۰) متری منطقه نصب گردیده بود

• • •

بعداً عده ای از خبر نگاران بشمول نگارنده سوالاتی در اطراف چگونگی مسافرت این هیات طرح نمودند که ما بدون تذکر نام خبرنگاران محترم تنها به توضیحات هیات اکتفا وبه شرح آن می پردازیم

ـ هندوکش اولین کوهی نیست که این هیات به آن راه یافته باشد بلکه عده هم در میان رفقای ما موجوداست که هیچ کوهی درجهان نخواهد بود که مورد کوهنوردی آنها قرار نگرفته باشد .

فتح قلهٔ دیگر که در نقشه بنام (رخ‌دراز)یاد شده و (۵۷۹۰) مترارتفاع‌دارد وپنجمین‌سفر هیات را تشکیل میدهد که درآن صرف‌دوتن ازین هیات بالا شدند .

کوه بینام دیگری درنزدیکی قلهٔخارپشتک نیز توسط هیات فتح گردیدو آخرین قلهٔ را که مادران راه یافتیم قلهٔ « کوتل جنوبی » بود که (٦۰۰۰) متر ارتفاع دارددرموردطرز کار این هیات یکتن دیگر ازین هیات‌چنین گفت: اولین کمپ در ارتفاع (٤٤۰۰) متر وبعداً تا قلهٔ «نوشاخ» سه کمپ دیگر ترتیب شد که این کمپ ها درامر رسانیدن مواد مورد احتیاج کمك می کردند که اگر بصورت درست محاسبه گردد درین سفر مجموعاً (۲۰۰) نفر با همدیگرهمکاری‌مشترك داشتند .

مسافرت های مشهور دسته جمعی این هیات عبارت از کوه های هوگارت در افریقا الپ دراروپا وقفقاز و قلعهٔ (ننگ‌پربت) واقع در همالیا که ۸۱۲۵ متر ارتفاع‌دارد درآسیا میباشد .

ناگفته نماند که ما در بسیاری از کوهها به مسافرت های پرداخته ایم ولی زیبایی هندوکش را هرگز ندیده ونشنیده بودیم‌روی همین علت باوجود آنکه پروگرام درنو شاخ ملی ضیق طرح شده بود بازهم درحدود یك ساعت را آنانیکه به قلهٔ آن‌رفته بودند سپری کردند و با تماشای زیبایی های طبیعت درآن جا گذشتاندند .

ما در سفر نوشاخ با مشکلاتیکه همیشه کوهنوردان باآن مواجه میباشندوبرو شدیم مثلا در بعضی حصص بخاطر موجودیت باد شدید دراه رسیدن ما به‌قلهٔ نوشاخ‌مشکلاتی خلق میشد که با تامل با آن مبارزه کرده و راه خود را تعقیب می کردیم با آنهم اگر در همان روزاخیریکه به‌قله‌نزدیك شده بودیم اگر تندباد شدیدیکه تا ظهر جریان داشت

کاهش بخود اختیار نمی کرد ممکن بود پروگرام ما یك یادوروز به تاخیر افتد .زیرا

باد درآن روز آنقدر شدید بود که‌مافاصلهٔ (۷۰۰) متر را در هفت ساعت پیمودیم

اما باآنهم پروگرام را آنطور یکه پلان‌بود مورد تطبیق قرار دادیم اگر چه مامورد یک

زلزله شدید قرار گرفتیم که صد فیصد خطر جانی ازآن موجود بود زیرا ما به‌چشم‌خویش

می دیدیم که سنگ های سیار عظیم که هرکدام هزار ها تن ون داشت‌ویا توته های یخ راکه صدها متر مکعب جسامت داشتند

درین زلزله از بدنه‌های‌کوه‌جداشده وسرازیر می‌شدند . ماکه کمپ‌های‌خویش‌را دریک‌محل مناسب نصب کرده بودیم از گزندآن دراهان ماندیم .

کوهنوردان اضافه کردند !

در قلهٔ «نوشاخ » ده سال قبل نیزعده‌ای ازکوهنوردان جاپانی رفته بودند همانطوریکه گفته شد .

ـ بیرق افغانستان را بناغلی یوزیف‌الویز هلس ساعت ۳ روز (۱۵) اگست مطابق ۲۵ اسد در قلهٔ نوشاخ طوری به احتزاز درآورد که دو چوب سکی را با هم بسته وبیرق را



خاطراتیکه به گفتهٔ یکتن از کوهنوردان هرگز فراموش شان نخواهد شد .

برفضا برافراشت . آب و هوای این کوه ها تقریبا (٦۰) درجه روزوشبش باهم فرق داشت که‌شب‌تا«٤۰ـ» وروزش تا(۲۰ +)درجه سانتی گریت میرسید .

مجموع فاصله از اولین کمپ الی قلهٔ نوشاخ در ظرف پنج روز طی گردید وقلهٔ «اسب‌سفید» در ظرف ۲۸ساعت‌طی شد .

یکتن از اعضای هیات کوهنوردان چکوسلواکی که تخصصش در بیالوژی است گفت: تا ارتفاع (٤۰۰۰) مترحیات‌موجودبود مثلاء خزندگان ، حتی پرندگان بسیاری مثل کبوتر وغیره زندگی میکردند ، خزندگان و حشرات صرف دو یاسه ساعت زندگی داشتند ومنباقی ساعات روز را درغارها بطور منجمد می بودند اما از ٤ هزار متر بلندتر اصلا حیات موجود نبود .

دراخیر هریك از کوهنوردان در حالیکه از مهمان نوازی مردم افغانستان و همکاری موسسات‌مختلفه و از خبرنگاران تشکر می کردند خدا حافظی کرده و تالار راترك‌دادند.

را ننده‌گی جنایت کارانه روی یك نقشه حساب شده قبلی

یک جنایت بزرگ و

دوستش خواهش کرد که برایش کار کندو سلو یستر سکو تنیک به خدمتش در آمد.

سرانجام دوستش امر کرد که آدم بکشدو سلو یستر سکو تنیک به یک قاتل وجانی تبدیل شد

سلو یستر سکو تنیک به روز ۷ جولای به‌سرعت ۸۰ کیلومتردرساعت از یك ناحیهٔ پرکند ومرتفع واقع در ناحیه واخاو اتریش موتر می راند، درست به قسمتی که برایش تفهیم شده بود .در کنار دستش قربانی بی خبر از جهان یوهان بوخمایر تاجر ۶۷ساله اهل کریم نشسته بود .

این مسا فرت فرمایشی وجنایت کارانه مطابق یك نقشه قبلی عملی میشد ودر نتیجه یوهان بو خما یر کشته شد.راننده درحالیکه جراحات شدید بر داشت ،ازین حادثه جان به سلامت‌بردواز مرگ نجات یافت. سلو یستر سکو تنیك نه‌تنها از او امر دوست وپسر خانه اش آرتور زیم بور گر اطاعت کردو در نتیجه مر تکب جنایت شد ،بلکه زندگی‌خود را هم درین قمار به بازی گرفت و نزدیك‌بود خودش‌هم از زند گی محروم گردد عامل این جنایت زیم بورگر بود وغالبا پیش خود اینچنین تصور کرده بود که حادثه سقو ط موتر در ناحیه کوه زاپرگ باعث مرگ دو نفر خواهد شد او حتم داشت که درین تصادم هر دو نفری که سوار موتر هستند ،خوا هند مرد وشاهدی باقی نخواهدماند تا راز این جنایت را بر ملا سازد .به این حساب راه تصاحب تقر یبا نیم ملیون شلنگ پول بیمه برا ی زیم بورگر به تنها ئی‌هموار میشد.

درست مبلغ ۵۰۰۰۰۰ شلینگ پول بیمه یوهان بوخمایر، کسیکه‌زیم بورگر را بصفت یگانه وارث قانونی خود معرفی کرده .نسبت بـه او بخشا یش بزرگی‌راروا داشته بود، برای زیم بورگر می رسید .

زیم بورگر برای تصاحب همیـن مبلغ پول ،پسر خاله‌اش را تطمیع کرد که پس از انجام خدمت ،حاضر است یك عراده موتر سپو رتی برای او بخرد .

اما طوریکه زیم بورگر حسا ب کرده بود این نقشه‌ها هرانه تطبیق نشد ،ودر عوض بجیب زدن پـول بیمه حیات ، خود شرا بحکم توطئه چینی وکشیدن نقشه شیطا نـی برای کشتن دوستش به حبس ابد محکوم کردند .

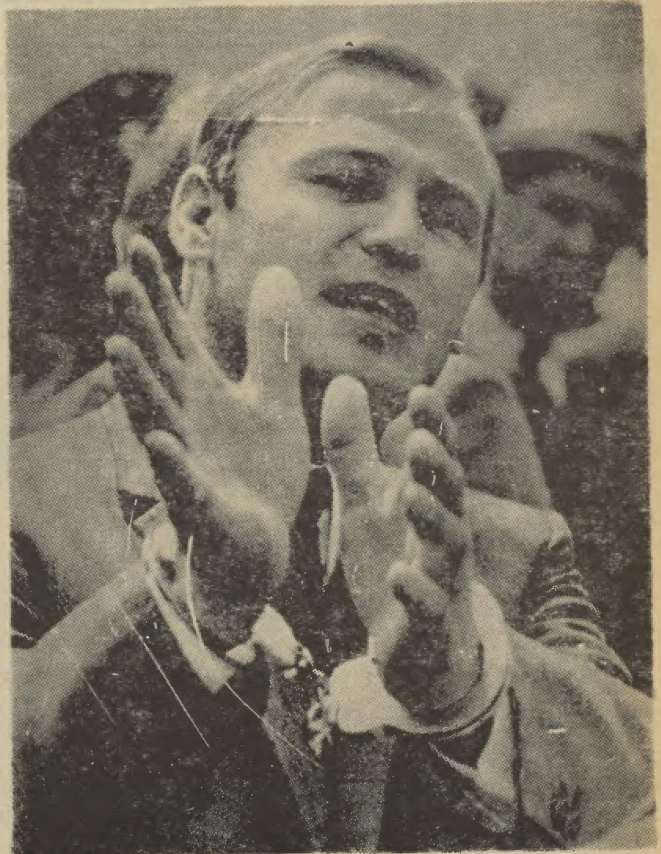
زیم بورگر به جرم تطمیع ومحتر یك یکنفر به قتل یکنفر دیگر و تطبیق یك عمل جنایت آمیز از طرف محکمه محکوم به حبس ابد گردید وقا تل که آلت دست زیم بورگر قرارگرفته بود، ۱۲ سال زندانی شد. اعترافات قاتل باغث آن نشد تا تخفیفی در تعیین جزایش قایل بشوند.

اما ارتور زیم‌بورگر دروغ میگفت وحقه بازی مینمود .

عامل اصلی وانگیزه طرح ایـن



این دختر که در پایگاه شهود قرار گرفته در برابر سوال رئیس محکمه که می پرسد :آیا واقعا تمایل بـه ازدواج بازیم بورگر دارد می گوید: آری من تصمیم دارم باااو ازدوا ج کنم پیغله‌الفریده لانسن لیشنرنامزد زیم بورگر بوده ضمنا سخت شیفته درشتی بند وبازوی‌ورزشی او می باشد اما یك روز پس ازین‌اعتراف از گفته خود پیشمان مـی شود و نامزدی آشرا بازیم بورگر بر هم‌می زند .



باوصف آنکه به دست هـا ی زیم بورگر دستبندزده‌اند، باز هم‌او سعی مینمایددر برابر اعضای‌محکمه وعکاس پوز بگیردومیخوا هـد بـا ارائه یك چنین حرکت توجه خبـرنگار ان ومطبوعات را به نفع خودبر گرداند .یوهان‌بو خمایر دوست‌خوب‌ومهربان زیم برگر زندگیش را بیمه کرده وصلاحیت اخذ بیمه‌زنده گی‌اش بەزیم بورگرسما منتقل‌ساخته بود .

مابرای اینکه زیم بور گر زود تر به‌پول بیمه دوستش دست یـابـد در صدد طرح نقشه قتل بوخما یربه شیوه طینت باری می بر آید .

حبس ابد

نقشه شیطا نی همانا یك نمـــایش تلویز یونی بنام (مسا فر معا مله گر) تلقی گردید. ارتور هیلر اثـــر خود را به صورت درامه ای‌نو شت وبتاریخ ۱۵ می ۱۹٦۸ روی پـــرد ه تیلو یزیونی بنام (مسافر معا ملـــه گر)تلقی گردید .ار تور میلر اثـــر نمایش تلو یزیونی ازین قرار بودکه یکی از نمایند گان متوجه میشود در حال افلاس است ،لهذا به نفــــع خانواده اش حیات خود را بـــــیمه میکند و سر انجام دریك حادثـــه ترا فیکی در موتر خودش جان مـــی دهد .

وقتی‌ارتورزیم بورگر،دوستش یوهان بوخمایر را تشویق میکند تا او را بصفت یگانه وارث خودمعر فی بدارد ویك بیمه حیات برای خودش منعقد سازد ،از همان وقت در صدد طرح این نقشه شیطا نی می برآید.

ابتدا این شارلا تان در صـــدد اغوای شوهر سابق همسرش شده می‌خواهد اورا بوظیفه را نند گـــی موتر جنایت بگمارد .امابعد ها تغیر عقیده داده ،سلو یستر سکو تنیك واین پســر یو گـــــو ســـلا و ی را مامور اجرای این نقشه شیطا نی نموده به‌امراو گردن‌مینهد .

وقتی از توزیم بر گر چندروزپیش

بقیه در صفحه ٦۱



هلگا هولا کنو که سه‌سال همسر قانونی زیم بورگر بود .شو اهرش‌را شدیدا متهم به توطئه قتل سا ختو از زبان او شهادت داد که چندین بار گفته بود میخواهد مـــوضو ع نمایش تلویزیونی بنام(مرگ مسافر معامله گر) را اخودش عملا تجر بـــه کند .



یوهان بوخمایر ٦۷ ساله که به اثر سقوط موتر در یك پرتگا ه کشته شد وزیم بورگر درصدد بود تا نیم ملیون پول‌بیمه اش‌راتصاحب کند .

نمایی از محکمه هنگام قرا ئت‌حکم صادره در مورد زیم بورگر .

فورد در دومین هفته ریاس

و متیقن به

«مانند رئیس جمهور ترو من و رئیس جمهور لنکلن روی میز خود پرابلم فوری را که چطور زخم های کشور را التیام بخشید یافتم. اراده دا رم تا این کار را بکنم».

با این کلمات رئیس جمهور فورد هفتهٔ گذشته تعهد خود را برای اعاده حسن وحدت ملی، وتامین اهداف ملی یکبار دیگر تائید کرد.

فورد در دومین هفته ریاست جمهوری خود قدم وسیعی به پیش برداشت. وی نلسن را کفیلر رئیس صورت گرفت تا وی تصویر یک رئیس جمهور ویا رئیس قوه اجرائیه را تبارز دهد که بکلی اقتدار را در دست دارد. با این فعالیت ها وی خواست هر نوع شك وتردیدی راکه مردم نسبت به او بعنوان یك رئیس جمهور جدید وبدون امتحان، و



جرالد فورد رئیس جمهور جدید ایالات متحده امریکا

گورنر سابق نیو یارك را بحیث معاون رئیس جمهور نامزد کرد و اتخاذ یك سیاست ملایم را در مورد جنگ ویتنام اعلام داشت.

او واضح ساخت که برای احراز ریاست جمهوری درانتخابات ۱۹۶۷ مبارزه خواهد کرد. وی از اوایل صبح تا ناوقت شب در دفتر خود مشغول کار گشت وقوانین راتوشیح کرد.

بیانیه هائی دایر واعلامیه هائی را بدست نشر سپرد. با یکتعداد زیاد مردم درقصر سفیدودر (کپیتول هل) ملاقات نمود.

این فعالیت‌ها اصلا برای این جانشین ریچارد نکسن، داشتند از بین ببرد. مانند فعالیت های رئیس جمهور لیندن جانسن که بعد از قتل کنیدی فقید انجام داد، فورد هم در صدد آن بر آمد تا اعتماد و اطمینان مردم را کمائی کند و حمایت هر دو حزب یعنی جمهور یخوا ها ن ودیمو کرات ها را جلب کند. وی در واقع این کار را با یقین واطمینان انجام داد. سناتور ادوارد کنیدی که متعلق به حزب دیمو کرات است در باره روز های اول دوره ریاست جمهور فورد باری چنین گفت: حیای خوبست. فکر نمیکنم که وی لحظه برا یگان را از دست داده باشد.

بعداز اینکه اعضای فامیل فورد پس از انجام آببازی در حوض الکز اندریه روز دو شنبه به قصر سفید داخل شدند رئیس جمهور فورد به‌هفته خسته کننده خودآغاز کرد.

وی توسط یك طیاره نظامی به شیکا گو پرواز کرد. ببیانیه خطاب به کهنه کاران وکار آزمود گان جنگ های‌خارجی امریکا ایرادنماید. این اولین مسا فرت فورد بود که پس از احراز ریاست جمهوری صورت گرفت.

وی وخانمش بتی در میدان هوائی نظامی او هیر شکاگو با این اطلا عیه مضحك که ازخلال لود سپیکر های میدان هوائی بگوش‌هارسید استقبال شدند.

خانم هاو آقایان.

رئیس جمهور ایالات‌متحده امریکا وخانم نکسن.

در امتداد جاده شمالی مشیکا ن فورد با انبوهی از مردم با اشتیاق وولع استقبال گردید رئیس جمهوردرداخل موتر سر باز لموزین ایستاده بود ودست های خود رابه طرف استقبال کنند گان مانند یك فاتح ویك برنده شور میداد درنقطه وی بسوی جمعیت مردم‌غوطه ورشد وبا ایشان دست داد. این موقع دختران جوان وی را بوسید ندو دست بموهای سرش کشیدند یگانه اعلامیه ونشانه‌مخا لفت‌صداهای‌ملی بود که‌از طرف چندین‌هزار امریکائی یونانی نژاد بگوش‌میر سید آنهادر گراند پارك با متداد سرکی که به کونراد هلتن هوتل منتهی میشد علیه سیاست آمریکا درمقابل‌قبرس مظاهره میکردند لهذا هدف اجتماعی مظاهره چیان هنری کیسنجر وزیر خارجهٔ امریکا بود نه فورد. در یکی از لوایح مظاهره‌چیان این مطا لبه رانموده بودند«فوردکیسنجررا عزل کن».

در داخل هوتل به تعداد ۴۷۵۰ نفر از کار آزمود گان جنگ ها ی خارجی از این اعلام رئیس جمهور فورد بگرمی استقبال‌کردند که وی ریچارد رودیش یکی‌ازقوماندا نهای سابق کار آزمود گان جنگ ها ی خارجی را که از ایالت اند یانا می باشد بحیث آمر اداره کار آزمودگان مقرر کرده است. مدعوین واستقبال کنند گان در قرائت بیانیه فو رد وقتیکه وی‌اعلام نمود که «عفو بدون قیدو شرط آنهاییکه بصورت غیر قانونی از خدمت عسکری سر باز زده اند ویا از خدمت عسکری فرار نموده اند یك‌عمل نادرست وغلط است».

هلهله وشادی نموده کف زدند اما وقتیکه فورد گفت که وی از آنهاییکه از خدمت‌نظا می در جنگ ویتنام، فرارنموده‌اند خواهش میکند تا در صور تیکه خواسته باشند به وطن خود باز گردند، نظا میان کهنه کارتکان خورده بزمین خاموش می‌نشستند وی وعده داد که‌در تامین عدالت کوشش میکند که وزن ریاست جمهوری را در پلهٔ ملا یمت بگذارد. ولی علاوه کرد که «عفو انتقام را رد میکند.

فورد تو ضیح نکرد که برملایمت و مهربانی چه شرائطی را میخوا هند. درین موضوع وی بعداز ارائه‌راپوری که از طرف خارنوال عمومی ویلم‌ساکس بی ووزیر دفاع جیمزشلنجر در اول سپتمبر بوی سپرده میشود تصمیم میگیرد.

اما چنان معلوم میشود که وی غالبا در بهای عفو طالب کدام نوع خدمت عامه می گردد. به یقین‌کسی نمیداند که به چه تعداد مردم از این ناحیه متاثر خواهند شد. فورد تعداد عمومی سر باز زدگان و فراریان نظامی را ۵۰۰۰۰ نفر وانمود کرد این رقم شاید به احصائیه های متکی باشد که از طرف حکومت امریکا در مورد این نوع نظامیان داده شده است. قرار این احصائیه ۴۴۰۰ نفر از خدمت به‌بهانه حیله سر باز ز ده اند و ۸۹۰۰ نفر متهم به نقض قا نون خدمت انتخابی می باشند.

اکثریت آنها ئیکه با مکلفیت

ـت جمهوری خود مطمئن
نظر میخورد

عسکری مقاومت نموده وازا خدمت عسکری فرار نموده‌اند طی مصاحبه با نماینده تایم هفتهٔ گذشته گفتند که هر نوع فیصلهٔ را که کمتر از عفو بلاقید وشرط باشد قبـــو ل نخواهند کرد .آنها توضیح نمودند که غیر از عفو بلاقید وشرط هـــر فیصله دیگری که در مورد شـــان به‌عمل آیدیك عمل غلطخواهد بود،

اداره نظا میان کهنه کار جنگ های خارجی ،یك موقف نهـــایـت سخت را علیه تغیری که فورد در سیاست حکومت خود در برابر این موضوع‌واردآوردااتخاذ نموده‌است.

یکروز بعد از ایراد بیانیه فورد، اداره مذکور فیصله را اتخاذ ودر آن مخالفت خود راعلیه هر نو ع عفو آنها ئیکه از جنگ کـردن در ویتنام سر باز زده‌اند اعلام نمود .

حین باز گشت به واشنگتـــن فورد در حالیکه پیراهن آستـــین کوتاهی ببر داشت ونکتائـی اش باز بود .

در میدان هوائی نظامی‌در برابر خبر نگاران قرار گرفته وبایشا ن توضیح کرد که چرا وی سیاست خودرا دربرابر این موضوع تغییر داده است .

وی گفت فکر وی درین مـو رد اصلا ازا نظریات اطفـــا لش واز نظریات رفیق نزدیکش‌ملوین لیرد وير دفاع سابق امريكا که سعـی غیر موفقانه نمود تا نـــکسن را مجبور سازد موقف سخت خود را در برابر این موضوع تغییر دهـد تشکیل یافته است گذشته از ین فورد باین نتیجه رسید ه‌بود کـه تعهدات وی برای التیام زخم های کشور مستلزم اتخاذ یك طریـــق تازه می باشد .وی چنین توضیـــح داد «شما نمیتوانید از التیام‌سخن گوئید مگر اینکه بمعنی عمو می‌آن آنرا در عمل بکار برید ».

روز دیگر زعمای مجلسین عوا م وسنا واعضای کابینه‌و خبر نگاران در دفتر (اووال) جمع شدند تـــا اعلام نامزدی‌معاون ریاست‌جمهوری نکسن را کیفیلر را از زبان فورد بشنوند،رئیس جمهور پـــیش از اینکه‌راکیفلیر رابحیث معاون ریاست جمهوری نامزد و آنرا اعلام نماید با مراکز وحلقه‌های سیاسی تماس گرفته وخود شخصا جورج بـــش معاون حزب جمهور یخواه دونالـد رمزفیلد سفیرکبیر آمریکا درپیمان ناتو ،را از موضوع اطلاع داده و به ریچارد نکسن رئیس جمهو ر سابق درسان کلمینت ،وبه زعمای کانگرس تیلفون کرده و آنها راز تصمیم خود مطلع ساخت .

بساعت ٤ر۱۰ قبل از ظهر فورد ورا کیفیلربه اطاق معینه درحالیکه دست های هردوبکمر یکدیگر قرار داشت داخل شدند .رئیس جمهور نامزد معاون ریاست جمـــهور را معرفی نموده وگفت :(این نامزد ی مشکل برای یك کار مشکل بود) تشریفات معرفی راکیفیلر نسبت‌به تشریفا ت‌معرفی فورد از طـر ف نکسن بحیث معاون رئیس جمهور که در(اتاق شرقی) صورت گرفت به سویهٔ پائین تری برگزار شد .

انتخاب را کیفیلر بحیث نامـزد معاون رئیس جمهور امریکا ایــن پیش گوئی را بمیان آورد که فورد در انتخابات ریاست جمهـــوری ۱۹۷٦ امريكا مبارزه‌كرده وراکیفلیر رفیق مبارز وی خواهد بود .

عوض اینکه وی راجع به آینـده خود چیزی نگوید فورد توسـط سکرتر مطبو عاتی خود جی ـاف اورست این موضوع را روشـــن ساخت که‌غالبا درانتخابات ۱۹۷٦ احر از چـو کی ر یـــا ســـت جمهوری مبار ز ه خـــو ا هـد کرد مگر باین نکته اشاره نکرد کـه را کیفیلر درین مبارزه شرکت‌خواهد داشت .اعلامیه فورد برای شر کت درانتخا بات ۱۹۷٦ نقض صریـــح از عنعنه سیاسی آمریکا بشمار مـی رود زیرا بصورت عنعنوی روسا ی جمهور امریکا معمولا انتظار برده‌اند وارادہ خود را تا سال مبـــار زات انتخا باتی آشکار نکرده اند .یکی‌از یاوران نزدیك به‌رئیس جمهور درین مورد گفت غرایز تقلیدی فورد را به تقلید از رئیس جمهور تر ومن و رئیس جمهور جانسن که هـــر دو ریاست جمهوری زا بمیراث گرفتند وآنرا از آن خود ساختند کشا ند.

فورد شاید هم خواسته باشد تا به محافظه‌کار حزب جمهور یـــخـواه که بعضی از آنها صرف را کیفیلررا بحیث معاون رئیس جمهور تحمـــل می کنند ،اطمینان دهد که وی‌اراده در انتخابا ت ۱۹۷٦ برای احراز ریاست جمهوری مبا رزه خوا هنـد کرد.

بهرحال ، قدر مسلم اینست کـه اعلا میه فورد درین مورد ، هر نوغ ضعفی راکه شا ید وی بحیث یـــك رئیس‌جمهوردر معاملات باکانگرس‌و حزب جمهور یخواه میدا شت از بین برده است.

در دورا ن هفته ، فورد یکقد م فورد بابعضی ازنان بانفوذ وسرا مردم طبقا ت مختلف آ مریکا را بـه قصر سفید دعو ت نمود .

وی به نظریا ت شانزده عضـــو سیا هپوست کانگر س گو ش و ـ بایشان اطمینا ن داد که تقلیل ـ مصار فات حکو مت صر ف متو جـه پرو گرام های بهبود اجتما عی نـه خواهد بود . بعدا وی برای اینکه‌این عزم ونیت خودرا ثابت کرده باشد دو مصوبه قانونی مسایل دا خلی را امضا ء نمود.

یکی از این دو مصو به به حکومت صلا حیت میدهد که مبلغ ۹ ر ۱۱ بلیون دالر رابرای کسا نیکه دا رای عایدکم میبا شند خـانـه بسار د مصو به د و می ٤ر۲۵ بلیـــو ن دا لـــر را بـه مـــکا تـــب ابتدایی وثانوی مساعد ت می نماید.

وی‌گفت اگر اشتباه نکرده باشم این اولین کمك مالی فدرالی است که باین‌حجم، مصوبه آن ازطر ف یك رئیس جمهور برای معار ف کشوربه امضا ء رسیده است .

رئیس جمهور فورد همچنین یك مصوبه قانونی دیگـر را بـا مضا رسانید که باساس آن شو را یی مصارف زندگی که و ظیفـه آن‌ـ بر رسی مزدها وقیمت ها میباشد احیاء گردید .

دریکی از روز های دیگر هفتـــه فورد بابعضی از زنان بانفوذ سرا

بقیه‌در صفحه ٦۱



جرالد فورد بارا کیفیلر نا مزد کرسی معاون ریاست جمـهور ی ایالات متحده امریکا

روزنه‌ای بسوی تاریکی‌ها

یادداشت از: لیلا ـ تنظیم از: دیدبان

امروز چهار شنبه است ،وقتی روز بپایان برسد ،محسن خان بیش از ۹ روز است که سراغ من نیامده است وخبری از من نگرفته است .

اما روز بپایان نمیرسد وساعت سه بعد از ظهر است که صدای زنگ در حویلی صدا میکند ومتعاقب آن محسن خان وارد میشود .از روی تخت که دراز کشیده ام بلند میشوم از پشت شیشه محسن خان را می بینم که لبخندی چاك دهنش را باز کرده است وبا قدمهای سنگین و مطمئن بطرف ساختمان می آید محسن خان چنان شادمان وبخیال به نظر میاید که‌انگارهیچ اتفاقی نیفتاده استواو هرگز مرا دو دستی تقدیم آقای (ص) نکرده است .

وقتی محسن خان ضربهٔ بدر میزند ووارد اتاق میشود ،بطرفم میدود ،خنده طولانی وپر صدایی می کند ودر حالیکه مرامیان بازو هایش می‌فشارد ،میگوید :

ـلیلا! تو چه‌دختر نازنینی هستی یك‌پارچه جواهری ،وقتی آدم ترا دارد ،مثل اینست که همه‌چیز دارد.

بعد صدایش را پائین میاورد و شمرده میگوید :

ـ بلی ، مثل اینست که همه‌چیز دارد .

ساکت وآرام بحرفهایش گوش میدهم ،آنوقت به آرامی ازمیان بازوانش بیرون میایم میخواهم همهٔ آن حرفهایی راکه در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام ،یکبار تحویلش بدهم وصاف وپوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم‌پست و بی‌شخصیت هستی ....تو . .

اما وقتی بصورتش خیره میشوم وخوشحالی بیحدش را مبینم ، در میابم که محسن خان مدتها است‌با آن فضایل انسانی که‌میتوان باکلمه بیانش داشت بیگانه شده است وازشرف وشخصیت‌وو جدان فاصله گرفته است یا بهتر است بگویم دوری گزیده است وبا همهٔ اینها بیگانه شده است .

سکوت من محسن خان را شگفتزده میکند .صورتم را میان کف هردو دستش میگیرد وبا دلسوزی پدرانهٔ درست مثل اولین روزی که بدیدنم آمده بود میپرسد :

ـلیلا! مریض که نیستی ؟

سرم‌را تکان میدهم:

ـ نه !

ـ پس چه شده .چرا اینطور نگاهم میکنی ؟

با تلخی میگویم :

ـ به آنشب فکر میکنم ،به شبی که تو رفتی ومرا با آقای (ص) تنها گذاشتی ...

چنان با بیخیالی می خندد وچنان بسادگی حرف میزندکه‌من ازخجالت سرخ میشوم:

ـ هان ،آن شب ! خوب دیگر لزومی نداشت که من هم آنجا باشم .

قیافه حق بجانبی بخودش میگیرد ومیگوید:

ـبنظر تو وجود من‌زیادی نبود؟ ازطرفی آقای (ص)....

سر تا پایم از خشم میلرزد .

با صدای لرزانی حرفش را قطع میکنم :

میدانی صبح آنشب چه اتفاق افتاد .خانم آقای (ص) با فرزندانش از ییلاق بر گشتند و چیزی نمانده بود که ...

محسن خان چنان قهقهه میزندکه من از حرف زدن باز مینمانم. با انگشتانش روی شانه ام فشارمی آورد ومیگوید :

ـ آقای (ص) این موضوع را به من‌گفت ،گفت که‌چیزی‌نمانده‌بودکاربه رسوایی بکشد .اماخوب ،بلایی بود وبخیر گذشت .

من خوشحالم از اینکه آقای (ص) کارش به رسوایی نکشید ،آن هم رسوایی خانوادگی .منظورم را که میفهمی !آقای (ص) خانم حسود وحساس و بد دهنی دارد .

دست محسن خان‌را ازروی‌شانه‌ام دور میکنم ومیگویم :

ـ خوشحالی تو بیشتر از این است‌که آقای (ص)گرفتار دردسرو ناراحتی نشد واگر مصیبتی‌دامنگیر من‌میشد برای تو اهمیتی نداشت ؟

محسن خان مثل اینکه تازه متوجه حرف خودش شده باشد ،با عجله می خندد ،خنده زورکی و با عجله میگوید:

چرا !چرا! پای تو هم در میان بود ومن از جهت تو هم ناراحت می شدم .اما آقای (ص) در چنین مواردی تجارب فراوان دارد .مطمئنا نمیگذاشت کار بجای های باریکی بکشد. در هر حال خوشحالم که برای هیچکدام اتفاق بدی نیفتاد

من همانطور که ایستاده ام ،یك لحظه صورت محسن خان را از نظر دور نمیدارم،می بینم که این مرد ، مردیکه در اولین بر خورد ، قیافهٔ پدرانه بخودش گرفته بود ،چگونه تغیر حالت میدهد وچگونه خطوط صورتش از حالتی به حالت دیگر بر میگردد ،درست مثل اینکه عمری روی سن تیاتر گذار نده باشد و در بازی نقشهای گونه گون مهارت واستادی داشته باشد .

من در برابر محسن خان در برابر این دلقك ،این بازی گر کثیف که هر لحظه رنگ عوض میکند وهر لحظه چهره تازه بخود میگیرد در مانده شده ام .میخواهم حرفی بزنم، نمیتوانم .میخواهم از برابرش بگریزم ،نمیتوانم .زنجیرزشت کاری های او مرا نیز بدام کشیده است و دست وپایم را بسته است . با بیحالی خودم را روی تخت می‌اندازم ومیگویم :

ـ بلی ! خوب شد برای هیچکدام اتفاقی نیفتاد .

بعد چشم در چشمش میدوزم :

ـ چطور شد که امروز سراغ من آمدی .

با تعجب ساختگی میگوید :

ـچطور شد؟ آمدم خبرت را بگیرم گذشته از آن توباید به پول احتیاج داشته باشی من مدتی است ...

از جایم نیم خیز میشوم :

ـ بی جهت زحمت کشیدی ، من به هیچ چیز احتیاج ندارم .پول هم بقدر کافی دارم .

ـ پول ....

مجالش نمیدهم :

ـ لازم نیست قیافه بگیری بدون شك از همه چیز خبر داری .آقای (ص) صبح آن شب ۲۵۰۰ افغانی بمن‌داد.

رنگش ازسپیدی‌به‌سرخی‌میگراید. ومیگوید:

ـ آقای (ص) پول داد ؟!!

ـ بلی !

صدایش به فریادی شبیه‌میشود:

ـ وتو هم آنرا گرفتی ؟!!

بابیقیدی چنانکه اینکار حرفه ام باشد، میگویم:

ـ البته ! چرا نگیرم؟

ناتمام



هنرمندان خبر ساز

گلشن یك چهره تازه هنری



میر من گلشن خواننده جوان و خوش آواز که تازه همکاری اش‌را باآمریت مو سیقی آ غاز نموده‌است اولین آ هنگش را به همکاری‌آمریت موسیقی از طریق رادیو افغا نستان برای شنونده ها و هنر دو ستا ن پیشکش نمود .

آوازش چون نسیم لطیف ا ست وگیراوبه دلها چنگ میـ ـز نـد گرچه تازه میسراید ولی آواز ر سا ودالکشی دارد آوازش شباهـت زیاد به میرمن قمر گل دارد .

خودش میگوید : از آواز خوانان زن قمرگل را دوست دارم. و قـتی از نزدیك او را دیدم و در بـارهٔ هنرش پر سیدم . محجوبانه‌چادرش را بروی کشید وبا لبخند دخترانهٔ گفت پشتو صحبت کنید ! و من از او خواستم که نخستین آ هنگش‌را که به رادیو ثبت نموده بشنواند و او لطیف و آرام این آ هنگ‌رازمزمه کرد .

« په‌تور سترگوزکومه‌گزارنواوآشنا»

سوفیالورن باریچارد برتن



حتما از دیدن سو فیا با بـر تن بدین گو نه تعجب‌خواهیدکـرد ... ظاهرا برتن کلمات عا شقانه ای را در گوش سو فیا ز مز مه میکنـد وکلمات چنان لطیف و موثر است که سوفیا را سخت تحت‌تاثیرقرار داده است . به عکس نگاه کـنید سو فیا با بیخودی و علا قمندی فراوان مشتا قانه به سخنان ریچارد برتن گوش فرا داده است .

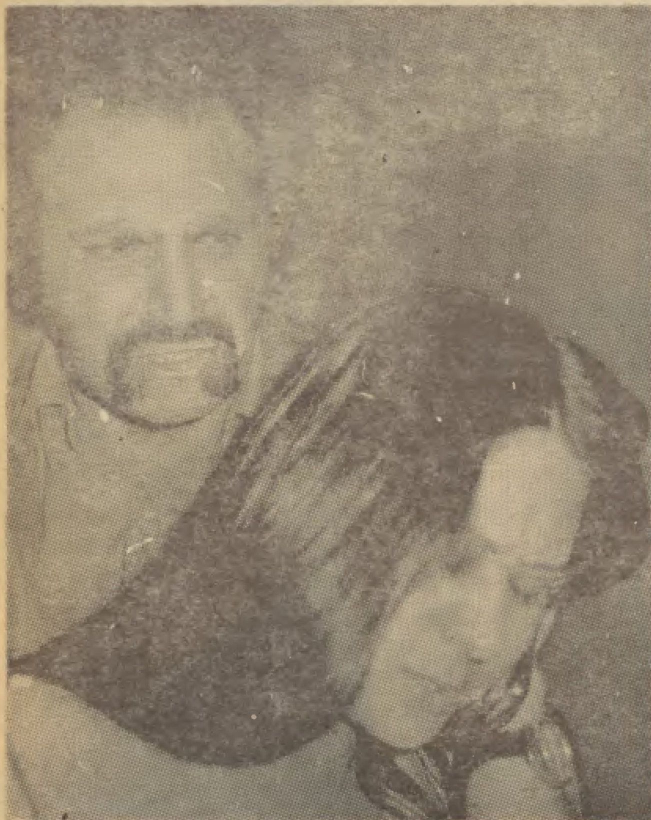
خوب خوا نند گان عزیز ا گـر قبول کنیم این‌دو عاشق هم شد ه اند . تحکیف کار لو یو نتی شوهر سوفیا با دو طفلش چه خوا هـد کرد **والیزابت تایلر همسرریچارد** برتن درین میانه چه بر خو ر د ی خواهد داشت ؟ شما هر چه می ـ خوا هید فکر کنید . ولی وا قعیت اینست که قرار است در هـمین نزدیکی ها سو فیا بابرتن فیلـمی تهیه کند و انگیزهٔ نزدیك شدن‌آنها هم همین مو ضوع است . و لی‌خدا عاقبت کار رابخیر کنـد. کـی میتواند پیش بینی کند ، که آنهادر جریان ساختن فلم عاشق‌هم‌نشوند؟

دومین اثر « تنسی ویلیامز » روی

ستیژ تیاتر

مرکز فر هنگی امریکا به سلسله فعالیت های فر هنگی اش این‌روزها سخت مصروف سا ختن یکی ازآثار بسیار پر ارزش « تنسی ویلیامز » نمایشنامه نویس پر آوازه ا مریکا است بنام (تابستان و دود)

تابستان ودوددومین **اثر تنسی‌است** که از اعماق اجتماع واز درد های گوناگون جوا **نان گفگو دارد. صدها** درد ناگفته جوانان ، عقده‌های‌روانی حسادت ها، خشم عصبا نـیت ،احساس حقارت و غیره د ر یـن نمایشنامه انعکاس یافتـه . تنسی‌ویلیامز خوش دارد کرکتر های را درنمایشنا مه های خویش ا نتخاب کند که باز گوگر شخصیت هـای مریض باشد . تنهایی و انزواگزینی‌جوانان که درامه های او را میسازد. تابستان ودو د دومین **اثر تنسـی** است که در کابل روی‌سن میا ید . بازیچه های شیشه اولین نمایشنامه‌او بود که به گر می استقبال شد .





از ارین پور

ونوس

پیکر صاف ونیمه عریانش
بود زیبا بسان چشمه نور
ایستاده کنار اسمخری
میدرخشید چون بلور زدور

* * *

کاکل قد. بعد کشیده او
برورده آب رامی ماند
زلف افتاده دور ،دور رخش
سایه آفتاب رامی ماند

* * *

بود زیبا بسان چشمه نور
پیکر صاف ونیمه عریانش
تاب بار نگاه تیز نداشت
از لطافت حباب پستانش

* * *

پیش او زانوی نیاز زدم
گفتم :ای‌خاك پات تاج روس
باچنین پیکر خیال انگیز !
نام پاك تو چیست ...؟
گفت :ونوس

از سرود های جاودانی تاگور .

من و تو

شب وروز ازخود بر میسازی :
فکر واندیشه ام را
ومن‌در تنهائی

خارج ازاین جهان به‌پیشواز تومی آیم
بازندگی ومرگم رابدست خود گیری
قلبم چون آفتاب بگاه

بانگاهی خیره ترا می‌نگرد
توهمچون آسمان وسیع بلند
ومن بگونه دریای بیکران ،پستم
توآرامش جاودانی داری
ومن بیقرار لایزال
بااین حال ،درافق دور، خیلی دور
بایکدیگر پیوسته ایم

چندترانه ازسیف فرغانی شاعرقرن هفتم

درد صبر

عشقت که‌بدل گرفته‌ام چون جانش
دردست وبه‌صبر می‌کنم درمانش
وز غایت عزت که‌خیالت دارد
درخانه چشم کرده‌ام پنهانش

ترامیخواهند

درد مندان غم عشق دوا میخواهند
بامید آمده اندازتو ترا میخواهند
روز وصل توکه عید استو منش قربانم
هر سحر چون‌شب قدرش بدعامیخواهند

جوش‌غم

شب نیست که‌از غمت دلم جوش نکرد
ازبهر تواز هر اندوهی نوش نکرد.
ای جان جهان هیچ نیاوردی یاد... !
آنرا که‌ترا هیچ فراموش نکرد

م. کریم «شیون»

آتش بی‌دود

گفتی که شب آیم تو نیائی زچه‌روزود
ازسینه‌کشم در غمت آهی شرر آلود
باز یــچهٔ میندار تو عشقم که‌بزرگ است
دادم بتو هر آنچه که در سینهٔ من‌بود
چشمان تو آتش به و جودم ز دوخوش سوخت
سوزم همه‌شب شمع صفت ز آتش بی دود
صد شیشه تهی گشت که ترك‌تو توان کرد
نی نی‌نتوان کرد تو ئی کعبهٔ مقصود
گفتی که شبی زود به پیش تو بیایم
قربان‌شومت دیر بیائی تو اگر زود
تو تاج گلی نیستی یك برگ تواز گل
گلهای‌جهان پیش رخت برگ گلی ،
شیون بکنم تا که بگوش تو رسد باز
این ناله جانسوز که افسانهٔ دل بود

روستای ما

به روستای ما بیا

به روستای ما
صحن زمرده‌ی ودوستی است .
وخاطرات مرده نشین

(به نیمه شب کنار آتش اجاق)

لبالب سب ز غرور های خاطرات دور

* * *

هنوز هم
مناره های از قدیم
واشك های خیس کرده جانماز ها
ودست های ملتمس
بر آستان قدس
و آستان عشق

...

به روستای ما بیا .

ندیمی

اشك تمنا

جو ژاله از رخ وزلفت گلاب می ریزد
لبان بوسه نوازت بخنده باز گشای
ز آتش نگهت آفتاب می ریزد
که از تبسم لعلت شراب می ریزد

از صف آهوی چشمان وعطر گیسویت
چه‌مستی هست‌که‌چشمان نیمه مخمورت
چو نافه از سخنم مشك ناب می ریزد
زدیده نازو ز مژگان عتاب می ریزد

جه لعبتی؟ که زرویای بوس وآغوشت
غریب اشك تمنا بخواب می ریزد

آه‌ای پائیزمن

ای چراغ روشن شب های من
ای تسلای غم وتب های من
ای همیشه درپی غمخوریم
ای پرستار شب بیماریم
ای زتو شیرین همیشه خواب من
ای توخورشید ومه ومهتاب من
ای همیشه درسرت رویای من

ای نگاهت هر زمان جویای من
ای امید زندگی درچشم تو
ای که شیرنست نازو خشم تو
ای نگاه توامید زندگی
زندگانی بی توباشد بندگی
من بهارم آه، ای پائیزمن
می پذیری هدیه ناچیزمن ؟

عشق

از: تیبور دیری

مترجم : رعد

صاحب آپار تمان اظهار داشت: به درون اتاق بیایید .در خانه شما کسی نیست که دروازه را باز می کرد .حتی همان کرایه نشین سابق شما که یك اتاق تان را به کرایه گر فته بود، هم بیرون‌از منز ل بوده .

ب- نگاهش بز مین دو خـــته سکوت اختیار کرد .

– خانم شما از طرف روز بالا ی کار می رود وپسر تان کیور کا هم در مکتب درس میخواند لطفا از دهن دروازه به درون تشریف بیاورید.او نها بعداز عصر می آیند .

ب- پرسید: کرایه نشین ماهنوز هم اینجا زندگی میکند .

– او انسان نهایت خوبی هست. همسر تان از او رضایت دارد .ای خداوند بزرگ ! شما واقعا بخانه ومنز لتان پیش همسرو پسر خـود برگشته اید ؟

صاحب اپارتمان پس از ادای‌این کلمات لختی به قیافهٔ ب خیره مانده اظهار داشت :من یك کلید اپارتمان شما را دارم اگر خواسته باشید ، می توانید بالا بروید وتا و قتـــی همسر تان بر گردد ، استرا حـــت کنید .

دودانه کلید بیك میخ آویزان بود خانم مالك اپار تمان یکی ازکلید ها را بر داشته ازاتاق بیرون رفت ودروازه را از عقبش بسته نگـاهی به سوی ب افگند وگفت از دنبـال من بالا بیایید واسترا حت کنید.

زن صاحب اپارتمان پرسید :به دنبال چه کسی میگردید ؟

ب گفت : من ب هستم .همسرم هنوز اینجا زندگی میکند ؟

بخش دوم

خانم اظهار داشت : ای خداوند بزرگ!

ب نگاهش زا به زمین دوختـه سوالش را تکرارکرد :همسرم هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم حرفهایش را دو باره زد ای خداوند بزرگ!شمابخانه‌پر گشته‌ اید ؟

ب پاسخ داد : بلی همسرم هنوز اینجا زندگی میکند ؟

خانم زنجیر دروازه را رها کرده درچوکات دروازه تکیه دادوپر سید -پس شما حقیقتا به منزل پر گشته اید ؟ ای خداوند بزرگ ! طبعـا همسر شما همینجا هست .او هـم مثل من خبر ندارد که شما به منزل بر گشته اید ؟ ای قادر متـعـال ! طبعا او همینجا زندگی میکند .

ب سوال کرد :وپسرم هــــم زنده هست ؟

خانم در حالیکه پر یشانی خاطر برا میفهمید،جواب‌داد:آری پسرت کاملا صحت وسر حال هست ،هیچ شکایت وکمبودی ندارد .پســـر هوشیار ،مقبول وجوان سالمند ی بار آمده است. ای خداوند بزرگ! ب سکوت کرده بود.

خانم با صدای مرتعشی تقا ضا کرد : منتظر چه هستید . چرا به درون نمی آیید ،لطفا داخل شوید من میدانستم که شما گناهی ندارید میدانستم که یك روزی بالا خره‌نزد همسر وپسر تان بر می گردید .

ب‌پرسید :اما هیچکس‌درواز ه‌منزل را برویم باز نکرد.اگر چه سه‌مرتبه زنگ را فشار دادم .

صاحب اپارتمان اظهار داشت : بیایید به درون! در خانه شماکسی نیست که دروازه راکسی باز کند

ب به زمین چشم دوخته با تردد پرسید، شما هم بامن می آیید .

خانم پاسخ‌داد : البته که می‌آیم. من اتاقی را بشما نشان میدهم که همسر تان در آن زندگی میکند .

ب پرسید : درکدا م‌اتاق سکونت دارد.

خانم مالك اپار تمان در جوا ب گفتید : شما میفهمید که در اپار_ تمان خود با کرایه نشین تان کـــه چهار نفر هستند ،یکجا زندگی مـی کنید .

همسر تان به رضا ورغبت خود دو اتاق را دراختیار کرایه نشیـــن گذاشته خود ش‌وپسر تان گیورکابه اتاق پیشخد مت زندگی میکند .اما تشناب ومطبخ مشترك است .

ب‌حر فی نزد .

زن پرسید : چه تصیممی دارید. بالا می روید یا صبر میکنید تـــا همسر تان از کار بر گردد .اگرمیل داشته باشید، می توانید در اتاق من به‌روی کو چ درازبکشیدوقدری استراحت کنید تا همسر تان از راه برسد .

ب پر سید: مطبخ و تشنا ب مشترك است بلی ؟

خانم مالك اپارتمان اظهار داشت. بلی. البته که مشترك استفاده مـی کنند .

ب‌ســر انجام ســرش را بـــا لا نگهداشته بچهره آنزن خیره شده وپرسید : پس منهم حق دارم برای غسل وتمیز کردن سرو جانــم از تشناب استفاده کنم .

خانم در حالیکه می خندید جوا ب داد :البته که اجازه دارید .

بعنوان کمك از بازوی ب گرفته حر فهایش را تکرار کرد:شماالبته حق دارید وهم چرا باید ندا شته باشید. اپارتمان هنوزبه شمـــا هم تعلق دارد مطبخ وتشناب هم همان طوریکه عرض کردم بین تان مشترك می باشد . من حاضرم تشنـاب را برای شما گرم کنم .یك مقدار چوب سوخت داریم که از سال گذشتـه باقی مانده است .اما تصور میکنـم کرایه نشین وقتی از منزل بیرو ن می رود ،تشناب را قفل میکند .

ب‌سکوت کرد و مجددا متو جه زمین شد .

خانم صاحب اپارتمان پرسید: چه تصمیمی دارید .بالاخره میخواهیـد بالا بروید یا اینکه نزدما می مانیدو داخل اتاق میشوید .

آخر از دهان دروازه بجنبید .من در آشپز خانه کار دارم ونمی‌خواهم مزاحم شما شوم .شما می توانیدبه آرامی روی کوچ دراز بکشید .

واگر میل بـــه خوابیدن داشتید ، بی دغدغه بخپسید .

ب با اظهار امتنان از صاحب اپارتمان علاوه کرد می خوا هـــم بالا بروم

کلکین اتاق پیشخد مت‌هامطابق معمول مهندسی روبه سمت شمال



باز میشد . درمقابل کللکین یك درخت گیلاس کهنسال قدبر افـــرا شته ، در سمت چپ قلهٔ بلند وسیاه کوه اگر معلوم میشد ، درسایه در خت گیلاس تاریکی سبز رنگی اتاق را فرا گرفته بود . همینکه ب تنهـــا ماند وتنفسش حالت عادی را بـــه خود اختیار نمود ، متوجهٔ رایحهٔ عطر

آگین ومخصو ص همســـرش در فضای اتاق شد . کنار کللکیـــــن نشسته ، نفس عمیق گرفـــت و آن رایحهٔ لطیف را یك مرتبه دیگر در سینه فر برد. ب به‌تاج پراز برگ درخت گیلاس چشم دوخته ، تما م وجودش در میان بوی خوش ورایحهٔ



مستی آور همسرش غرق شد با هر بار نفسی که بمیکشید ، مقدار از هوای معطر را بصورت مرتب در سینه فرومی برد .

رنگ رفتـــه سفید ، یك چپرکت در آن اتاق کوچك یك الماری فلزی ، یك میز و یك چوکی قرار داشت اگر آدم می خواست به‌روی چپرکت دراز بکشد ، مجبور میشد اولتر چوکی را از سر راه خودبر دارد .

ب به روی چپرکت دراز نکشید بلکه صرف به لب آن نشسته ، به تنفس کردن هوای اتاق پرداخت به روی میزاشیا خردوریزه فراوان بصورت پراگنده افتیده بود مانند کتابها ، البسه وسامان بازی اطفال در میان این اشیا یك دانه آیینـــه کوچك جیبی هم وجود داشت .

ب صورتشرا در آیینه دید . او قیافه خود را شبیه به مودی یافت که در ویترین واقع درخیابان سان راد دیده بود .

ب آیینه را از دستش به روی میز چپه گذاشت وبخود اجازه نداد در میان اشیا وسامان مربوط بـــه همسرش تجسس کند . در خاکستر دانی یك توپ کو چك سفید رنگ رابری با خطوط سرخ نظرش رابخود جلب کرد . حتی به روی میز هـــم رایحهٔ دل انگیز پخش بود .

هنوز دو باره سر جایش در کنار کلکین نشسته بود که خانم مالـــك اپارتمان یك گیلاس قهوه وشیر با دو پارچه نان برایش در اتاق آورد وقتی ب تنها شد ، پارچه های نا ن رافرو برده سر آن قهوه‌را نوشید زنگ دروازه مجددا به صدا در آمد وخانم کرایه نشین طبقه روی زمین عمارت نیز یك پیاله قهوه ویـــك پارچه نان مسکه دارو یك حلقـــه ساسیج با یکدانه سیب بـــرای ب آورد . این‌سیب درست ازهمان‌جنس سیب های بود که ب در راه آمدن به منزل ، مقابل مغازه اتحادیهٔ دولتی دیده بود ، خانم ظرف قهوه‌را به‌روی میزگذاشت . در چشمهایش اشـــك دور می زد، وپس از توقف چندقیقهٔ مختصر از اتاق بیرون رفت .

ب به مجردی تنها شد محتو یات سپنی را پاك خورد . او هنوز هـــم ساعتش را کوك نکرده بود ونمـــی دانست چقدر دیر است که کنـــا ر پنجره نشسته . در انتهای باغ کـــه این کلکین به آنسمت باز می شد، سکوت بر قرار بود . در میان برگ های‌سبز روشن درخت‌گیلاس آفتاب می تابید وبصورت خفیف بداخـــل اتاق منعکس میشد وسایه لر زانی به روی دیوار تکان میخورد .

وقتی ب بقدر کافی رایحه عطـــر آگین همسرش را در سینه فرو برد وبه تدریج به آن عادت کرد ، به‌روی

خیابان فرود آمددر مقابل‌دروازه باغچه منزل منتظر ماند . دیـــــر ی نگذشته بود که خانمش در حالیکه چهار ، پنج طفل دیگر بهدو پهلویش

روان بودند ، از یك کج گرد شـــی خیابان پیداشد . وقتی نزدیکتر آمد قدمهایش را سست کرد وقتی برای یك لحظه از راه رفتن باز ایستاد و

آنگاه یکباره بطرف ب خیز برداشت ب هم بدون آنکه متوجه باشد بنای دویدن را گذاشت .

وقتی فاصله بین آندو کم ماند ، همسر ب دفعتا جابجا ایستاد وبرا یك لحظه باور نکرد بر گشت ا و حقیقت داشته باشد . ولی‌معطل نشد وبا آغوش باز مجددا به دویدن بـــه سوی ب ادامه داد .

ب‌جاکت پشمی‌رهدار فو لادی و سیاه را با آستین های درازی آن شناخت پیش از زندانی شدن خود از یك مغازه مود برای همسر ش ریده‌بود همسرش یك‌ترکیب اعجاب انگیز وخاص از زیبایی بود ودرمیان سائر زن های شهر در نوع خودش یکتا بشما رمیرفت .

ب‌تمام خاطراتی راکه در طـــول دوران هفت سال زندان از همســـر خود داشت ، همه‌اش‌باتمام تصورات ب نسبت به همسرش صدق میکرد.

وقتی آندواز آغوش هم‌جدا شدند ب‌به کناره باغچه تکیه داد . چند قدم دور تر پشت سر خانمش چهار یاپنج طفل‌دیگر باقیافه های ناآشنا وکنجکاوی به آندو خیره مـــــی نگریستند .

بچه‌هادرحدودهفت‌سال‌داشتند آنها چهار بودند نه‌پنج ب درحالیکه به کناره تکیه داده بود، هر یـــك از آن بچه‌ها را بانگاه پرسشگر ی از نظر گنشتانـــــده از همسر ش پرسید :

کدامیك پسر من است ؟

درین لحظه اشك های همسر ش مجال فرو ریختن یافت ودر حالیکـــه گریه راه گلویش را بند ساخته بود اظهار داشت : بگذار که بالا برویم ب دست خود رادور شانهٔ همسرش قرار داده گفت : گریه مکن

صدای خانم که همرا ه با هکك وگریه بود مجددا بلند شد : بگذار که بالا برویم .

ب تکرار کرد: گریه مکن ، کدامیك ازین بچه ها پسر منست ؟

همسر ب پله دروازه باغ را بـــا بادست زده بازکرد وشتابا نبسوی اپارتمان رفت در وسط راه باریکـــی که دو طرف آنرا بته های نستر ن می پوشانید از نظر ب پنهان شد.

او هنوز اندام موزون وقد کشیده داشت از زیبایی هفت سال پیششی چیزی نکاسته بود . او مانند دوران دختری اش دوان دوان به طـــر ف عمارت رفت ، همسر ب چنان مینمود که‌ترس مهیبی احاطه اش کـــر ده باشد تا اینکه ب او را در مقابـــل دروازه ورودی عمارت‌متوقف ساخت آنگاه بود که قدری آرام گرفـــت . تنها صندوق سینه اش زیر جاکت فولادی رنگ پشمی از شدت هیجان به سرعت تله وبالا میشـــد . او از گریستن باز ایستاده بود .

اما چشمها یش هنوز مرطوب و آثار اشك که به عجله پاك شده‌بود زیر چشمها یش دیده میشد .

زن بیخ گوش شوهرش زمز مه کرد: بی همتای من ! بی‌همتای من! زن چنان کنده کنده وشمرده ایـــن حرفها رامیزد که گمان‌می رفت فقط قدرت ادای این کلمات را تا بـــه لبهایش دارد واز آن بعد کلمات‌به زحمت ازدهانش بیرون میامد .

ب به همسرش گفت : بگذار بـــه داخل منزل برویم .

— در ینجا مردم دیگر هم با ما زندگی میکنند .

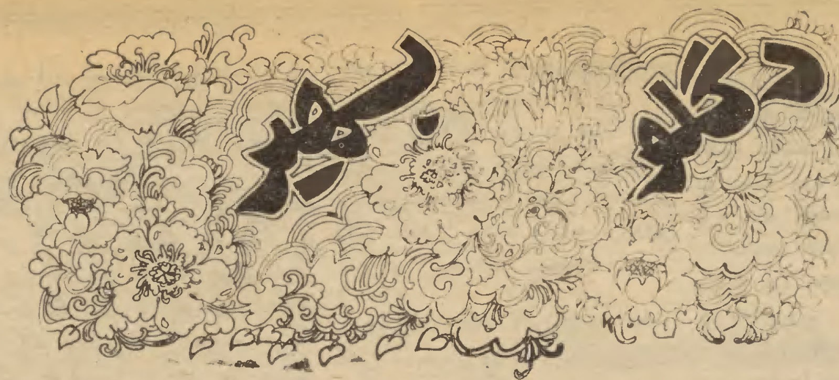
ب باسخ داد: آری ، میدانم ، بـــا اینهم بگذار به درون برویم .

—تو به‌منزل داخل شده ای ؟.

ب در جواب گفت : بلی . بگـــو کدامیك ازین بچه ها پسر من بود؟

وقتی وارد اتاق شدند ، همســـر ب مجددا در برابر او زانـــو زده ، سر خود رابه آغوشش گذاشت و بنای گریستن را گذاشت . تار های سپید موی با در خشش بیگانه در

بقیه در صفحه ۵۸



دهجران شپه

دریغه ولمدی یو خل عقـــــــه مخونه
چه دراز لری مـزګـــان دراز قــد ونــه

دراز قد دراز مژګـان درازی زلفی
وری شونه‌ی وره خوله واړه غا ښو نــه

دآسمان شمس وقمر به توری قربان کړم
هم د زمکی به سر واړه سره ګلـو نــه

چه ی ووینم به مخ می اوښی د رومی
دپسرلی له [illegible] وا وری بارا نـو نـه

که یو ځله بی مخ ووینم ســه‌سترګو
مـا بــه‌زړه کښی قبول کړی‌دی تندرونه

دهجران په شبه سوړ کهرانه‌سور اور شی
یو زمان‌می باندی نه لګی اور خو نه

توزی زلفی دی په سپینوتیچوزانګی
ښا ماران‌دی دخندنو په ښا خــو نــو

که خدای غم دجدایی ورتــه آسان کړی
ورحمان‌وته آسان دی نور غمو نــه

عجز او نیاز

خاوری شومه نومی ځای پاس به وزبل شه
نه دی رشکه به‌ګلشن کښی مې او ی ګل شه

دلاله زړګی شه تور له ډیره‌غمـــه
له ناکامه‌دصحرا لور ته مــایــل شه

نرګس ژیړ شه له ارما نـــه‌شینکی باغ کښی
چــه داځای ژحق زما ولی دبل شه

آسمان هم‌له قهر شین شه‌چه‌داولی
په معنی‌کښی جګ له‌ماله نوبه سل شه

دعاشق بری به عجز او پـــه نیاز دی
چا چه کړ له سر لویی راته خجـل شه

زاهد قرب غوښتنه به زور دعمل باندی
همدغـه‌عمل دده مخکښی حایـل شه

دا خاکی تن چه چا خاوری کړ به‌عشق کښی
دالفت پـــه‌ژبه داسی و ستا یــل شه

(الفت)

نګاه

ه یوه نګاه می زړه دلربــا یووړ
هیڅ عجب نه‌دی که خس کهربا یـــووړ

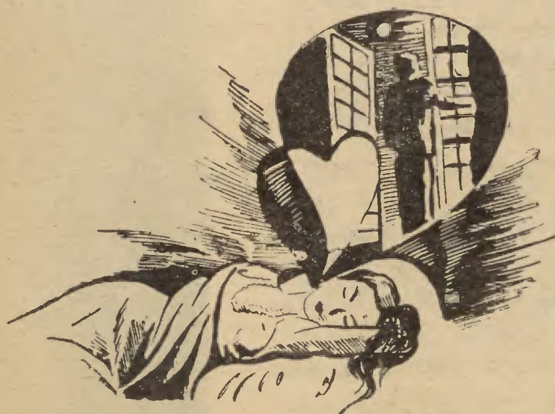
دښنګ قصاص څوك نه‌غواړی لـه شمع
څه شویار که له مـا زړه په خندا یووړ

عفه زړه چــه وی خــالی لــه‌محبته
دحباب پــه‌څیر ښــکاره شو دریا یـو وړ

دا ستم چه می ستا وړی دی پــه عمــر
نــا رواشه که یوه لحظه چــا یــووړ

ډیرو ښکلو می دزړه دښکارهوس کـړ
ستا دسترګو بار تر واړو پخــوا یـــووړ

(کامګار خټك)



داوښکو ماتم

څه سوز نه دی پیدا کـړم لکه شمع
یوه لمبه دی‌سر تــر پـــا کړم لکه شمع

خیر که سوزم، ماد خپل‌کاله‌رڼـا کړه
هدیرو ته‌دی رڼـا کـړم لکـه شمـع

ړندو سترګو ته داوښکو ماتم‌څه‌ده
تــا ړندو ته به ژړا کـړم لکــه شمــع

رقیب ړوند دی، یار ویده دی نه‌و ینښیږی
زه سلګی که تر سبا کړم لکــه شمــع

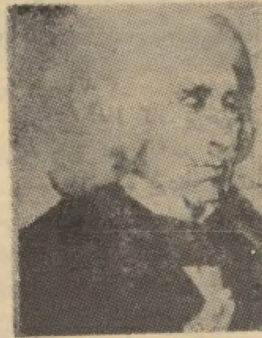
(دوست)

کوتاه دلچسب خواندنی

قصه‌ای از «آریستید»

«آریستید» یکی ازرجال معروف یونان قدیم‌بود، زمانی بسمت خزانه دار عمومی مقرر شد. **چون مرد درستکارو شریف بود، دست‌رجال** نادرست ومردان رشوه خوار را از اموال عمومی کوتاه کرد ،وبا جدیت هر چه تمامتر در جمع آوری اموال عمومی وگرفتن مالیات که از سالها مانده بود کوشید تا اینکه بالا خره مخا لفینش علیه او دسته بندی کردند ومتهمش ساختند واو محکوم **بپرداخت جریمه‌شدو مردم‌درستکار** ازاین واقعه متاثر شدند و نه تنها اینکه پولی جمع کردند وجریمه او را پرداختند بلکه برای سال بعد هم بهمان سمت انتخاب شد .

امادرین سال (آریستید)از سخت گیری دست برداشت ودر نتیجه **آنان که درغارت‌اموال عمومی‌جرمی** داشتند مانعی در ادامه دزدی نمی دیدند ودر نتیجه دیگر کسی با او **مخالفت نکرد بلکه همه ازاوتعریف** وتمجید میکردند .تا سال دوم هم تمام شد وسال سوم نیز در حا لی



که همه تعریفش‌می کردند خواستند او را انتخاب کنند ولی او گفت : (خدا همه ای شمایانرا لعنت کند ، زمانی که در کار جمع آوری اموال عمومی وجلو گیری از حیف ومیل شدن ودزدی اموال کوشش میکردم ،مرابه پرداخت‌جریمه محکو م‌کردید وبعدکه سستی‌پیشه گرفتم تشویقم کردید ودر همه جا از من تعریف کردید .... این تعریف وتمجید شما **مایه ننگ من است واز قبول این شغل برای بار سوم معذورم.)**

پرحرفی نباید کرد

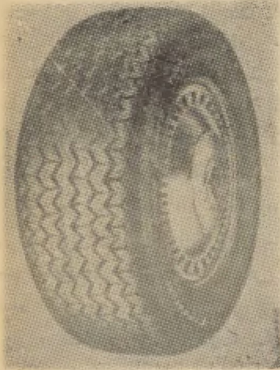


تاحال در مورد اینکه چرا موی سر انسان می ریزد ،نظریات متعددی داده شده است ، ولی درین اواخر یك عده **ازدانشمندان امریکائی نظر به داده اندکه :**

پرحرفی زیاد باعث ازبین رفتن **موی‌سرمی گردد زیرا تاحال دیده شده‌که‌فی صد هشتاد از آنا نی** که موی سر شا نرا از دست داده اند ،پرحرف بوده اند بدینوسیله‌به پرحرفان توصیه می‌شو د که اگر بـه موی سر شان علاقه دارند ، کمتر حرف بزنند.

استفاده از تایر های کهنه

پس از کوشش وتلاش بی نهایت متخصصین کار خانجات بایر ،توانسته اند که روش نوینی را برای استفاده ازتایر های‌کهنه بکار بندند تعداد تایر کهنه در المان فدرا ل سالانه قریب به ۳۰۰۰۰۰ تن بر آورد شده است.با استفاده از روش **جدید تایرهای‌کهنه به‌قطعات‌کوچك بریده شده وسپس بانوعی هارتز** انعطاف پذیر جدید تر کیب گشته‌و بماده‌مصنوعی تازه‌ای‌تبدیل میکردند **بعلت انعطاف پذیری و همچنین‌دا**شتن منفذ مناسب برای عبور آب ، ماده نوین مخصوصا برای پو شش سطح میدانهای ورزشی ونو لید حرارت برای آب کردن برف ویخ روی سطح جاده هامناسب می باشد بعلاوه می توان از آن برای سا ختن **دیوار های‌خفه‌کن‌صدا مورداستفاده** قرار داد .



تشخیص جواهرات بدل از اصل

شناخت جواهر اصل از بد ل کاریست دشوار، و لی کار خانجات سازنده امو نیاك در المان، چند ی پیش به این فکر افتاد تا بدل‌سنگ های قیمتی را بسا زد برای‌رسیدن به این‌هدف با یدنا ب تر ین‌الومونیوم اوکسید رابدست آورد. کارشناسان بالاخره رو شی را یا فتند که الو مینیوم او کسید ۹ر۹۹ درصد خالص را بو جود آورد، یعنی ما ده اصلی لازم برای سا ختن جوا هر بدل. این نکته از آنرو حا یزاهمیت است‌که، اندك کثافت در سختی سنگ تاثیر دارد.

بدل سنگهای قیمتی به اندازه تقریبی ده سانتی متر در دو صددرجه سانتی گراد حرارت کوره های احتراق گازی ساخته می شوندوبعدا به آنها شکل و صیقل داده می‌شود. علاوه بر گو هر فرو شان، یکی ا ز خریدا ران مهم سنگهای قیمتی بدل کانجا ت سا عت سازی می با شد.



از منابع فلیپاینی

مترجم : عارف عزیزپور

ملکه زیبائی سال ۱۹۷۴ جهان

زندگی برای ٦٥ دوشیزه که به کشور ملکه زیبایی جهان جهت رقابت برای کمایی کردن لقب زیبا ترین زن جهان گرد هم آمده بودند ،مانند ماهی‌طلائی در ظرفی شیشه‌یی بود.این دوشیز گان از همان آوان مواصلت شان باسنن عنعنات مردم این کشور مبنی بر مهمان نوازی از مردمان ممالك دور دست پذیرائی شدند ،وسرشار از خوردو نوش گردیدند .

هرجا که آنها میرسیدند مردم گردن می افراشتند تابراین زیباروریان جهان نگاهی کنند وحتی اگر برای لحظه ای زود گذر هم اگر باشداین روز مراسم پرشکوه در مانیلا برای مردمان عادی آن شهر که پیسیاری شان نمیتوانستند حتی امید آنرا داشته باشند که انتخاب‌ملکهٔ زیبایی سال ۱۹٧٤ جهان را شخصا تماشا کنند ، روز کیف آور ولذت بخشی بود .

خوانندگان روزنامه ها جزئی از اخبار مسابقه کنندگان زیبا یی را در نامه هاو مجلات با حرص و ولع تمام میخواندند . که رویداد های هر روز را درین مورد به نمایش میگذاشتند میزان تماشا گران خودرا بمراتب افزایش دادند . همینکه روز موعودفرارسید دوستداران مسابقه به اصطلاح به جدا کردن کاه ازدانه وانتخاب زیبا رویان سال پرداختند .

بسیاری از دوشیزگان مسابقه دهنده در نگاه اول بسیار جذاب و دلربا به‌نظر میرسیدند در حقیقت تماشاگران چنان مبهوت ستهٔ زیبا رویان بودند که نمیدانستند کجا را دیرتر تماشا نمایند .پس از دور نخست فقط خاطره‌ای از گروهی بلوندها، سبزینه ها وسرخ مویان در ذهن مردم بجا ماند وبس .با گذشت روز ها داوران بانگاه زیرکانه‌تری به بررسی زیبا رویان پرداختند تماشا چیان‌مسابقه زیبایی اکنون برندگان احتمالی را بهتر تمیز میدادند .

حتی از آغاز کار برخی از مردم نظر به چیز کمی که در مورد کاندید ها دیده یاشنیده بودند به نتیجه گیری پرداختند ،روزیکه مسابقه‌کنندگان جامه از تن در آورده وبه لباس رسمی شنا خزیدند اهل خبره لست رقیب های نیرومند راازنظر خود ترتیب دادند .

پاره‌ای ازین دوشیزگان تنها چهره زیبا داشتند .بنا برآن شگفت آور نیست اگر آنها در میان مردم‌با دامن های مینی نمایان نمیشدند .

برخی دیگرپاهای خویش رادر پطلون پنهان میکردند .

در حالیکه بعضی از دوشیزگان با لوازم سپورتی تقریبا همه اندام خود را برهنه میکردند برخی دیگر لباس معینهٔ شنا را فقط هنگامی‌بتن میکردند که دیگر نمیتوانستند از پوشیدن آن طفره روند .

دسته های زیبا یان خوش اندام مردان نظر باز وزیبا پرستوا به آسمانها میفرستادند در پایان بر نامهٔ عکسبر داری که در کنار استخر فلیپایین ویلج هوتل برگزار شد اهل مطبوعات بدرستی پی بردند که کدام دوشیزگان از طرف وینوس الهه عشق وزیبایی خوانده شده وچه کسانی نشده عکسبرداران سخت گیر در مورد عیب های دوشیزگان از ذکر هیچ حرفی خود داری نکردند داغ هاو نقص جلد به دقت خاطر نشان گردید .



دوشیزه سویدن ایوا

دز آستانه داوری نهائی از دوشیزه‌گان مذکور پرسیده شدکه به عقیده شان چه کسی به حلقهٔ سحر آمیز داخل خواهد شد. ایلاسیسیلیا اسکاندن دوشیزه خیلی زیبا وخوش‌اندام کولمبیائی مطلوب بسیاری ازآنها وانمود شده‌بود.

این دوشیزه ١١٤ پوند همیشه قیافه فریبا وقشنگ محفل پنداشته میشدحتی هنگامیکه تحت پروگرامی هیجان انگیز هم قرار میداشت.وی در یك مصاحبه دو انگشتری راکه خوش دارانش بوی تحفه داده بودند بی پرده نشان داد .

سونیا ستیکی پورتور یکوئی یکی از زیبا رویانی بود که در جریان



دوشیزگانی که برای ملکه زیبایی‌انتخاب شده اند

داوری اولی مورد بیشترین بد رقـه وکف زدن قرار گرفت که این داوری در ١٦ جولای گذشته درتیاتر هنر های مردم (فولك آرت تیاتر) بـــر گزار شده بود. صرف نظر از پاهای بلند ودوست داشتنی اش طرزرفتار شکو همندش نیز ندا های تحسین آمیزی از طرف تما شا گران بـــر انگیخت .

دوشیزه عروسك مانند فنلند ی ها بنام جوها نارا نیونه تنها مورد پسند عکاسان‌مطبو عات‌قرار نگرفت که قبلا اورا بنام ملکه عکسبرداری یاد نمودند بلکه مطلوب دیگران نیز واقع گردید. ولی وی درفکر آن‌نبود تاج پر طمع مسابقهٔ ملکه زیبایی را بر باید .

ساندرا گویمار او لیو یرا دوشیزه برازیلی نسبت بچندین کا ندیـــد. نمره بلندی تری گرفت .این دختر جوان امریکای جنوبی در لباس بومی دارای رنگ زرد روشنش که پا های



دو شیزه یونان -

جذابش را نمایان میسا خت خیلـی برجسته می نمود .

نیلا میرو نتوای ونیزو یلائی نیز بهمین‌پیمانه شایان‌توجه بود چشمان افسو نگرش دارائی بزرگ‌او بشمار میرفت وی تنها عـــده اندکـــی از فلیپاینی های خون گرم وباحرارت را در جریان مسابقه بیقرار نساخت بلکه عده زیادی را بر انگیخت.

چندین نفر از کاند یدان بی پرده ابراز داشتند که کارین مـــور یسس





دو شیزگان آسترلیا ، انگلند ، سنگاپور ، هانکانگ وجاپا ن



دوشیزگان پارا گوای ، فلیپا ئن پر تگالی، وپور تو ریکو باجلوه ای شکوه پس ازتاجگذاری جهت د سم گذشت ملت‌ها، درین جا نشسته اند

بلند قامت وشانه پهن دوشیـــز ه اضلاع متحده در میان پنج‌نفربرنده نهائی یقینا جای خواهد گرفت .

زیبای هسپا نوی بنام امپـــا رو مونوز در همه چیز عالیمقام ترا از دو شیزگان دیگر بود.یکی‌از ناظران گزارش دادکه وی گل سر سبد سر نشینان هوا پیمایی‌دی، سی ا،شرکت هوا پیمائی فلیپائن‌بوده این اکتریس عالی در منزل تنها بزبان هسپانوی سخن میزند اندازه های او ۳۳- ۲۲ ۳۳ میباشد .

بعضی فکر میکردند کـــه کاتـــی آن دو شیزه انگلند ی چیـــز ی کمتر ازلقب ملکهٔ زیبایی سال ٧٤ جها ن با خود به ارمغان نخواهد برد .این مدل عکاسی لندن دارای اندازه های ۳٦-۲٤-۳٦ میباشد .

ماریا جانسن لائبر یائی اطمینا ن داشت بر اینکه کم‌از کم‌یك دوشیزه سیاهپوست - یادوشیزه جامیکا یا خودش در زمره پنج دو شیزه‌برنده شامل خواهد شد. در عیـــن زمـــا ن دوشیزه سینگال پس‌از آنکه اعتراف نمود که بافتن موهایش چهار ساعت رادر بر میگیرد ،مورد پسند جمعیت قرار گرفت .

انا کار لو تا ارکوجو دوشیزه‌اهل سلوا دور بایست درزمره بهترین دوشیزه ها حساب شود .همچنا ن اگر یك رای گیری عامه انجام میشد

اثر : ا. غنی یف
ت .ابویوا

ترجمه :شرعی
بخش چهار م

شاعر کلاسیك پشتو

خو شحال خان ختك بخوبـــی میدانست که در مبارزه ضد امپراطوری مغل ،تامین پیروزی ،بد ون اتحاد وهمبستگی تمام قبایل پښتون امری بس دشوار است او با اینکه تا آخرین دقایق ز ند گی ،باشمشیر خـامـه د ر راه تــا مــیــن وحدت و یگا نگی پښتـــو نــهـا بخاطر تاسیس دولت مستقل ملی رزمید اما نتوانست در زندگی باین آرمان دیرین دست یابد.خوشحال خا ن علاقمندی شدید خودرا باین آرما ن

شیرین چنین ابراز میدارد :

که توفیق داتحاد پښتانه مومی .
زوړ خوشحال به دوباره وشی پهٔدا
خوان (۱) .

به نسبت قرار داشتن در یـــك موقعیت اجتماعی مشخص ، بـرا ی خوشحال خان ختك دشوار بود تـا به عوامل اصلی تضاد های اجتماعی موجود در جامعه افغانها پی ببرد واز همین رهگذر نیز فقط بی سو ادی پراگند گی وتشتت قبایل قوم خود را عواملی میداند که اوراز رسیدن به هدف وا میدارند، چنانچه میتوان از ورای ابیات ذیل ،بایـــن درك خو شحال خان پی برد :

هره چار دپښتانه تر مغل ښـــه
ده
اتفاق ور سره نشته دیرارما ن.
دبهلول او دشیر شاه خبــر ی
اورم .
چه په هندکی پښتانه وو بادشا هان
شپږ – اوه پیړی یی هسی باد-
شاهی وه .
چه پهٔدوی درست خلق وه حیران
یا هغه پښتانه نورو وو ، داخه
نور شول .
یا دخدای دی اوس دا هسی شان
فرمان
که توفیق داتفاق پښتانه مومی .
زړو خوشحال به دو باره شی په
دا ځوان (۲) .

شاعر بادامه اینگو نهٔ انـد یشه های خود،در جای دیگر چنین میسرـ اید :

چه مغل وته می و تړله توره
درست پښتون می وعالم وتـــه
ښکاره کړ .
اتفاق په پښتانه کښی پیدا نـــه
شو
گنه مابه دمغل گریوان پاره کړ.
سره یوتر بله اخته دی په خپل
کور کښی .
په نفاق یی غم وماته اجاره کړ (۳)

جهان بینی شاعر ،باین تصور که میتوان در جوامع دارای تنا قضا ت اجتماعی، تمام اقشار وطبقات رابهم پیو ند داد ،دستخوش محدود یـت میگردد .صرف نظر از آن ،اشعاری که شاعر ،درین زمینه سروده تــا کنون هم از لحا ظ ارزشی ا د بی، خوانند گان رابسوی خود میکشا ند ومایه اعجاب آنان میگر دد .

ابیاتی که خو شحال ختـك در زمینه ضرورت اتحاد و همبستگی انشاد کـــر ده در ر شـــد شعـــور ملـی ا فغـــا نهـــا نقشی بزرگ ایفا نمود واکنون هم افغانها ، این درهای گرانبها را با شور وحرارت خاص، آویزه گو ش میسازند .مثلا به اشعار ذیل توجه کنید :

(هر گاه یکی از پنج انگشت درـ دست نباشد، کار انگشتان دیگر به کجا خواهد کشید ؟

قدرت دستها وابسته به اینست که انگشتان پنجگانه یکجا باشند .

هر گاه انگشتان یکجا وفشرده باهم باشند ،کار دست نیز نیکو خواهد بود).

• • •

(سعادت وشاد کامی مردم زاده اتفاق است . خواری وذلت هنگا می گریبانگیر آنها خواهد شد که اتحاد ویگانگی از میان شان رخت بر بندد)

(هر گاه دو قلب بهم نزد یـــك شوند ،میتوانند حتی کوه را هم از میان بر دارند .

سرم فدای اتفاق باد کـــه سر چشمه تمام نیکی ها است) .

(اتفاق گل برو یاند وگلـــز ار آفریند، اما نفاق خار زار پد یـــد آورد).

• • •

خو شحا لخان ختك ضمن اظهار نظر پیرامون شعر وشاعری ،اهمیت بزرگ شعر را در ساحه تربیه و تبلیغ یاد آور میگردد .بعقیده او ، شاعری کار هر انسان فاسق وکج اندیش نیست .این فن خاصه کسانی ست که قلبی پاك وبی آلایش دارند راستگو ودرستکاراند و بر خو ر دار از دانش وفضیلت .خو شحا ل خان ختك که در کار ایجاد ادبـــی خود بدین پرنسیپ اتکا داشت ،در چوکات محدود افاده های انتزا عی و مفاهیم پندار گرایانه محصور نماند

در اشعار وی ،مسایل مهم حیاتی و رویداد های دوره زندگی او ،انعکاس وسیع می یابند. مثنویها، چامه ها چکامها رباعیات وقطعات شاعر ، از لحاظ موضوع، بااار تباطخویش به وقایع مهم حیاتی بر جستـــگی خاص دا رند د ریـــن اشعـــا ر قهرمانی های شاعر در صحنه پیکار موضو عـا تـی ا ز قبیـــــل حالات اجتماعی معشیتی قبا یـــل مختلف پښتون مناظـر طبیعـی ، موقعیت جغرافیائی سر زمین مادری شاعر و مناطقیکه دیگر قبایل افغان در آنجاها حیات بسر میبر ند .

آنها وشغل وحرنه ای که بدا نهـا اشتغال میورزند ،حوادثی کـــه در حیات معنوی آنهاروی دادهومعلومات مربوط بتاریخ زندگی افغا نها، ترسیم میگردد و مسایل مـــهمی چو ن اخلاق ،علوهمت ،کار وشهامـــت ، عـــز ت نفســـ ،تـــوا ضع و



خوشحال ختك

(۱) کلیات خو شحال خان ختك با مقدمه وشرح دوست محمد خان کامل ،پشاور ،۱۹٦۰ ص ۲۱۵ .

(۲) همانجا ،همان صفحه .

(۳) همان جاص ۸۷٦

خود خواهی ، مردانگی وجبن وامثال اینها بسا فضایل ورذایل انسانی مورد گفتگو قرار میگیرد .

شاعر دریك قصیده‌طویل خودکه متضمن بیش از ۱۳۸ بیت میباشد پیرامون زندگی وفعالیت شعری خود سخن میگوید .این قصیده یـــك سلسله معلومات ارزنده ای را که‌به ایجاد ادبی خو شحال خان ختــك ارتباط دارد ،دربر گرفته است .

دانشمندان سر شناس شو ر وی و.۱. الیو شتیس‌درمقاله‌ای‌که تحت عنوان (شاعر پیکار جو) نوشته ،به آفریده های ادبی خوشحال ختـك ارزش بلند قایل گردیده ویکی ا ز عوامل شهرت بزرگ او را در جهان شعر وادب چنین میداند که (اویکی از آن شاعر ان کلاسیك پشتو مـی باشد که تحت نفوذ صوفیزم قـرار نگرفته اند).

اشعار لیوریك خو شحال ختك‌در آثار شعری او موقعی بر جستـــه دارند .

شاعر در چامه ها ودیگر اشعار لیریك خود ،عشق ومحبت ،زیبایی طبیعت ومناظر محیطی را که خوددر آن میز یست مستاید. چامه هـا رباعیات‌قطعات، چکامه‌ها و مثنو ی هایی که شاعر درین زمینه‌ها سروده با سلاست وروانی خود،با هماهنگی افاده های بدیعی وتشبیهات خودبا واقعیت ،خواننده رابه شورو هیجان می آورند ،باآنهم هنگا میکه‌سخن‌از سمن ابت میگوید ،نمیتوانداز تاثیر جر یان صوفیزم که‌طی قرنهای‌طولانی بر ادبیات کلاسیك دری حاکم‌بود، بر کنار بماند .اما عشق ومحبتی که در اشعار (صوفیانه نما)ی‌خوشحال ترنم میگردد ،انسا نهارابه ترك‌دنیا فرا نمیخواند. شاعر در اشعار خود عشق پاك وبی آلایش ،شورو نشاط زندگی ،اضطراب وبیتابی دل رایك جاباپندی که از حیات فرا میگیرد، افاده میکند .ما میتوانیم با خواندن این غزل شور انگیز اساسا ت‌عمیق پر جاذبه خوشحال را پی ببریم :

نیمه شپه می په پالنگ راغلــه دلبره
پری‌رویه، عنبر بو یه، سمنبره
رنگینه جامی اغو ستی زر نگار ی
سره درسته تجلی وه پاتر سره
سریی تور ،ښیښه په لاس ،باده یی څښلی .
دمستی په خپل ځان نه وه خبره
دپائیلی‌اود ځری یی‌شرنگها ر شو
زله‌خوبه را پرتاب شوم ډیر په‌دیره
ماوی گوره شا پیری وه که حوره
چه‌داهسی شان په‌ما شوه برا بره
توره وروځی یی‌لینده،بانه یی‌غشی
غاښی یی در قیمت بها په لـب شکره
په خندا اخندا یی دا اووی ومانه
چه‌ماوته نظره که‌ه بی بصر ه
ته مانه پیژنی ،زه هغه خو بایم.
بله نشته په خوبی ترما بهتر ه
عاشقان ځما دخولی په‌کلی ډیروی
بختور یی چه می‌و نیوی په غوره
څو بوسی یی دلبانو ومارا کړ ی
حقیقی پیاله یی را کړله احمره‌وکړ
دارسته‌شپه‌مو سره‌ په‌پالنگ وکړ
دوصال خوبی یی لانه‌وه ترسره
چه‌آواز موذن داذان وشو
په سحر له مانه ولاړه ناز پروره
چه په ډیر ارمان محبوبه درومی
کشکی‌شپه‌د خوار عاشق وی بیسحره
چه‌له هسی‌محبوبا خوشحال‌جداشو
دآتش لمبی یی درومی له بستره (٤)

ترجمه :

(ـ دلدار پیر یچهره عنبری بوی سیمین بر ، نیمه‌شب بر بستـر م آمد.

ـ جامعه های رنگین زرنگار بتـن داشت وسر اپا جلـوه ودرخشش بود.

ـ با موی سیاه ،قدح دردست ، باده مینو شید وچنان مست بود که از خویشتن خبرند اشت .

ـ با شنیدن صدای پازیب او و زیوراتی که بر سینه وجبین آویخته بود ،ناگهان از خواب بیدار شدم .

ـ با خود گفتم : مگر این حـور است یاپری که بدین سان با ابروان سیاه چون کمان با مژگان های‌در ز چون تیر ،بادندانهای سفید چو ن درو بالبانی چون شکر ،با مـــــن روبرو شده است .

ـ بالبان متبسم گفت: چشم‌بکشا وبمن نظر کن ،مگر مرا نمیشنا سی من آن سر خیل خوبانم که بهتر از من در میان خوبرو یان نمیتـــوان یافت .

ـ دلداد گان لب ودندان من ،در اینجا بی شمارند ،اما خوشبخت آن که من اورا برگز نیم .

ـ بوسه ای چند از لبان خویشم ارزانی داشت : باده‌ای حقیـقی از ساغر گلگون خود بکامم ریخت ...

ـ تمام شب با هم در بستر راز گفتیم دقایق شیرین و صال پایا ن نداشت .

ـهمینکه بانگ موذن بر خاست آن ماهروی ناز پرور ازبرم رفت .

ـ هزار افسوس که دلدار میرود ایکاش شب عاشق بیچاره سحـر نمیشد شت .

ـ (خوشحال) که از آن محبو به طناز جدا مانده است ،از سرا پایش روی بستر آتش می جهد .)

از بر سی دقیق‌مطلع ك غزل دیگر خو شحال خان‌روشن میشود :عشق و محبتی که او سرا ینده آنست ، همان عشق واقعی وحیاتی است .او درین باره چنین میگوید :

که دښکلو ددیدن مینه گناه ده.
سکه خو شحال ختـك درسـت عمر جنایت کا (٥)

ترجمه :

(هر گاه عشق دیدار ماهرو یان گناه باشد ،در آنصورت باور داشته باش که خوشحال ختك تمام عمـر گناه هکار بوده است).

شاعر آنانی را که ترك دنیا گفته وبگوشه عزلت خزیده اند ،اینگو نه با سخنان نیشدار مورد خطاب قرار میدهد :

کښینی په‌خلوت کښی شیخه.سو دبی راته وایه
ولی په‌خپل‌ځان‌داهسی اوت‌جهان تنگ کړی (٦)

خو شحال ختك‌زاهدان ریاکار را ببادطعن وملامت گر فته رندا نـه پرده سالوس وریارا از چهره آنان یکسو میزند وفاصله کردار آنان را باگفتار شان نشان میدهد :

ترجمه :

(آنها کتاب آسمانی) وکتا بهای زمین را میخوانند ،اما میان گفتار و کرد ر شان ،فاصله زمین وآسما ن وجود دارد .

(پیوسته کتاب‌خدارا میخوانند، اما ذ رهٔ هم بر آن عمـل نمیکننـد

(بزبان ،لاف ازاسلا میت میزنند، اما سخنان شان عاری هر گو نــه وبرکت وخالی‌ازتاثیر عقیدت‌است).

در جای دیگر :

(به دنیا می نگرم وحیران میشوم این فریبگران بخاطر نفس ،چه کاری است که انجام نمید هند .

(کار های که از آنان سر میزند حتی شیطان هم از راه یافتن بدا ن عاجز است .

(آخر بکجا روی آورم واز کجــا بجویم؟ دانایان چون کیمیا نایـا ب شدند !).

میتوان از ورای ابیا ت ذیـــل خو شحال خان پی برد که عشـــق مورد ستایش وی چقدر بازند گـی سر چشمه میگیرد .
پیوند دارد وتا کدام حد از حیا ت

زه خو شرابی یمه شیخه څه را سره جنگ کړی .
بخری از لی ده کشکی ما دځان‌به رنگ کړی
ښه وایی واعظه برکت دستا پـه ژبه .
ښه ئی په ویلو ددریاب او بــه کرنگر کړی .
ولاړل وجنت ته چه په پوهنـــه خبرنه وو
ولاړل ودوزخ ته چه یی لافی د فرهنگ کړی
زړه خو دزړه درد غواړم په هر یوه مذهب کښی .
تازه ده ستاخبری چه نقلونه رنگا رنگ کړی
را ئیشه مطربه ! دنور وزسـرود آغاز کړه
ښی نغمی زړه سوزی په رباب . په نی وچنك کړی
هر لوری ته گل دی شقا یق نرگس ،سنبل دی .
بی گلزار ه بد که لوری آهنگـ کړی (٧)

(٤) همانجا ص ۱۰۲ ـ ۱۰۳

(٥) هما نجا ص٥

(٦) همانجا ص ۱۲۱

(٧) همانجا ص ۱۲۱ ـ ۱۲۲

روان شناسی جوانان

تحمیل بیجا



تشخیص این بیماری آ نـــقـدر اشکال ندارد کسیکه گرفتاراست **بی‌منطق، متخا صم و متعصب‌جلوه میکند بعضی او قـات به تـــما م** موضوعات و گا هی فقط را جع‌بیك موضوع پافشاری نشان می د هـد این بیمار میکوشد مفکوره های غلط خودرا در قالب سیستم و ا صو ل بریزد و همیشه این مفکوره هـارا **بالا وپائین میکند تا تعبیر اصو لی** برای آن پیدا کند و نفس خود را اطمینان د هد هر گاه کسی بـاوی بحث و منا قشه بپر دازد بـــرای مدافعه خود کا ملا متعرض میشود ویا اینکه عقب نشسته در بـا طن متنفر میگردد . این بیماری ماننـد دیگر **انحرا فات از عدم مصئونیت** هیجانی واز خوف های ا عـتراف ناشده نشئت میکند . بیمار مـی ـ کوشد حتی از نزد خود این علل را بوسیله عقیدهٔ باطنی مخفـی نگـه دارد.

علایم این مر ض :

۱ـ طرز تلقی بیمار بصو ر ت مزمن **برشك و تردید وبی اعتمادی** بنا یافته تصور میکند د یگران همه **دشمن وی میبا شند وکرداردیگران** را همیشه تعبیر غلط میکند بنابرآن به هیچکس اعتماد ندارد .

۲ـ **بیمار مفکوره ثابت داشته و** مفکوره های خودرا در قالب‌سیستم واصول میریزد و برای به کر سی نشاندن گفتار خویش تا پای مرگ می ایستد اگر هر قدر د لیل‌ومنطق بگوئید باز هم به گفتار سا بـــق ایستاده وهر گز گفتار و د لا یل دیگران را قبول نمی کند .

۳ـ نشا نهٔ سوم این بیما ر ی خصو مت و عداوت است ممکـن‌این خصو مت فعال یا غیر فعال باشد بیمار بوسیلهٔ خصو مت سعی می‌کند خو یشتن را از تائیر نـــفوذ دیگران و قوانین خود را دور نگه دارد. قوانینیکه **دروی شك وتردید** ایجاد نماید خودرا حفظ کند .

معلومات تازه برای جوانان

کشتی ئیکه داخل بکس جا میگیرد



تعجب نکنید در عصر اتوم هرچیز امکان پذیر است .

ناگفته نباید گذاشت که تمام این چیز ها برای آرامی بشر واستفاده بهتر از آن به میان آمده ومی آید .

در عکس شمایك کشتی رامیبینید **که یك نفر بخوبی درآن جا میگیرد** وبدون کدام مشکلی آنرا حر کـت میدهد در حالیکه این کشتی کوچك داخل یك **بکس‌سفری شده وبدون** کدام زحمت از یکجا بجای دیگر نقل داده میشود .

کشتی مذکوراز مواد ی‌ساخته‌شده که در آب شناور بوده دارای وزن ۱۵۰ کیلوگرام وطول آن۷۰ر۰ متر عرض آن ۴۵ر۰ متر وارتفاع آن با کناره های آن در حدود ۲۵ر۰ متـر میباشد این وسیله جدید حمل‌ونقل در آلمان ساخته شده وعلاقمندان‌آن اکثرا جوانان میباشند .

قیمت این کشتی در حدود هفـت هزار افغانی میشود .

تهیه وتنظیم از: سیداحمد شاه (شامل)

آیا میدانید؟

به مرور زمان که سن بالاتر میرود،اعضاء بدن نیز پیرترو فرسوده ترمیشود.

مغز:ـ روزانه ۱۰۰ هزار سلول‌آن ازبین میرود ولی سلولهای (رزور) آن برای هزار سال عمر کافیست.

گوش:ـ بتدریج شنوائی آن ضعیف‌ترمیشود وبرای احتراز از آن لااقل میتوان از بسر بردن در جاهای پر سر وصدا مثل کار خانه خود داری کرد.

چربی:ـ یابالارفتن سن مقدار چربی در اطراف کمر مردها وبالای ران زنها زیادمیشود وعلاجش ورزش است.

ریه‌ها:ـ بمرور زمان ظرفیت وگنجایش آنها کم میشود وعلاجش عدم اعتیادبه‌سگرت است .

پوست:ـ حالت ارتجاعی خود رااز دست میدهد وعلاجش مواظبت از آن واحیاناعمل جراحی است.

کلیه ها:ـ در ٦۰ سالگی تقریبا ۵۰ در صد فعالیت خود را از دست میدهد وبرای جلو گیری از آن علاجی وجود ندارد!

هور مونهای جنسی: بمرور زمان‌فعالیتهای شان کاهش میابد .چاره اش درزنهاترزیق بعضی هورمـو نهاست برای عقب انداختن سن اودر مرد هاداشتن یك زندگی‌جنسی‌سالم ومتعادل.

استخوان بندی وبافتها:ـ استخوانها بمرور زمان سخت تر میشود وبافتها حالت‌ارتجاعی خود رااز دست میدهد وچاره اش سلولو تراپی، استعمال ویتامین یا ترزیق هور من است‌که نتایج هیچ‌یك‌صددرصد مثبت‌نیست.

موها:ـ به مرور زمان دچار ریزش شده ورنگ طبعی خود رااز دست میدهند.علاجش بکار بردن گیاهای‌طبی ویاترزیق هورمن‌های زنانه است که ضمنا بی‌خطر نیز نمیباشد.

چشم:ـ دید چشم کمتر میشود، علاجی برای آن وجود ندارد وچشم تابع اورگانیسم است

سلول:ـ به تدریج ضمن تکثیر، فعالیت سلول کمتر میشود وعلاجی برای آن وجود ندارد.

قلب:ـ قدرت ونیروی قلب به مرور کمتر میشود . علاج آن ورزش ، فشار خون‌ثابت تعادل روحی وجنسی است.

عضلات :ـ بمرور زمان شل‌تر میشود، علاجش ورزش است وخوردن مواد پروتین دار.

رگها:ـ بمرور زمان سخترمی شود، علاجی برآن وجود ندارد ولی ممکن است‌سلولوتراپی یا هور مونو تراپی واقع شود .

جوانان واستفاده ازقضاوت سالم



اگر نظري به افراد یك کشور بیندازیم خواهیم فهمید که یك فیصدی مهم نفوس آنرا طبقهٔ جوان تشکیل میدهد واین طبقه نظر به شرایط اجتماعی ،طرز زندگی وبالخصوص از نگاه اخلاق وآداب از هم فرق میکند .یعنی در ارتقای یك کشور همهٔ افراد آن سهم دار ند خصوصا جوانان روشن ضمیر با کرکتر وبااراده‌زیادتر رول‌داشته‌ودر همهٔامور زندگی پیشقدم میباشند . نباید تمام اشخا ص را که از نگاه رشد جسمانی انکشاف می نمایندو به سن قانونی جوانی میرسند جوان نامید !کلمهٔ جوان را باید بکسی خطاب کرد که دارای ذهن روشن حس تفکر مثبت ،اخلاق حمیده ، اراده متین ،ثبات وغیره صفات نیك بوده ودر تمام امور از ینگونه صفات خویش‌استفاده نیك‌نماید .جوانانیکه در یك محیط زندگی دارند نباید مصدر فعالیت های منفی گردیده‌و چشم امید همه افراد جمعیت خودرا به ظلمت تاریك نمایند ،زیرا دریك اجتماع تمام افراد آن نسبت به‌دیگر طبقات امید پیشرفت وترقـی را از جوانان واقعی وحساس دارند وهمه به این آرزو میباشند کـه روزی جوانان شان پیشرو قافلهٔ ترقی و سعادت وآرامی آن جامعه گردند .

بقیه درصفحه ٥٦

در جستجوی دوستان قلم

اینجانب احمد فرید متعلم لیسه تجارت میخوا هم‌باکسانیکه‌بامطالعهٔ وکتاب علا قمند باشند مکاتبه‌نمایم.

آدرس : احمد فرید متعلم صنف دهم لیسه تجارت .

* * *

آرزوی مکاتبه را با کسا نیکه به‌جمع آوری نکت پستی علا قمند باشند و درین قسمت معلو مـات داشته باشد میخوا هم مکاتبه کنم.

آدرس : ز هرا متعلم صنف نهم لیسه آریانا .

* * *

اینجانب عبدالروف می خوا هـم دربارهٔ مو سیقی مخصوصاموسیقی کلاسیك معلو مات حاصل کـنم کسانیکه به این رشته علا قـه و معلومات دارند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند .

آدرس : کندز ـعبدالروف متعلم صنف دهم لیسه شیر خان .

* * *

مایل به مکاتبه با کسانیکه د ر بارهٔ ادبیات افغا نستان معلومات دارند میباشم .

آدرس : نذیر احمد متعلم صنف یازدهم لیسه حبیبیه .

ازدنیای جوانان



آنهائیکه گفته اند دنـیـا ی جوانان دنیای عجیب و شگفت‌انگیز است ، خیلی بجا و درست گـفته اند . ز یرا این جوانان اند که بـا کار های خارق الـعا ده و عجیب خویش توانسته اند در محیط ، د ر خانه و بالاخره در زندگی خو یش واطراف خو یش تازگی ها و نـو آوری ها بیاورند که هرکدام آن به شکلی تحولی در زندگی‌شان‌بوجود آورده است که نشا نه از زند گی آنهاست ممکن است تحو لا تیکه در زندگی آ نها بوجود می آید گا هی هم مفید نباشد . بهر حال مقصد ما اینست که یك نفر جوان آ لـمـا ن با پروازی که از فراز یك قلعه‌قدیمی واقـع در شهر «هی‌شین گن» واقع در آلمان غرب نموده است چنا نکه در عکس دیده میشود با عث تعجب و حیرت همگان مخصو صا جوانان شده است .

این جوان توانسته است که‌فاصله نسبتاً زیادی را با آله ایکه بشکل کاغذ پـران است طـی نمـود ه.

البته باید گفت که آله مذکور ازتکهٔ پراشوت وسیخ‌آهنی ترتیب و تهیه شده است عجیب این جاست که‌این ورزش در بین جوانان طرفداران زیادی پیدا نموده و هر روز بـر تعداد آ نها بیشتر میگر دد .





زنیکه همپایه انیشتاین بود

بسیاری از شخصیت های علمی واکا د میك جهان بر این عقیده اند که بزرگترین دانشمند فز یك جهان خانم « چیان چیو نگ وو » می‌باشد این زن که در تحو لا ت دانش فزیك عصر اتم سهم‌بسزایی دارد ، در سراسر جهان از شهرت فراوانی بر خور دار است و تمامی دانشمندان بزرگ جهان از او به احترا م یاد میکنند و بزر گترین مجلات علمی جهان باعلاقهٔ وا فر وافتخار فراوان مهمترین صفحا ت خودرا برای درج نظر یات علمی و اکتشاف فیزیکی وی در ا ختیا رش میگذارند در حال حا ضر ، د ر محافل علمی ، این زن را با آلبرت انیشتاین و مادام کوری مقا یسه میکنند .

تاپیش از این ، مادام« چیا ن چیونگ وو» **پرو فیسورعالیمقا م پوهنتون کولمبیا واستاد بزرگ فزیك اتمی بود.**

بخت‌وپز

تخم‌رو ستا یی :

مواد لازم برای ۳ نفر :

یك دانه پیاز بزرگ ـ دو دانه بادنجان رومی ـ یکمقدار مکرونی ـ چهار تکه گوشت ـ چهار دانه تخم نمك ومرچ بقدرلازم واگربسیار شکم تانرا دوست دارید ٤قاشق غذاخوری نخودپخته ، تهیه کنید .

طرز تهیه :

پیازراپوست وخوردکنید. بادنجان رومی رانیز پوست وخورد کنید . مکرونی راپخته‌کنید. تکه های‌گوشت راکباب کنید تاخوب نرم شود، پیاز رادروغن داغ سرخ کنیدکه گلابی شود .

تخم مرغ هارابادوقاشق غذاخوری آبسرد بزنید مرچ ونمك بیفزائید . رویش‌نخود، بادنجان رومی‌ومکرونی بیاندازید ، بملایمت بپزید وسط آنرا هم شور بدهید واطرافش را باکارد بلند کنید که خوب خودرا بگیرد . بعدآنرابه مدت یك دقیقه روی آتش قرار دهید آنرا چهار قسمت کنید وروی هرقسمت یك ورقه گوشت قرار دهید وبعد ...

تهیه از :مریم محبوب

تفاوت سن‌زن وشوهر تاچندسال مناسب‌وقابل‌قبول است؟

تفاوت سن زن ومرد در موقع از دواج‌چند سال باید باشد. اگر دختر وپسر هم سن باشند آیابامشکلات مواجه‌میشوند.دره ورتیکه بپذیریم ازدواج مرد مسنتر بازن جوانتر پیوند استوار تری میان آنها بوجود می آورد این اختلاف سنی تاچند سال مجاز وقابل قبول است،

پاسخ‌این‌برشش هاتاکنون بدرستی ودقت‌روشن نبوده وهر صاحب نظری عقیده جداگانه‌ای‌داده است. اکثرروانشناسان وکار شناسان‌زناشویی تفاوت سن میان زن وشوهر را لازم دانسته وعقیده داشته اند که اگر مردچندسال‌بزرگتر از زن باشد از دواج آن ها دوام واستحکام بیشتری داشته اما باید واضع‌شودکه‌این‌تفاوت چه حدودی باشد آیا دوسال ؟ پنج سال؟ ده‌سال؟ و یا بیشتر ؟

یك روانشناسی مشهور فرانسوی به تازگی بابهره گیری از محاسبات مغزالکترونی موفق شده است فورمولی برای جواب دادن به این سوالات پیدا کندکه به عنوان یك‌کشف‌جالب مورد توجه قرار گرفته ومورد قبول عده زیادی ازدانشمندان واقع شده است.

فور مول پیشنهاد شده‌روا نشناس فرانسوی برای یافتن تفاوت ایده آل میان زن‌وشوهر بدین قرار است که میگویند

در این معادله منظور از (س.ش)سن‌شوهر ومنظور ر «سن ،ز» سن زن‌است وبه‌عبارت ساده تر اگر سن شو هر را نصف کنیم‌سن زن باید باافزایش عدد هفت‌به‌آن‌برابرباشد.

بطور مثال اگر سن مرد۳۰ سال است سن زن باید نصف ۳۰سال به علاوه ۷یعنی ۲۲سال باشد ویا مرد ۲۲ سال دارد سن‌زن باید ۱۱به علاوه ۷ یعنی ۱۸ باشد.

بدین‌قرار درسنین پائین دختر وپسر بااختلاف سنی کمترباید از دواج کنندوهرچه سن مرد بالاتر میرود، تفاوت سنی او بازن میتواند بیشتر باشد.

البته این فورمول برای تعین‌حد اکثربوده ونه‌جامعیت داشته ونه درمورد همه صدق میکند. بعضی افراد، از نظر قدرت جسمانی‌و انرژی جوانی، در شرایط بهتری قرار دارند وگروه دیگری پیرترو شکسته تر از سن واقعی شان به‌نظر میرسند که دراستفاده‌از فورمول متناسب سن آیده آل زن وشوهر معلوم خواهد شد .

فرستنده :سید احمدشاه شامل





بر نام طلاق خط بطلان بکشید چون

طلاق کلید بدبختی شما و کودك شماست

من حاضر نیستم زنم را طلاق بدهم

«توصیه میکنم به‌آنانیکه» بدخلقی میکنندوآتش نفاق وبد بینی را در بین خویش درگیر میسازند، انانیکه بهانه می طلبند،از خشم وستیزه در مقابل زن‌فرزند خود کارمیگیرند به شوهرانیکه با کوچکترین سهو وخطای همسرانشان آن‌هارا باذکر کلمه طلاق شدید میکند»

مقدمه را که مطالعه کردید موضوعی بود از لابلای نامه یك مرد با تجربه، این شخص در نامه خود از جنگ‌های زن وشوهر برای مازیاد نوشته از تجارب خود مطالبی تحریر داشته این شخص که خودرا ازمامورین رسمی یکی از وزارت خانه ها معرفی کردند برای مابعد از یك سلسه مقدمه چینی اینطور مینو یسند.

من مردی با تجربه ای هستم اگر چه از کار رسمی خود چندان تجربه‌ای حاصل نکرده‌ام اما در مو ضوعات‌فامیل تجارب‌زیادی‌اندوخته‌ام تقریبا پنجاه و پنج‌سال ازسنم‌میگذردزمانیکه هنوز دست راست وچپ خود را نمی شناختم ونانخور دسترخوان پدر ومادر بودم سرم‌را به دستمال پیچیده برایم زن گرفتند تاموقع تولد اولین فرزندم به خانه پدرم نان خور بودم نشیب وفراز زندگی من وهمسرم دابی حد دچار مشکلات ساخته بودن بی پولی نبودن زمینه مساعد ، زندگی آرام وداست نبودن وسایل کافی برای رشد دماغی وجسمی کودکم وامثال آن ها پرابلمهای بود که‌من وخانم باآن مواجه شدیم اما از آن‌جائیکه توافق روحی بین من و خانم حکمفرما بود توانستم با همه مشکلات زندگی دست‌وپنجه نرم کنیم‌وبه‌جنگ ناملا یمات برویم‌دوطفل بدنیا آمدند من هنوز بیکار در خانه بودم‌اما خوشبختانه زنم دست دوزی را خوب‌بلدبود ومیتوانست که روز های فراغت را بادوخت سپری کند وهم یك مقدار پول برای خود بدست بیاورد به هر ترتیب..

بعد از سپری شدن چندسالی من شامل کار شدم وتوانستم نا بسمانی های زندگی را باپول جبران نمایم ،اطفالم روز بروزبزرگ وبزرگتر میشدند اما باید عرض کنم که‌در طول همین مدت جنگ وجدال وکشمکش خانواده گی ابدا در زندگی زناشوهری ماراه نداشت وبرعکس احترام متقابل بین خانه‌ما به‌صورت حسن حکمفرما بود همسرم همیشه‌به من احترام قایل بود وتاحد توان کوشش میکرد که من هیچگاه به مشکلات زندگی اندیشه نداشته باشم. وبه همان پیمان‌زندگی قناعت کامل داشت.

اگر آب میخوروم او همچنان آب میخوردم وسکوت میکردتا این که ... بلای آسمانی بالایم نازل شد طوریکه در بالا گفتم شامل کار شدم وپول چند پس انداز کردم در محلیکه کار میکردم دختری بود. بلند اندام وخوش سورت حرکاتش طوری بود که هر بیننده را به خود جلب میکرد خلاصه هر چند کوشش کردم که از او دوری بجویم اما امکان نداشت تااین که من بکلی تحت تاثر او قرار گرفتم وهمان بود که محیط‌گرم خانواده گی ما دستخوش تصادمات شدمن بکلی عوض شدم درقدم اول شروع کردم‌به غالمغال ولت وکوب اطفال معصوم وبالاخره کار به جائی رسید که خواستم زنم را طلاق بدهم زنم بابزرگواری که داشت‌قبول کرد با آه وناله فراوان دوطفلش را گرفته از من کناره جست چندروزی گذشت مادو از هم جدا شدیم ولی چه باید عرض کنم که وقتی همسرم واطفالم مراترك گفتند بدبخترین روز های زندگی به سراغم آمد .

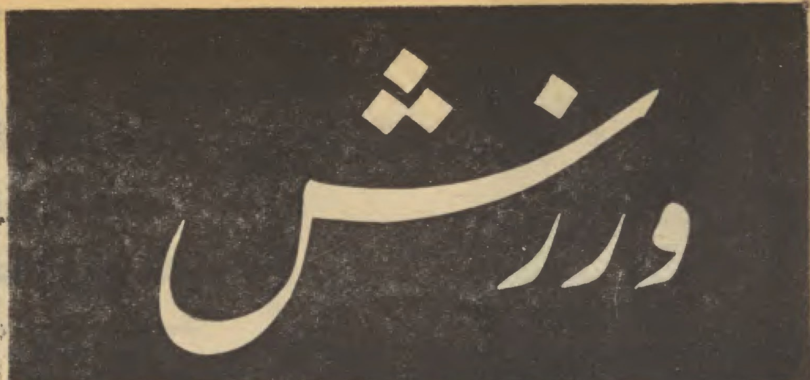
پشیمان بودم سخت نادم شدم دوباره برطرف همسرم برگشتم واو بابزرگواری خویش دوباره مرا بخشید اکنون خوشوقتم که‌زنی مثل او دارم شماهم کوشش‌کنیدکه زندگی تا دستخوش نا ملایمات نشود .

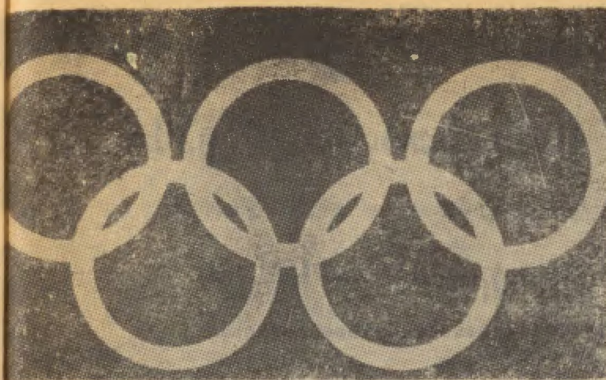
م، از سرای غزنی

عکسها ومودها









دیدوبازدیدهای ورزشی

این هفته ما اخبار جالبی از جهان ورزش داریم‌که متشکل ازمسا فرت تیم والیبال جمهوریت مردم چین به کابل مراجعیت تیم های والسیبال و باسکتبال وفوتبال بوطن وهمچنا ن اشتراك تیم های پهلوانی واتلتیك افغانی در بازی های آسیایی است.

به اساس پرو گرام کلتوری بیـن دولتین جمهوریت افـغا نستان و وجمهوریت مردم چین پس از مسا- فرت تیم فو تبال افغانی به کشور دوست ما چین هیات والیبا لیستان جمهوریت مردم چین بکابل مسافرت نموده ودر مدت اقامت خویش بـــا تیمهای افغا نستان بانك، نادرشا ه مینه ،پوهنتون کابل قوای هوایی و منتخبه کبل مسابقات دوستا نه‌انجام دادند که در آشنایی بیشتر جوانان ورزشکار میان مملکتین خیلی موثر ومفید بود .

هیات طی اقامت خو د در کا بـل دید وباز دید های موثری بـــا ورزشکاران افغانی انجام‌دادند که‌در تشئید مزید روابط میان‌مردمان‌هردو کشور خیلی موثر میباشد .

با این مسابقات سومین بار یست که تیم منتخبهٔ والیبال در ظـــر ف همین سال باتیم های خـا رجـی مسابقاتی انجام می د هند کـــــه ما نتیجهٔ مثبت آنرا هرگز ناد یده گرفته نمی توانیم ومعتقد هستیم که این مسابقات در بهترشدن تکتیك وتکنیك بازی های شان رول عمدمرا بازی مینماید .چون ما به استعـد اد ذوق، لیاقت فهم ورزشکاران خ ود بخوبی واقف هستیم خوشبختا نه ما در سراسر کشور بهترین ورزش کاران درهر رشته خصوصاوالیبال داریم زیرا این بازی تنهایك جا ل بکار دارد ویك میدان کوچك کـــه تدویر آن در هر نقطهٔ مقدور ومیسر استازینرو دایرکردن یك‌تیم‌والیبال کاریست بس ساده ولی با آنهمه ذوق سرشار واستعداد‌کافی که‌میان جوانان خود سراغ داریم تا هـد ت ها هیچ از آن تقدیر نمـی شد ودر مورد رهنمایی ایشان کدام اقدا مـی صورت نمی گرفت تا بالاخره دولت جمهوری باتوجه خاصی کـــه دارد متوجهاین تقیضه گردیده وورزشکا- ران رامورد تشویق ورهنمایی قرار داد که از آن جمله والیبا لیست ها نیز میباشند همانطور یکه گفتیـــم با ذوق وعلاقهٔ که به این ورزش در میان مردم حتی در دور ترین نقطـ کشو ر می بینیم متیقن هستیم که روز گاری در همه ساحات‌عموماودر رشته والیبال مخصو صا بهترین‌تیم ها که بسویهٔ جهانی باشند خواهیم داشت ویکبار دیگر ،این‌دید وبازدید های ورزشی را تقدیر نموده وتوجه ریاست المپیك را درین مورد آرزو مینمائیم .



مسابقات تیم والیبال جمهوریت‌مردم چین با تیم های والیبال کابل در چندین جا صورت گرفت که‌یکی آن در غازی ستد یوم بود

مترجم ع(غیور)

دورزش تر بیوی ماهیتو نه

دژوندانه په ټو لو دو ر و کښی اوپه تیره دوړکتوب او ځوانی په مرحلو کی ورزش اوبدنی روزنه دار گونیزم دتدر یجی ودی او تکامل پاره یومهم او ضروری عنصر بلل کیږی .

په داسی حال کښی چه اوس دورزش او بدنی روزنی دتمریناتو د اجرا کو لو اوسر ته رسو لو دپاره نوی شرایط او امکانات درا منځ ته کیدلو په حال کښی دی گورو چه ورزش او فیزیکی تمریناتو تر بیوی ماهیتو نه همد ورزش دماهرانو دزیاتی پاملرنی وړ گرځیدلی دی او د۱۹۷٤ کال دشروع څخه را په دیخوا په تربیوی اړخونو کښی د کوچنیانو دورزشی استعدا دونو دروزلو دپاره په یولړ نوو تربیوی



په گروپی توگه دکوچنیو ورز -شکارانو دتربیوی تعلیما تو یوه ننداره

ابتکاراتو پیل شویدی. دماهرا نو دورځنیو څیړنو او تجربو له مخی د ورزش او فیزیکی تمریناتو په تربیوی اړخونو کښی یوزیات شمیر عوامل آغیزه لری چه هغوله جملی څخه دورزش او فیزیکی تمریناتو تنوع، **دورزشی لو بو وسیلی او** سپورټی ډگرونه اود ورزش او فیز یکی روزنی نوی طریقی دذکر وړبلل کیږی **د ماهرانو طریقی دذکروړبلل** یکنواختاوبه پرله‌پسی توگه‌یو ډول ورزش نه یوازی سترتیا راپیداکوی بلکه په عمومی توگه دورزشکارانو استعدا دونه هم شنډوی اوپه تیره دوړکتوب او کوچنیوالی په دوره‌کی باید دسپورت دتنوع اود سپورتی وسایلو دښکلا عامل باید هیڅکله هیر نه‌شی .

ددی له پاره چه دورزش دتر -بیوی اړخونو سره څه ناڅه‌مرسته اوکومك شوی وی شوروی ماهرانو عقیده څرگنده کړیده چه دورزشس دانکشاف اوپه **تر بیوی اړخونو کی** دهغه دودی او تدریجی تکامل دپاره یوه غوره لاره داده چه‌د وړکتوب په دوره کښی دورزش‌تربیوی ماهیتو نه تثبیت او وټاکلی شی اوبیاوروسته دطبیعی زکاوت دبه نظر کښی نیولو سره دورزش ډولونه وټاکل شی.

دغه راز دورځنیو تجربو له‌مخی اقلیمی شرایط هم‌په وار سره د ورزش او بدنی روزنی په تربیوی ماهیتونو باندی ستره آغیزه لری‌او باید وویل شی چه لاتر اوسه پوری داقلیمی شرایطو له نظره دورزش‌او فیزیکی تمر یناتو تربیوی ماهیتونه په علمی او مسلکی په ښه توگه څیړل شوی نه‌دی اوبه دغه برخه کښی دسپورت او ورزش دپوهانو له‌خوا څیړنی روانی دی .

په‌شوروی اتحاد کښی دور زشی ماهیتونه دڅیړلو، درجه بندی او تثبیتولو دپاره په ځانگړی توگه تربیوی مرکزونه شته دی چه د ښوونکو ترڅارنی لاندی کوچنیانو ته‌د راز راز ورزشونو لوست اوزده کړی ترسره کیږی. ویل شویدی‌چه دفیزیکی تمریناتو تنوع‌اود ښوونکو روش اوسلیقه په تربیوی ماهیتونو **باندی مهم نقش لری، که‌چیری په** ډله ایزه او گروپی ډول دورزشس تربیوی پرو گرامونه تر تطبیق‌لاندی ونیول شی غوره نتیجی به ورڅخه ترلاسه شی خوپه عین حال کښی دډله ایزو ورزشی تمریناتو دپرمخ وړلو دپاره‌دښوونکو ورزشی استعداد **او دغه راز دتشویق عامل د زیاتی** پاملرنی وړبلل کیدای شی. اوس‌د مسکو په ښار کښی دورزشی استعدادونو دتثبیتولودپاره دورزشی ماهرانو هلی ځلی روانی دی .

(دا،پ،ن له خپرونو څخه)

از منابع شوروی

قهرمانان جهانی



در تصویراین دو قهرمان را موقع اجرای یکی‌از مشکلتر ین قسمت مسابقه را می بینید.

هفت سال است که‌لود میلا پخومو اوالکساندر گرشکوف در مسابقات قهرمانی بازی روی یخ اشتراك می نمایند ودرطول این مدتی که‌در مسا بقات اروپائی وجهانی حصه گرفته اند کلسیون بزرگی رااز مدال های درجات عالی جمع آوری نموده اند.

درمسا بقات قهرمانی جهانی سال ۱۹۷٤ که‌بازی های روی یخ‌درشهر مونشن صورت‌گرفته‌بود میلا پخوموا والکساندر گرشکوف بر ا ی پنجمین‌بار برنده‌مدال طلایی‌گردیدند این دوقهرمان راباهم زن وشوهر نیز میشوند به آمادگی مسا بقا ت المپیا در اتحاد شوروی میخوا هند پخومو او الکساندر گرشکوف برای آماده شدن در مسابقات المپیا که‌در سال۱۹۷٦صورت میگیرد‌آغاز نموده اند زیرادرپروگرام‌دوازده‌همین مسابقات المپیك برای اولین بار بازی روی یخ‌شامل گردیده است. **سازمان ورزشی اتحاد شوروی در نظر دارد که پرو گرام جد ید** یعنی هشتمین پرو گرام بازی های روی یخ باهیچکدام از با زی ها ی قبلی شان شبا هتی نداشته باشد .



این زن وشوهر همیشه یکجا به تمرین میپر دازند .

مردی بانقاب بقه

تااینجای داستان :

گنتر مامورلایق‌پولیس‌به تعقیب‌سازمان بقه‌ها زندگی‌اش‌راازکف‌داد. الك معاون کمیسر پولیس به‌تشویق دیك گاردون به تعقیب مایتلند‌پیر که‌مردمرموزی‌است‌میبراید. رای‌بنت جوان که‌نزدمایتلند کار میکند، به‌اثر تشویق لولا بسانو اپارتمان لوکس به‌کرایه گرفته می خواهد به‌خدمت خودنزد مایتلند پیرخاتمه دهد وتلاش خواهرش برای ادامه کار اونزد ماتیلند به کدام‌نتیجه نمی رسد واو را ترك میکند دیك ازطرف وزارت خارجه انگلیس‌مامور حفاظت یك سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی‌بطرز اسرار آمیزی به سرقت‌میرود با تحقیقات پولیس هاگن‌مدیرکلپ‌هیرون گرفتار میشود. اما هاگن بطرز عجیبی فرار میکند واکنون‌پولیس به اثر اشتباهی که دارد بکس هایی‌راکه مراجعین درشعبات‌حفظیه استیشن های ریل به امانت می سپرند در دفتر مرکزی تفتیش‌مینماید. در اثنای تفتیش بمبی در دفتر پولیس منفلق میشودواینك‌بقیه داستان.

جانسن پاسخ داد: این رانمی‌دانم شاید همینطورباشدکه شمامیگویید. منظورم اینست که بخوشی حاضرم اوراکمك کنم. چندین کار دیگری‌هم هست که کمتر بااهمیت میباشد وشاید طوریکه شما میگویید رای نخواهد دفعتا یك چنین کار پر مسئولیتی راقبول کند.

دیك نظر قطعی‌اش راابرازداشت: یقینا نمی خواهد بار مسئولیت به این بزرگی رادفعتابدوش خودبکشد.

الك اظهار داشت: به نظر من مشکلترین کار برای مانجات رای بطورکلی ازچنگ سازمان بقه ها می باشد یك بار یك بقه، همیشه بقه. واین آقای نمبریك که دست روی دست وچهارزانو نشسته، سرانجام سقوط خود رابه چشم سر خواهد دید. مااورا گرفتار خواهیم کرد. **امروز صبح ما شاهد یك‌حرکت** جنایتکارانه آنها وسوقصد شان **نسبت** به جان جانسن به روی خیابان بودیم. آنها میخواستند جانسن رابه ضرب گلوله از پای در اندازند.

دیك لب‌ نی راازگوشهٔ دهانش دور کرده حلقهٔ غلوی ازدود آبی را بهوا فرستاد و سپس اظهار داشت: بقه میدان راباخته ومشتش باز شده است. یگانه سوالی که باقی مانده اینست که برای خاتمه دادن به این بازی کدام راه بهتر خواهد بود. بالدر دستگیر شده وهاگن درزندان بسرمی‌برد. لیوبرادی یکی‌از اجنت های بانفوذ بقه کشته شده ولولا ...

الك گفت: لولارفته است. او امروز صبح عازم ایالات متحد امریکا شده جوشابراد امکانات مسافرت لولاراتوسط کشتی به امریکا فراهم ساخت. باین حساب تنهاشخص بقه باقی میماند وسازمانی که او آنرا اداره میکند. بمجردی دستگیر شود باتمام تشکیلاتش درهم می پاشد و کلیه اعضای باندش تسلیم خواهد شد.

درهمین لحظه جان بنت نزد آنها برگشت وبه این ترتیب موضوع صحبت تغییر کرد. چند لحظه بعد جانسن خداحافظی کرده رفت.

دیك پرسید: آقای بنت، شما به ایلا چیزی نگفته اید؟

— درباره خودم؟ نه چیزی نگفته ام. مگر لازم بود چیزی میگفتم؟

دیك به آرامی گفت:

تصور نمی کنم. بنظرمن بهتر است بگذاریداین موضوع به حیث یك سربین شما وری باقی بماند. من مدتها پیش این موضوع را میدانستم. درهمان روز که الك بمن گفت شمارا در استیشن ریل کیگ کراس دیده بود ودر همان روز سرقتی هم بوقوع پیوست من دریافتم که درهمان روز یکنفر رادر زندان یورك به دار آویختند. من بخودم زحمت داده درستون های مخصوص وقایع جنایی روز نامه ها وجراید به جستجو پرداختم و سر انجام دریافتم که قرار ادعای الك **هربار‌غیبت شماباسرقت‌ودزدی همراه میبود.**

اما همیشه درطول یك سال‌آنقدر دزدی وسرقت درانگلستان بوقوع می پیوندد که اگراین تصادف رخ نمیداد، عجیب می نمود. اما اتفاق های دیگری هم واقع میشد. در روزیکه قتل درجبلی کاپس رخداد، شما درگلاسستر بودید. و درست درهمان روز ویلبس قاتل هر فورد به دارزده شد.

جان بنت سرش راپایین انداخته باتردد اظهار داشت: پس شما میدانستید وباز هم ....

دیك باسر اشاره ای نمود وبالحن دوستانه ای گفت:

من ناکامی تمام پلان های شما را برای یافتن یك کار آبرومند وشغل **مناسب میدانستم. و هم متوجه** ناراحتی‌شمابودم که چنین شکل دهشتناکی را قبول کرده بودید. شما درنظر من مجری قانون می آمدید نه‌بیشترونه کمتر از شخص خودم که‌بسیاری مردم را تابه روی چوکی **برقی کشانده ام دهشتناك نبودید** شماکمتر ازیك قاضی ناپاك نبودید که اشخاص را محکوم‌میکند ودرپای ورقه حکم اعدام محکومین امضاء مینماید ما همه ابزار وسامانی هستیم برای بر قراری نظم.

ایلا و پدرش آنشب را در هارلی تریس مانده، فردا صبح عازم استیشن پادینگتن شدند تا رای‌را درآنجا ملاقات نمایند.

دیك‌از آنها همراهی‌کرد‌الك اظهار داشت: امابنظر من بسیار جالب می آید که‌نه‌شما و نه من بنت را درست می‌شناختیم.

دیك گفت: چگونه باید او را می شناختیم نه تو ونه من هنگام‌اجرای حکم اعدام‌محکومین حاضر میبودیم وقاعده شخصی که اجرای حکم اعدام رابعهده میداشته باشد وهویت جلادان مخفی میماند و حال اگر او میخواست از خود حرف بزند، اوبه شهرتی کاذب وقابل اندیشه ی‌شاید میترسید. بنت از مواجهه شدن با ذهنیت عامه رم میکندو حتی ازظاهر شدن در استیشن های ریل شهر های که محکومین اعدام میشد دوری **میجست. او عادتاً دریك ازاستیشن** های‌قراء نزدیك شهر مورد نظر از ریل‌پیاده میشد وباقیمانده فاصله راپای پیاده میرفت وخود شرا به محل کارش میرساند.

سر محافظ زندان‌گلاسستر بمن گفت که او همیشه نیمه شب یك شب‌قبل از اجرای حکم اعدام‌خودش را به‌زندان می رساند. هیچکس‌آمدن ورفتن او راندیده اند.

—اما مایتلند پیر غالبا جان بنت رامی شناخته است.

دیك باسر اشاره کرد. به احتمال قوی آری. مایتلند مدتی را درزندان بود وامکان دارد که بعضی از زندانیان صاحب امتیاز میتوانستند جلاد راببینند و بشناسند. منظور من اززندانیان ممتاز کسانی‌میباشند **که بعلت رفتار خوب شان بازندانیان اجازه میداشته باشند** درمحوطه زندان آزادانه‌گشت وگذار کنند. مایتلند به ایلا گفته بودکه‌او مدتی را دریك سوراخ گذشتانده واین به‌عقیده من بهترین تعریفی برای‌حبس بودن خودش بوده است تمام مکاتیب رسمی برای بنت‌به‌دور کینگ میرسید، جایی که او یك اتاق رابرای تمام طول سال به کرایه گرفته بود. مسافرت های اسرار آمیزاودرشهر برای مردم مرموز جلوه نمی نمود. زیرا آنها **نه شکل‌اورادیده ونه‌نامش‌راشنیده** بودند.

وقتی الك شام به هارلی تریس آمد ودیك‌رادر آنجا ندید دچارحیرت شد. پیشخدمت اطلاع‌داد که صاحب پس از استراحت مختصر لباسش راعوض کرده وبدون — گذاشتن پیامی بیرون رفته بود.

دیك معمولا به تنهایی به گردش نمی‌رفت والك نخست اینطور فکر

کرد که شاید دیك به هواسها مرفته باشد الك به‌بستر مستر یح د یـك نظر اندا خته بفکر استرا حت افتید امانمی خواست بدو ن دید ن ملاقات کردن با آمرش به منزل بر گردد . بنابر این به‌اتاق کار دیك رفته‌روی آرام چو کی دراز کشید و تقر یبـا بخواب رفته بود که کسی آ هسته‌به شانه اش زد. الك چشمها یشرا باز کرد و دیك را در مقابل خودایستاده دید.

الك باچشمها ی خوا ب آ لـود اظهار داشت : شما می‌خوا هید تمام شب را دربیرو ن از منـــزل بگذرانید ؟

دیك در جوابش گفت : مو تر من دم‌دروازه ایستاده است بالا پو شی خودرا بردارید وبامن بیاییدمامیرویم الـــك در حالیکه فاژه میکشید به ساعت نگاه کرد اعترا ض‌کنان گفت: او درین سا عت شب در بستر ش غنوده است.

دیك جوابداد : امید وار م همین گونه باشد اما من ترس دارم ز یرابه من‌اطلاع رسیده که درسا عت ۹شب بقه بزرگ را در خیابا ن های - هواسها م دیده اند .

باشنیدن‌این مطلب الك کا ملا بیدار شده بود بانگاه تعجب انگیز ی - پرسید.

-این مطلب را از کجا مـــــی دانی؟

دیك جوابداد : تما م شب مراقب اوبودم .اما او از چنگم فرار کرد .

الك آ هسته تکرارکرد: شمـــا بقه بزرگ را زیر نظر گرفته بودید؟ مگر شما اورا می شناسید؟

دیك جواب داد:من او را از یـك ماه‌به اینسو می شنا سم.

تفنگچه خودرا هم بردارید .

یگانه خو شبختی که در زند گـی باخوشی های دیگر قابل مقا یسه‌نمی باشد، **زمانی به انسان دست مـی دهدکه یکی از وابستگان نزدیك از** خطری وارسته به سلا مت نزد مابر گردد.

رای بنت در پهلوی پدر ش‌نشسته بانشا ط وسعاد تمند مینمو د و از خوشحالی بسیار سر از پا ی نمـی شناخت. برای او مثل رویا بود و باورش نمی آمد که باز هم در یـن نشیمن خوش هوا با پرده های‌مقبول اش بنشیند وبوی عطر خفیف‌لاوندل بخاری بزرگ دیو اری و کلکین های نکلی آنرا دوباره ببیند وخوا هـ ش **ایلا در کنارش بنشیند.**

تو فان باآن که‌بـه شـد ت بـــه شیشه های کلکین میخورد به‌آرامش وراحت ایکه در منزل حکمفر ما بود عظمت بیشتر میبخشید . هر لحظـه دست به صور ت تراشیده وصا ف خود در میکشید و بارو ش نمی آمد این دست کشید ن بصور ت یگانه دلیل محکم برای آن بشمار میر فت که‌بیدا ر است واحساس اوبه دنیای **واقعیت ارتباط‌دارد.وقتی ایلاچاینك** چای جوشا ن را آورد جان بنت بـه پسرش گفت : پسر برو چو کی‌خود را بیاور.را ی محتا طانه از جا یش برخاست ویك چو کی و ینسرا د ر جایی ماند که همیشه در آنجا مـــی بود.به طر ف راست پد ر شـــــ گذاشت.

جان بنت پشت میز نشستـــه خودشرا کمی به پیشرو ی خم کرده بود. جان بنت سا لها هنگام صر ف **غذا خودشرا همینطور قرارداده‌ودعا** میکرد اما رای همیشه پدر را در ین کارش **مسخره میسا خت. اما حال** برای او این دعا خواند ن کیفیـــت خاصی پیدا کرده د لش از شو ق می‌تپید.

برای تمام نعما تی که بما ارزا نی داشته ای ازتو سپاسگذ اریم.

غذای عالی بود بسیار با مزه تر **ازاهر وقتی که‌در کلوپ هرون می خورد. وهم بمراتب خوش خورتراز** غذا های بود که در آن رستور ا ن قیمتی بالو لا صر ف میکرد . ر ای کارد وپنجه را گذ اشته در حا لیکه تبسمی بر لب داشت به عقب تکیه کرد وبه بسیار ساد گی گفت :

خدارا شکر که در منزل هستـم پدرش از زیر میز دست او را بـــه **سختی فشرد که‌رای احساس درد** نمود.

جان بنت خطا ب به پسر شـــــ **اظهار داشت: جانسن تصمیم گرفته** آمریت شر کت مایتلند رابتو واگذار شود.بلی او اینطور تصمیم دارد . پسرم نظر تو درین باره چیست ؟

رای سر ش راشور داد ه پاسخداد من‌برای اداره شر کت مایتلند همان قدر مناسبم مثل آنکه ریاست با نك مرکزی انگلستا ن رابمن واگـــــذار شوند.

در حالیکه لبخند خفیفی میز د به حرفش ادامه داد: نی پدر تو قعات من امروز مثل دیرو ز زیاد نیست‌و میل ندارم در زنده گی راه اغرا ق‌و مبالغه را در پیش گیرم.

تصور میکنم یك زندگـی آرام و مطبو عی در منز ل برای خود م بـــا کندن‌وجمع آوری کچا لو از مز رعه **فراهم سازم راستی کار در مزرعـه** راتر جیح مید هم وبانها یت خوشی این کار را میکنم.

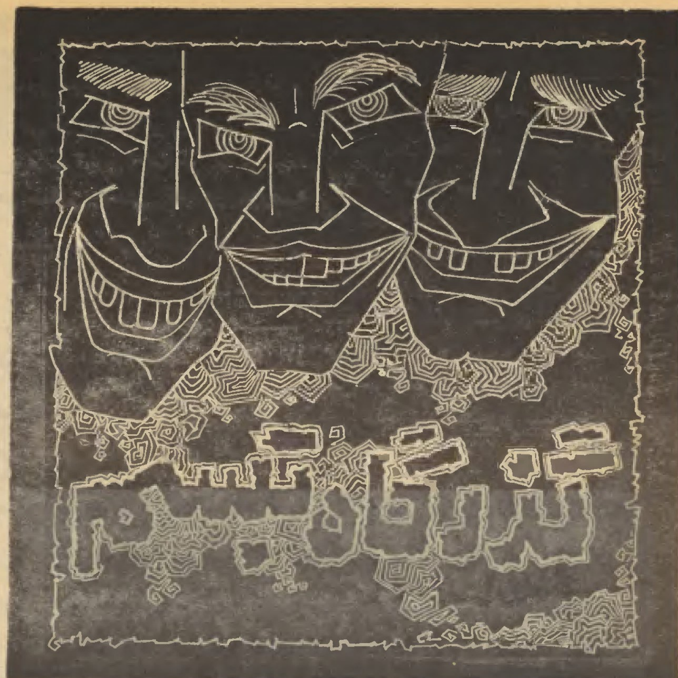
بیرمرد متفکر انه به روی ســـر میزی خیره مینگر یست . و پس از لختی تفکر اظهار داشت :

من یکنفر معاون برای فالمبرداری های خود ضرور ت دارم البته د ر صور تیکه مطابق نظریه سلینسکـی **درآینده هم نتایج وثمرا تی دا شته** باشد ودر خلال آن و قتی ایلاعروسی کرد تو میتوانی به‌جمع کرد ن‌کچالو **هم بپر دازی.**

رای متعجبا نه بسو ی خواهرش دیده پرسید : ایلا وا قعا عرو ســی میکند؟ آنگاه بسو ی خوا هر ش دو یده اورا بو سیدوبه‌ایلاگفت:خوا- هر خوشحا لم که اتفا قی که بر ای من افتاد ترا متضرر نسا خت.

ناتمام





ترجمه ژرف بین

رسم و رواج کهنه

ویتیا گر بیسوف بعد از فراغت انستیتوت به این شهر آمد وفورا مجذوب او شد .در فابریکه ایکــه گماشته شده بود همه چــیز را مطابق ذوق خود یافت زیرا بصورت کلی کسانیکه چرخهای این فابریکه را به دوران می انداختند همه مانند ویتیا جوان ،خوش صحبت ومزاجی بودند .پس از چند روز او با همـه شناسایی حاصل نمود، حتی گالیه منشی پروگرام های فابریکه او را به سالگره تولیدی خود نیز دعوت کرد .وگفت که‌روز پنجشنبه ساعت شش منتظر شما هستم .

ویتیا پوره‌ساعت شش‌شام حاضر شد گالیه او را به بداخل اپارتمان دعوت نمود ودستهٔ گلی را که باخود آورده بود از ویتیا گرفت ودر یکی از گلدان های قشنگ کریستا لــی گذاشت ویتیا گفت : گلدان زیبا ئی است .

گالیه مثل اینکه این سخن نفس تازه ای به‌اوداده باشد باوجد خاصی گفت :

— خوشت آمد ؟ آنرا بردار ازتو باشد .در شهر ما عادت است که از هر چه مهمان تعریف کند مالکش میشود .

ویتیای جوان از حرفش خجالت کشیده گفت :

— چرا ؟ برای چه ؟ این چه‌حرفی است که شما میزنید؟

گالیه از حالیکه چشمانش را چند باری سرعت باز وبسته کرد بـــا لبخند خاصی گفت :

—رد کردن آن کار درستی نیست ازین علت شدیداآزرده خواهم شد.

وبدین ترتیب ویتیاوقتیکه ازخانه می بر آمد تحفه‌ای زیر بغل داشت . میخواست جای دیگری برود و لی گلدانی که‌دردست‌داشت مزاحمش بود یکر است‌بطرف منزل روان‌شد.

روز دیگر ویتیا در مهمانی سر میخانیك فابریکه اشتراك جست که هنگام خروج شش‌جلد کتب‌سروانتس رازیر بغل داشت ودر پنجشنبه دیگر همینکه از منزل میخا نیــك شنور کوف برون شد بسته ای از ظروف چینی در دست معلوم میشد.

روزی بعد از ختم کار ریابـو ف یکی از منظمین فابریکه رو به ویتیا کرد وگفت :

— بیا امروز بخانه ما برویم و در پروگرام رنگه تلویزیون کــنسر ت جالب دور ژك راکه‌پیانو می نوازد تماشا کنیم .

—باکمال میل.

به منزل ریابوف آمدند و پس از مدت ده دقیقه تماشای پروگـــرا م کنسرت در تلویز یون ویتیا خسته شد وگفت :

— چه تلویزیون قشنگی دارید .

منتظم فابریکه سخنش را با تکان سرتصدیق کرد ،مثل ایـــنکـه هیچ حادثه‌ای اتفاق نیفتاد ه‌باشد به تماشا کردنش ادامه داد .

مهمان فکر کرد که شاید پروگرام تلویزیون واقعا سرگرم کننده است وبه سخنی که من گفته ام متوجـه نشداز اینرو پس از ختم پرو گرام دو باره گفتهٔ اولی خود را تکـرا ر کرد :

— شماچه تلویزیون‌قشنگی دارید.

ریا بوف تائید کنان جـــو اب داد .

— بلی بسیار مقبول است .

— من هم همین‌را گفتم وتلویزیون شما خوشم می آید .

— بسیار عالی کار میدهد .

ویتیا خیلی ناراحت شد وبا خود گفت «این چه آدم نادان ونفهمی است.»

— تلویزیون شما خیلی ها زیباست ،لاکن احتیاط کن‌که برسم‌قدیمه آنرا بمن تحفه ندهی رنگه اش خیلی ها تیز وزننده است .

— ناراحت نشوید آنچه را کـــه تحفه گرفته اند هدیه نمی کنند .

— چه چیزی را تحفه گرفته اند؟

— تلو یزیون را میگو یم همیـــن تلویزیون را به من داده اند .

— چطور تو میتوانی ثابت کنی‌که این تلویزیون را نخریده ای ؟

— ومن حتی در فکر ثابت کرد ن آن هم نیستم زیرا تمام شهر مـی دانند که‌در تمام زندگیم جنسی را متعلق به من است خریدار ی‌نشده است . وتما م‌آن اجناس تعریف و توصیف شده است که توسط مـن صورت گرفته .

ویتیا فریاد زد :

— همهٔ شهر میداند ولی من نمی دانم !

من انسان مسافری هستم .وبرای آخرین باربرای شما میگو یم کــه (تلویزیون شماخیلی‌ها مقبول ومورد پسند منست) ....

ویا اینکه به‌پولیس‌اطلاع می‌دهم.

ریابوف نیز فریاد زد .

— اطلاع بده ! او خودش شاهد است که این تلویزیون را مـــن در منزل یکی از همکاران صفت کردم و گرفتم .

ویتیا با قهرو غضب در را بروی ریابوف زدو از منزلش بیرون شدو تا امروز دیگر حتی با او سلام‌علیکی ندارد .

آیا ممکن است انسانی را که به عادت ورسوم همیشگی وقعی‌نگذارد احترام کرد ؟



زن: مهمان بکار دارید

گرفتاری عجیب

دو دوست بهم بر خورد کردند یکی از آنها رو بدیگری کرد وگفت

ــمن گرفتاری عجیبی‌پیدا کر ده ام !

ــ گرفتاری تو چیست ؟

ــ هیچ ... زن من خیال میکند چوب لباس است .

ــ خوب چرا طلاقش نمید هی .

ــاحمق ا گر طـلا قش بد هـم آنوقت لباس هایم‌راکجا آویزان‌کنم

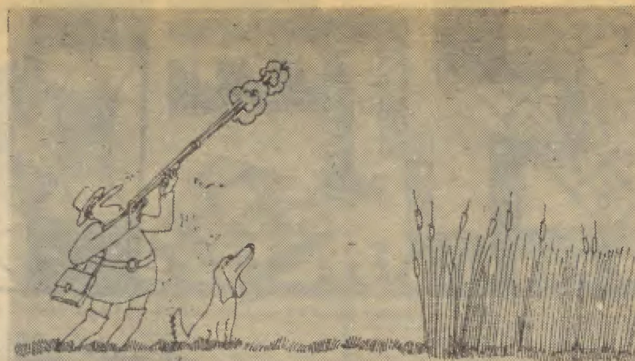
در تکزاس

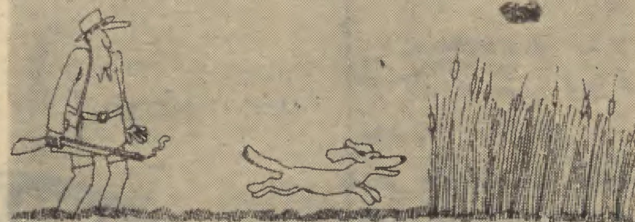
یکی از تفنگچه کش های تکزاس پس از خوردن مشروب زیـاد در حالیکه سرش‌گیج‌میر فت ازرستوران خارج شد ، اما هنوز چند قدمی بر نداشته بود که ناگهان کنترول از دستش رفت وپای تفنگچه کـش بروتی را لگد کرد ... تفنگچه کش لگد خورده که حسابی عصبانی شده بود یخن هفت‌تیرکش اولی‌راگرفت‌و یك مشت حواله چانه‌ش کر د ... وسترن که همه چیز را دوتا میدید فریاد زد : نا جوان ها ... چـرا میزنید آخر چند نفر به یـك نفر برابر.

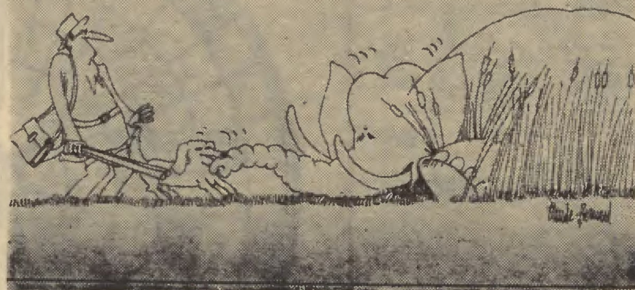
شیر یخ

مادر کلان، دوسکه پنج سنتی به نوه کوچك خود داد وبه‌او توصیه کرد که‌یکی از آنها را برای خـود شیریخ بخرد ودیگری را در کلیسا به صندوق جمع‌آوری‌اعانه مخصوص خیریه بیاندازد ولی‌پسر کوچك‌وقتی از مقابل شیریخ فروشی‌می گذشت طاقت نیاورد وبا هر دو سـه دو شیریخ خرید در بین راه ،نا گهان یکی از شیریخ ها لغزید وبزمین‌افتاد ... پسرك آهی کشید وگفت :

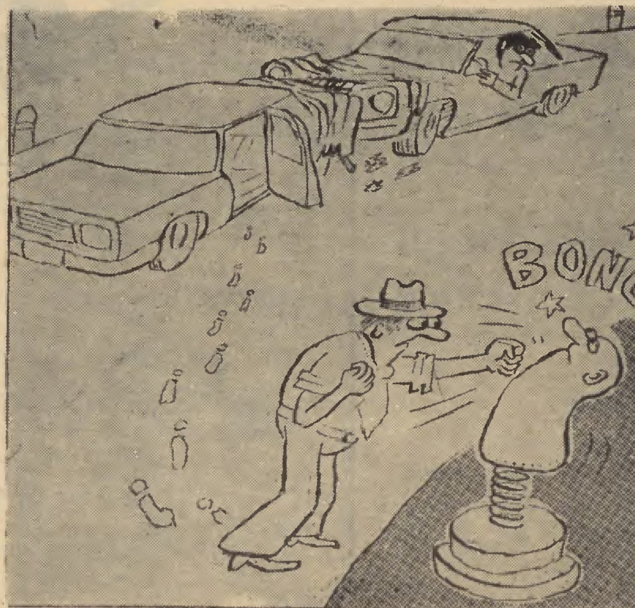
ــوای خداجان ... بستنی خیریه از دست رفت .!







از بالا به پائین بدون شرح



چرا اینقدر ایجاد مزا حمت‌میکنی..؟ پی بگیر

این جهانگردان

جهانگردی برای دوستش تعریف میکرد .

ــ بلی ... روزی من در افریقـا در چادرم نشسته بودم که ناگها ن شیری در مقابل من‌ظاهر شد وچون تفنگ در دستر سم نبود یك سطل آب روی پوزه اش ریختم

دوستش گفت :

راست میگو نید ... همان‌روز من در افریقا بودم وهمان شیر را دیدم که آب از پوزش می چکید ودر بدر به دنبال دستمال می گشت

خوراك مرغ

اندو تازه باهم ازدواج کرده بودند.. هنگام ظهر ،وقتی تازه عروس‌خوراك مرغ را روی‌میز گذاشت مردحساس کرد که بوی ناخو شا یندی از غذا به‌مشام میر سد . کمی‌بو کشید بعد پرسید :

آیا چیز در شکم مرغ گذاشتی ؟

زن با خوشحا لی جوابداد .

ــعزیزم . . تصا دفا میخوا ستم بگذارم،ولی درشکمش جای خا لی وجود نداشت .

درعالم طبابت

مرد جوان خوش قیافه ای کـه ریش فرانسوی قشنگی گذاشته بود وعینك زده وپیراهن نخی بلنـدی پوشیده بود داخل کتابخانه ای که کتاب ومجلات کهنه وقدیمی مـی فروخت شده وبه فروشنده گفت :

ــ آقا خواهش میکنم مقداری مجله قدیمی بمن بدهید .فرق نمی کندکه چه مجله‌ای باشد .هر چه قدیمی‌تر وکهنه تر وکثیف تر بهتر .

فروشنده تعجب زده نگا هی باو انداخت وگفت :

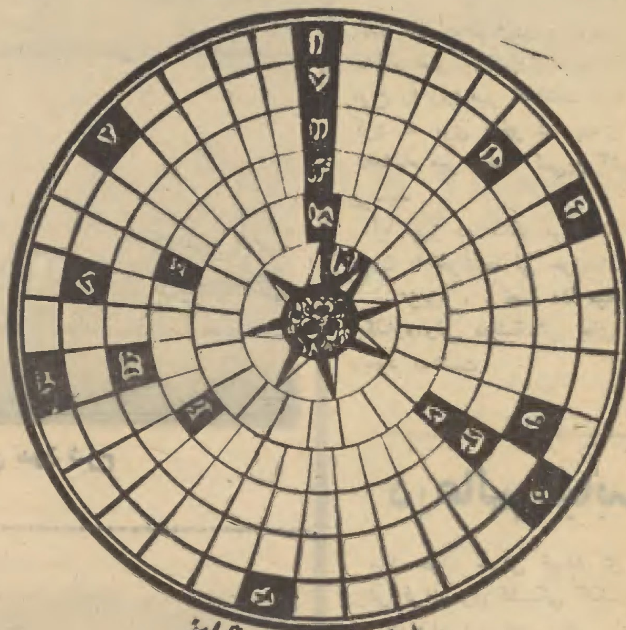
ــ ممکن است بپر سم این مجله کهنه‌هارا برای چه میخوا هید ؟

ــ بلی ،من تازه از دانشکده طب فارغ التحصیل شده ام وقرار است تا یك هفته دیگر معاینهٔ خا نه دایر کنم میخوا هیم آنها را در اتـاق انتظار بگذارم تا مردم فکر نکننـد طبیب تازه کار وبی تجربه‌ای‌هستم.



جدول اطلاعات عمومی

۱ـ این شاعر بزرگ که در عین‌حال عارف بزرگ هم هست در سال ۸۱۷ هجری متولد شده است .
۲ـ غزلسرایی است‌که از دیوانش‌فال میگیرند .
۳ـ نا بینا بود ولی هم موسیقــی‌دان بزرگی بود وهم شاعر شیوابیان.
٤ـ شاعر توانایی از بلخ درعصرغزنویان که بنام حکیم یاد میشود :
٥ـ واین نیز شاعر معروفی است‌از سیستان در همان عصر .



طرح کننده: صالح محمد کهستانی

٦ـ فیلسوف بزرگی که قبل ازمیلاد زندگی میکــرد واز آثارشــ سه نامه بــه شاگــردان» مشهــوراست .
۷ـ واین هم فیلسوف بزرگــی‌است از وطن ما که دانشنامه اش معروف است .
۸ـ فاتــح معــروف جنگـــای صلیبی .
۹ـ شاعر بلخی که در عصـــرسا مانیان میزیست و ف ردوسی‌هزار بیت ازگفته او را در اثرخودگنجانیده‌است .
۱۰ـ از فلاسفه معروف فرانسـه‌ونویسنده فر هنگ فلسفی است .
۱۱ـ رو مان بـــزرگی اســت ازالکساندر دو ماکه ازان فلمی هــم ساخته اند .
۱۲ـ افلاطون ولا مارتین هـــردوکتابی به این نام دارند .
۱۳ـ یکی از آثار بر جستهٔ حکیم‌سنائی غزنوی .
۱٤ـ کاشف اشعه ایکس .
۱٥ـ گوینده منطق الطیر .
۱٦ـ وطن عزیز ما
۱۷ـ اثری از والتر اسکات .
۱۸ـ رسام چیره دستی که شاعرو نویسنده و موسیقی دان نیز بـود وسال گذشته و فات یافت .
۱۹ـ نظا م مترقی و محبوب ما.

در بارهٔ این صفحه

اداره مجله د رنظر دارد ازین پس‌صفحهٔ سر گرمی و مسابقه را به‌شکل تازه تری که بیش از پیش حــاوی‌مطالب ارزنده و آمو زنده باشدتقدیم نماید .

هر مطلبی که در این صفحه‌می‌آید،خواه به عنوان سر گرمی و تفریح باشد و خواه شکل مسابقه داشتـــه‌باشد ، بطور کلی سعی شده است‌که در پرورش قوای فکری شما خواننده‌عزیز، کمك کند و اگر نتواند بــر معلومات شما چیزی بیفزاید، لااقل‌شایسته آن باشد که بعنوان یــك تفریح یا سر گرمی سالم شناختـــه‌شود . جواب هر سوال که به رسم مسابقه طرح میشود یك هفته بعـدنشر میگردد و البته کسانیکه جواب صحیح فرستاده باشند نا مشان یادمیشود .

مسأله‌ای ازهندسه

دو مثلث مختلف الاضلاع داریم .

مثلثی که اسم آنـرا (الــف) میگذاریم طول یك ضلعش ۱٥سانتی طول ضلع دیگرش هشت سانتی وطول ضلع سو مش ۱۷ سانتی متر است .

مثلث دوم که بنام(ب) یاد میشود،یك ضلعش ۲۱ سانتی ، ضلع‌دیگرش ۲٥ سانتی و بالاخره ضلع سو مش۲۹ سانتی طول دارد .

آیا شما می توانید معلوم کنید که‌کدام یك ازین دو مثلث، قایم الزاویه می باشد ؟

دلیل شما چیست ؟

جواب صحیح در هفته بعد تقدیم‌میشود .

معمای منظوم

قطعه ذیل گرچه معمای منـظوم ،خوانده شده و لی معما نیست، بلکه از نوع لغز و چیستان است‌که باکمی‌دقت جواب آن بدست می آید .

ای حکیمی که ز کلك تو اگــر نقطه فتد
بر زخ‌حجله نشینان فلك خــا ل شــود

چیست آن نا م‌که بر حرف‌نخستش الفی
گــر زیا دت بنما ئــی دل ابدا ل شو د

و آنچه ماند پس از آن حرف ازین‌نام بزرگ
آ دمی‌گــر گذ راند بــه زبا ن لا ل شود

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ ماده ایست که از نفت استخراج میشود و مورد استعمال طبی دارد، ضد خواب .

۲ـ ضرب المثل است که اسب خوب رایك . .. بس است .

۳ـ درپای حیوانات اهلـــی ودرادویه سمی یافت میشود ـ ضمیـــر متکلم .

٤ـ شاعری که در قصیده سرایی مهارت بسزایی داشت ویك حکـــم نجومی هم به او نسبت میـدهند ـ نان میفروشد .

٥ـ به دندان میمالند .

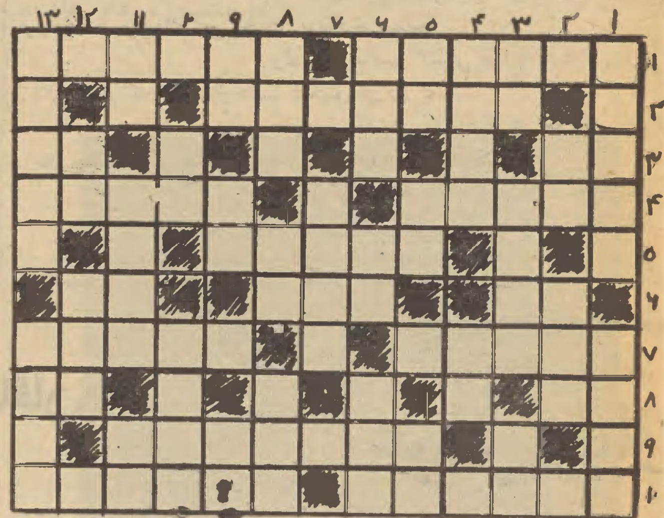
٦ـ یکی از اعـداد دو رقمـی ـ جنگ ـ پوستین بهر... آمدنی بهار .

۷ـ المان ـ شاعران ابرو راگاهی به آن تشبیه میکنند .

۸ـ برادر (عربی) ـ رای میـــان خالی .

۹ـ یکی از معروفترین روزنامه های کشور .

۱۰ـ موسسه جهانی که با امـورفرهنگی سرو کار دارد ـ از میوه های خوب همین فصل .



طرح کننده :مو نسه بشیر

عمودی :

۱ـ از اعیاد هنود است ـ عارف وشاعری از افغانستان در قرن نهم .

۲ـ از او زان است ولـی نه ازسلسله متریك ـ رنگی است شادی بخش .

۳ـ عد شش (عربی) ـ صفتـــی است برای کاری که چاره ناپذیـــر باشد ـ واین هم از اوزان است اما ازسلسله متریك .

٤ـ نیمش حرف نفی عربی است ونیم دیگرش طلا ـ رطوبت .

٥ـ از آنسوامر از زیستن ـ دریا ـ از لوازم موتر داشتن .

٦ـ تابناك ـ ازاعضای بدن ـ به کاکا میگویند .

۷ـ روز میگیرند و شب میخورند

۸ـ سد ـ نوعی میوه است ـ درادبیات هم بمعنی چرك آمده و هـــم بمعنی چالاك .

۹ـ حرف نفی (پښتو)ـ مخفف اینك ـ تکرار یك حرف .

۱۰ـ علامت جمع است بخصوص برای غیر ذیروح ـ دوست .

۱۱ـ از غذا های خاص افغانی ـ کمیاب ـ ضمیر مخاطب .

۱۲ـ در سر میروید ـ رفیـــق وهمکار .

۱۳ـ مملکتی که در تاریخ فلسفه شهرت بسیار دارد ـ پیوسته به دندان

اعداد نامعلوم

به این کلیشه خوب دقت کنید و ستاره هایی را که بجای اعداد نوشته شده است از نظر بگذرانید .هریکی ازین ستاره ها از یك عدد نمایندگی میکند یعنی قیمت همه آنــها یــکی نیست ، ممکن است یکی از آنهـــا صفر باشد و دیگری مثلا هشت باشد.

```
      ✱۱✱  ×
      ۲✱۳
    ------
      ✱۳✱
   ۳✱۲✱
 ✱۲✱۵
---------
 ۱✱۸✱۳۰
```

بهر حال یك عدد سه رقمی در یك عدد سه رقمی دیگر ضرب شده است وحاصل ضرب هم یك عدد شش رقمی است ، آیا می توانید : اعداد نامعلوم را پیدا کنید؟

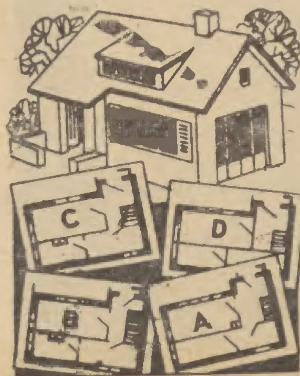
اگر نتوانستید ، لطفا تا هفته آینده صبر کنید و جوابش را در همیـــن صفحه بخوانید .

مسابقه منظوم

این مسابقه ریاضی در کتابـــهای قدیمی آمده و لااقل از تاریخ طرح آن سه قرن میگذرد اگر می توانید جواب آن را پیدا کرده بفرستید والا تاهفته آینده صبر کنید ودر همین صفحـــه بخوانید .

گوشواری داشتم از لعل و مروارید و زر
بودیك مثقا ل و ز ن آن مرصع گوشوار
قیمتش کردند صرافا ن ز روی معرفت
لعــل مثقالی به سی لولو به هجده زر به چار
بستد از ین صبر فی وبیست دینارم بداد
ما نده ام حیران درین داد وستد بی اختیار
ك محاسب در همه رو ی زمیـن خواهم که او
یك به یك آرد حسا ب و ز ن آ را درشمار

مسابقۀ دقت



در این کلیشه یك خانه و چهـــار نقشه دیده میشود ، یکی ازین نقشه ها از ساختمان داخلی خآنه نماینده گی میکند بعبارت دیگر نقشه « افتاده » داخل خانه است .

شما بر اثر دقت می توانید نقشه اصلی را از میان چهار نقشه پیدا کنید ، اگر پیدا کردید برای مـــا بنویسید و گرنه تا هفته آینده صبر کنید .

ازدوستان

از: زیلا میهن پور

دختر رویائی

بی تویکشب دختر رویا شدم
چون خیال شاعران زیبا شدم

دردل نازك لباسی از حریر
سخت باب خواهش دلها شدم

خوش تراش اندام ودرآن پیراهن
چون شراب ناب درمینا شدم

زآنچه پیدابود زچاك پیراهن
عشق انگیز وهوس افزا شدم

بادو چشم جادوئی مخمور خویش
صد میستان مستی جام ها شدم

بانگاهی مست ومژگانی بلند
معبد هردیده بینا شدم

بالبانی بوسه خیزو بوسه خواه
آفت دلهای شیدا شدم

تاکه درآینه دیدم خویش را
کانچنان دلخواه وبی همتا شدم

ازفسون بی‌تو نی دادی زدم
گرچه من چنین بیجا زیبا شدم

بی‌تو اینهارا بمن‌آینه گفت
سخت باآینه درغوغا شدم

آنچنان بشکستم آینه را
کز دلش نابود وناپیدا شده

از: محمد آصف «غروب»

لبخندشرین

مرا راندی ز خود در غمسرای‌سوزو تنهائی
چرا اینقدرمغرو ری تو ای دلبـر به زیبائی
چه حاصل گر نمودی این چنیــن‌نالان و گریانم
چرا افتاده‌خوی‌توسراسر، ای‌مه خود خواهی
اول لطف وصفای بی حدت بنمودخرسندم
ولــی درعاقبت کشتی مرا با درد تنهـا ئی
اگر گویم که رفته از دلـم عشــق‌گل رو یت
درو غی‌گفته ا م زیرا که در خوابم‌تومی آئی
دو چشمت گر بسوی دیگـــری‌افتاده باکی نیست
من هم ترکت نمایم‌بعد ازین ای‌رخت‌هرجائی
برو «آصف» مشو غافـل به لبخند شیریـــن «او»
که خو با ن عادتی دیگـر نـدا رنـد جز فریبا ئی

انتخاب از :محمد یعقوب فراق

فلسفه‌عشق

چشمه هابه رود خانه ها

ورود خانه ها به اقیانوس ها میپیوندند

بادهای اسمانی برای ابد .

بارایحه مطبوعی درهم‌میامیز ند

هیچ چیز در دنیا تنها نیست .

همه چیز باقانون خارق العاده‌ای

باالشیا دیگر درا میزشند

چرا نباید من همراه تو باشم

به‌بین که‌چگونه کوه‌ها براسمان بلندبوسه میزنند .

وامواج یکدیگر راسخت دربغل میگیرند.

آفتاب برزمین میتابد

وپرتوماه بردریا بوسه میزند ــ

ارزش اینهمه بوسه هاچه‌خواهد بود

اگر مراتبوسی .

از :عبدالوحید (فقیرزاده)

بزم‌مشتاقان

دلم امشب بتیغ بسمل کیست
رسیدند عاشقان بروصل جانان
جنون دربزم مشتاقان زند موج
فتاده برسر شانه دوگیسو
((وحید)) اوشمع بزم‌دیگران‌است

به من شمع بزم محفل کیست
جرس امشب بشوق محمل کیست
دو چشم نرگس اوقاتل کیست
بدام عنبرین زلفش دل کیست
نمیدانم که امشب بیدل کیست



انتخاب‌از : قربان بی‌بی دستافی

عرض‌ونیاز

ساقی بریز بادهٔ نـابی به جـام ما
مطرب بـزن نغمه بساز خـرام ما
از بوستان وصل نچیدم گـل امیـد
گردون بود همیشه زپـی انتقام مـا
زاهد اگربه صومعه مسکن گزیده است
باشد به کنج میکده جاوو مقام مـا
عرض نیاز بی‌اثراست پیش ناز یـار
اظهار عجز موج زند از کـلام مـا
تالب به‌وصف ذات نکویش نهاده ایـم
این است در جهان تمنا مـرام مـا
(پیغام) بروگوشهٔ‌صبر اختیار کـن
شاید که روز گار عیش بچرخدبکام‌ما

از : (راضب)

زخم‌پیکان

بیا ساقی بده جامی بیاد لعل‌خندانش
که دارم زان‌لب میگون‌دلی درقیدحرمانش
شنیدم ازصباروزی حدیثی زان‌لب‌گلفام
توگفتی خضر را آمد میسر آب‌حیوانش

مرازان طره‌مشکین بسارمزیست درعالم
که‌گاهی پرخم‌وچین‌بینم‌وگاهی‌پریشانش
عجب‌زخمیست اندردل‌تو «راضب» ازآن‌پیکان
که نبود مرحمی جز لعل میگون بهر درمانش



تابلو با نمبر تیلفون

آقای ثرو تمندی به تماشای یك نمایشگاه نقاشی رفته بود ،ضمن بازدید تابلو ها تصو یردختر جوان زیبائی که در حال بر آمدن از حمام بود خیلی نظرش را جلب کرد . از نقاش پرسید :

-قیمت این تابلو چند است ؟

- دو هزار فرانك .

- خیلی قیمت است .

نقاش سری تکان داد وگفت :

- معذرت میخواهم .چون فراموش کردم که بگویم ،در مقابل این مبلغ علاوه برتابلو نمره تیلفون مدل آن هم در اختیار خریدار گذاشته میشود .



کبوتر سخنگو

شخصی که به کبوتر خیلی علاقمند بود، نزد بیطاری رفت وگفت :

-شمافکر می‌کنید وسیله ای‌باشد که بکمك آن یك کبوتر بایك طوطی را بتوانند جفت گیری کنند ؟

داکتر بیطار حیرت زده به‌آن‌مرد خیره شدو گفت :

-این چه کاری است ،از این کار چه مقصودی دارید ؟

- چون من کبوتر قاصد تربیه‌می کنم ،واگر ما بتوانیم چنین کاری را بکنیم ،در آینده هر وقت یکی از کبوتر های من راه خود را گم کرد می تواند رهگذری راپیدا کند ورا خود رااز او بپرسد .

مژده به زنان

از سالهاست که دراروپا وامریکا مانکن هارا از زنان می سازند . ولی اخیرا یکی از کار خانجات سا زنده وسایل پلا ستیکی ،فرانسه ،از مرد ها هم مانکن ساخته است ،وا کنون یك عده از زنانی که آرزو دارند ، تنهائی بسفر بروند ،وضمنا لا زم می دانند در نظر دیگران مردی هم بکنار شان درموتر باشد،می توانند ازین مانکن ها خریداری کنندو در پهلوی خویش در موتر بنشانند .



تصمیم الیزابت تایلور

چندی پیش الیزابت تایلور ستاره موفق سینما که‌از دیر زمانی به اینطرف، به‌چاق‌شدن‌وافزایش‌وزنش بی اعتنا مانده بود ،بالا خره تصمیم گرفت ،وزن خود را کم کند او در کار موفق شد واکنون از نظر(بر- تون) ودیگر کارگردانان وهنرپیشگان ده سال جوانتر شده است .

لاغر شدن لیزتایلور باعث‌شد که‌به خاطر بازی در چندین فلم قرار داد هائی را امضاء کند زیرا مدتی بود که کار گردان ،تنها بعلت‌چا قی‌بودن او .از امضاء قرار داد جدید باوی ابا میورزید ند. تایلور چندی پیش به امر یکا رفت تادر فیلمی که نقش یك زن طناز وو سوسه انگیز رادارد ،شرکت نماید .و جا لب اینجا ست‌که الیز تایلور بخا طر بازی درین فیلم‌گرانترین دستمزدی راکه تا حال یك هنر پشـه داده شده است ،دریافت خواهد کرد ، واین از برکت کاهش وزن اوست .

راپور از : (رآ)

دراثر زلزله اخیر در حدود ده ملیون افغانی به آمریت معدن کرکر خساره وارد گردیده است

درحدود یك ملیون و ۲۰۰ هزار تن ذغال از معدن کرکر استخراج گردیده است

زلزله شدیدی که بتاریخ هشت اسد امسال در اکثر نقاط کشور بوقوع پیوست صدمهٔ آن بیشتر متوجه آمریت معدن ذغال سنگ کرکر واقع پلخمری بود . البته قرار خبر آژانس باختر در سایر نقاط کشور آسیب و خسارهٔ دیگر از این ناحیهٔ عاید نگردیده است .

دراثر این زلزله ، که محل رهایش کارگران بیشتر صدمه دیده است ، به قرار تجویز حکومت به اسرع وقت ۱۵۰ خیمه ازطرف جمعیت افغانی سره میاشت روز ده اسد به آنجا ارسال و مورد استفاده کارگران قرار گرفت .

برای مطالعه خسارات ناشی از این زلزله . یك هیأت فنی باساس تجویز حکومت از طرف وزارت فوائدعامه به آنجا ارسال و اینك راپور هیأت مذکور در مورد خسارهٔ ناشی از زلزله و مصاحبهٔ که بارئیس موسسه ذغال سنگ شمال بعمل آورده ایم خدمت خوانندگان تقدیم میگردد .

بناغلی انجنیر احمد شاه رئیس موسسهٔ ذغال سنگ در مورد استخراج و امور ساختمانی معدن چنین گفت :

معدن ذغال سنگ کرکر در ده کیلومتری شهر پلخمری واقع است، کار و استخراج ذغال از معدن کرکر در حدود سال ۱۳۲۳ شروع و تا امروز استخراج از آن دوام دارد . در حدود یك ملیون و ۲۰۰ هزار تن ذغال از معدن کرکر استخراج و از طریق ریاست ذغال سنگ شمال برای استفاده موسسات و اهالی توزیع گردیده است .

پروگرام کار واستخراج ذغال همه ساله به اساس احتیاج موسسات دولتی ، موسسات خصوصی واحتیاجات انفرادی شهرها ومردم ترتیب و تثبیت میشود . درسالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ سطح استهلاك ذغال خیلی پایان افتیده که موسسهٔ از این ناحیه به ضرر مواجه گردیده بود و خوشبختانه بعداز استقرار نظام نوین در کشور یك جهشی در سمت صنایع مخصوصاً فابریکه جات نساجی ها و سمنت رونما گردید و هم نسبت کیفیت ذغال استهلاك انفرادی نیز بلندتر شد . که به این اساس تأدیات ذغال نظر به سال ۵۰ تخمیناً ۵۰ فیصد بلندتر رفت . البته در همین سال مراجعین واستهلاك ذغال بیك فیصدی بلندتر توقع میرود .

موصوف افزود : موسسهٔ ذغال سنگ شمال از سال ۱۳۵۰ باین طرف به حیث یك تصدی فعالیت می‌نماید . منابع معادن مربوط موسسهٔ شمال ، معدن ذغال سنگ کرکر، معدن دهنه تور ، درهٔ صوف ومعدن آشپشته میباشد .

موسسهٔ ذغال سنگ شمال نظر به تجویز مقامات ذیصلاح، ذغال مولده را به قیمت تمام شد عرضه میکند باین اساس در سالهای ۵۰ و ۵۱ نسبت پایان آمدن سطح استهلاك ذغال و دوام مصارف ثابت معادن این موسسه ضرردیده است. امید است بابلند رفتن تولید سال های ۵۲و۵۳ تا اندازهٔ از ضررهای دوسال قبل مرتفع گردد .

انجنیر احمدشاه رئیس موسسهٔ ذغال سنگ شمال در مورد منازل رهایش وعلت تخریب منازل در اثر این زلزله گفت :

منازل رهایش و سایر ملحقات معدن ، از بدو شروع استخراج و ذغال واستفاده از این معدن بدون کدام پلان فنی بصورت خامه اعمار گردیده وهم گذشت سالها، متمادی بالای محل رهایش و ملحقات معدن باعث گردیده که مقاومت آن در مقابل زلزله ناچیز بوده و بکلی از بین برود .

امیداست بعد از مطالعهٔ هیأت فنی وزارت فوائد عامه، کار ساختمانی منازل رهایش کارگران وسایر ملحقات معدن بصورت فنی و متکی به اساسات تخنیکی صورت گرفته تا از حوادث ناشی ازطبیعت بصورت عمومی در امان باشد .

راپور و چشم دید هیأت فنی ریاست تعمیرات وزارت فوائد عامه از خسارات معدن ناشی از زلزله اخیر میرساند تخریبات که درحصص مختلف عمارات رهایش و غیره ملحقات ساحه معدن بوجود آمده تااندازهٔ از سبب تاثیرشدید بودن زلزله در این ناحیه بوده و از جانب دیگر چون تعمیرات رهایش وغیره ملحقات ساحه معدن بدون از اطاق طعام خوری، کاملا خامه کاروغیر فنی اعمار گردیده و به این اساس تاثیرات زلزله در این ناحیه فوق‌العاده احساس و زیاده بوده است .

قرار خبر منتشره آسیب وارده زلزله درمعدن کرکر ، که به اثر آن عمارت رهایش ۶۰۰ نفر عمله ، تعمیر آمریت معدن، حمام ، تحویلخانه مواد ارتزاقی وسه محراب مسجد بکلی خراب گردیده است. ایجاب تعمیر مجدد را می‌نماید .

راپور هیأت مذکور اضافه میکند: برای رهایش کارگران بایست در داخل شهر در دامنه کوه مقابل بندبرق خانه های فامیلی ویایك هوتل بصورت فنی اعمار گردد تا درآینده از این منازل و یا هوتل در صورت اختتام استخراج از معدن کرکر ، برای کارگران سایر پروژه های مربوطه بصورت یك محل مناسب استفاده شده بتواند از طرفی چون شهر پلخمری وسعت یافته است، درصورت اعمار این منازل و محل رهایش کارگران در ساحه مذکور، در زیبایی شهر کمك بسزائی مینماید .

قرارراپور و خبر منتشره، صدمه جانی بکلی متوجه کارگران نبوده وکارگران که در حین زلزله مصروف کار بوده اند ، از ناحیه زلزله در امان بوده وخطر متوجه آنها نگردیده است .

راپور هیأت مذکور در موردپلان ساختمانی تعمیرات مربوط معدن ازلحاظ مقاومت در برابر حوادث طبیعی چه گونه و سرعت کارپیش از فرا رسیدن موسم سرما چطور پیش بینی شده است، می‌افزاید

در صورتیکه پلان ساختمان تعمیرات برای رهایش کارگران آماده گردد، موانع برای ساختمان آن وجود ندارد . اگر ساختمان تعمیرات بصورت فابریکه‌ئی باشد بصورت کلی واگر ساختمان بشکل یك ریخت باشد مربوط به و سایر

بقیه در صفحه ۵۶

بقیه صفحه ۲

بناغلی خلعتبری

بناغلی عباس علی خلعتبری وزیرامور خارجه ایران وهمراهانش که بنابدعوت وزارت امور خارجه دولت جمهوری افغانستان برای مسافرت رسمی ودوستانه به کابل آمده بودند قبل ازظهر روز نهم سنبله عازم تهران گردیدند.

بناغلی خلعتبری طی اقامت درکشورما از طرف بناغلی محمد داؤد رئیس دولت پذیرفته شده وبامقامات افغانی مذاکراتی پیرامون مسایل مورد علاقه انجام داد وازولایات بلخ وبامیان بازدید نمود .

برای وداع بامهمانان ایرانی دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه ،بناغلی وحیدعبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه ،بناغلی زلمی محمود غازی سفیر کبیر جمهوریت افغانستان درتهران ،بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی دوکتور محبوب رفیق آمردفتروزیرخارجه ومتصدی ریاست تشریفات آن وزارت ،بناغلی بهارلو شارژدافیر واعضای سفارت کبرای ایران درمیدان هوایی بین المللی کابل حضور داشتند .

بناغلی خلعتبری هنگام عزیمت از کابل، مراتب امتنان خودرا ازاستقبال گرم ودوستانه که طی اقامت درافغانستان ازآنها به عمل آمده بود به وزیر عدلیه ومعین سیاسی وزارت امور خارجه ابراز داشت خبرنگار باختر می نویسد که البوم مناظر مسافرت وزیر امورخارجه ایران وهیات معیتی اش که ازطرف شعبه عکاسی باختر آژانس ترتیب شده بودبه مشارالیه اهدا گردید .

بقیه صفحه ۸

روزمطبوعات وسواد..

همچنان رهبر بزرگ مادر بیانات«خطاب بمردم» شان به مشکلات و پرابلمهای اساسی کشور اشاراتی نموده اند .

ازین بیانات بنیانگذار نظام جمهوریت کشور درمی یابیم که کشور ما چه مشکلات و پرابلمهایی درپیش دارد وما بایدچه راه هاییرا تعقیب نماییم تا بتوانیم این مشکلات را که موانعی در راه پیشرفت کشور خلق کرده است رفع نمائیم. البته این وظیفه خطیر متوجه مطبوعات است تا ازراه نشرات مطلوب و مثبت مرامهای نظام جوان کشور رامبنی برروی کار آمدن اصلاحات بنیادی در مملکت به نحوی شایانی تمثیل نماید .

بقیه صفحه ۸

دسنبلی ۱۸ دملی شورا دتاسیس...

دپیژندلو په لړکی ددغو اساسونو بنسټونو د ښکارندوی په حیث د سنبلی ۱۸ ورځ دملی شورا دتاسیس دورځی په نوم نمانځل دمثبتو ګټورو لرغونی ارز ښتو څخه په الهام اخیستلو د صلاحیتو نو او اخلاقی جرأتونو سره مرسته ده .

د سنبلی ۱۸ نیټه دملی شورا دتاسیس ورځ ده چه نمانځل ئی تاریخی ثوابونه دی دملی شورا د مؤسس اعلیحضرت محمد نادر شاه روح ته دبښنی دعاکوو اود دغسی ورځو نمانځل مثبتو تاریخی ارزښتونو درنښت بولو :ـ

ځکه ـ نن مونږ او زمونږ هیواداو وطن وال دجمهوری نظام په رڼا کی دخپل تاریخی کرامت نه الهام اخستلو په افتخار دمترقی او مثبت تحول انکشاف دپاره چه صلاحیتونو راته وختونه او فرصتو نه مساعد کړیدی وینوچه استعدادونه اوذهنی بیداری دحقایقو په درك کولو د پس منی په رفع کولو اود جرءتو او بشری قوت د عملی تشویق کولو په کوشش کی دیوی خوا د پوهنی پراختیا د زراعتی سیمی سروی د شاړو ځمکو ودانی دمخ په ترقی کرهنی اصلاحات دمالداری دروزنی دپاره دکروندو او ورشو ګانو تقسیم او حدبندی وټاکلی شولی، دخپلو کروندو او غرنیو مناظرو طبی بوټی چه دمرض دارو لرو دطب پوهانو په مرسته اوعلمی تجربو ثابت اووطنی دارو تولیدات شول، درنګونو چه د ملی شتمنی دی رابر سیره اواستخراج ته زمینی مساعدی شولی اوپه همدی شان دجمهوری نظام په رڼا کی دژوندون په هره برخه کی جاری فعالیتونه دوخت په ژبه دازیری کوی چه د جمهوریت سباون

افغان بخت راویښ کړیدی اوس
کولی شو چه خپلی وړی پخپله شړی

کړی اووختونه اوفرصتونه دتاریخی ماضی په ترجمانی دمستقبل دپاره دافتخار مظهر اود سعادت زیری شی .

بقیه صفحه ٤

روزملی پښتونستان..

خوشحالخان وهمچنان اتن چیان شکردره توام باموزیك اتن ملی اجرا کردند .

مراسم درحوالی ساعت ۹ پایان یافت.

خبر نگارباختر علاوه میکند که میدان پشتو نستان بابیرق های ملی جمهوری افغانستان وبیرق های پشتونستان تزئین گردیده

ودرخلال مراسم شماره های فوق العاده روزنامه های جمهوریت ،هیواد ،انیس ،وکابل تایمز

وهمچنان کتاب دخپلواکی ترون که از طرف وزارت امور سرحدات نشرشده است به حضار توزیع گردید .

روز نامه های مرکز درشماره های فوق العاده که بمناسبت روز پشتو نستان انتشارداده اند بیرق پشتو نستان و فوتو های زعمای پشتو نستان وبلوچستان راچاپ نموده وراجع

به حقوق حقه مردم پشتون وبلوچ سرمقاله ها ومقالاتی نشر کرده ،یکبار دیگر پشتیبانی دولت جمهوری افغانستان را درراه مبارزه مردم پشتو نستان برای حصول حق تعین سرنوشت شان تاکید نموده اند .

نامه نگاران باختر ازولایات اطلاع میدهند که روز ملی پشتو نستان درمراکز ولایات نیز باافراشته شدن بیرق پشتو نستان ایراد بیانیه ها مضامین ومقالات واشعار وهمچنان اجرای اتن های ملی باشور وشعف زایدالوصفی تجلیل شد .

درمراسم برگزاری روز پشتو نستان که

ولایات والیان ،قوماندان های عسکری مامورین محلی وهزاران نفرازاهالی وپشتو نستانی ها اشتراك نموده وازین روزبرادران پشتونستانی باابراز احساسات ،کف زدنها شعارهای زنده باد افغا نستان ،آزادباد پشتونستان استقبال نمودند

رادیو افغا نستان مشاعره راکه ازطرف پشتو تولنه ترتیب شده بود قسما ساعت ۷ تا هشت شب ۹ سنبله نشر کرد ء

بقیه ص۲۷

فورد در دوهمین هفته...

فورد بابعضی از زنان بانفوذ و سرشناس کانگرس آمریکا منجمله خانم بیلا ،خانم ابزوگ، وخانم ـ شیشو لم نمایندگان ایالت نیویارك ملاقات نمود. این وقتی بود که رئیس جمهور اعلامیه رابامضاء رسانید که باساس آن ۲٦ آگست بنام روز پنجاه و چهارمین سالگرد آزادی زنان وروز مساوات زنان ـ آمریکا تعیین گردیده است . وی تقاضا کرد تاسایر ایالات تعدیل حقوق مساوی را بحیث تعدیل قانون اساسی آنکشور به تصویب برسانند.

رئیس جمهور فورد قسمت زیاد وقت هفته دوام ریاست جمهوری رابه تحکیم و تشید روابط خود با اعضای کانگرس ، دیموکرات ها وجمهوری خواهان بمصرف رسانید . وی ـ میزبان یك سلسله مجلس وملاقات هایی بود که در (دفتر اوال) به شمول اعضای کانگرس ، بصورت منفرد و دسته جمعی دایر گردید درین مجالس و ملاقات ها پیشنهاداتی که گذارش آن به تعویق افتیده است مطرح بحث وغور قرار گرفت .فورد دومرتبه در (کپیتو ل هل) باهمکاران سابق خود ملاقات نمود . در مرتبه اول وقتی بود که وی از خدمات یك منسفید که یك ریکارد خدمت ۱۳ونیم ساله رابحیث رهبر حزب اکثریت در مجلس سنای امریکا قایم نموده است تقدیر و تمجید کرد .

فورد گفت : این ثابت می سازد آنها بیکه میتوانند مذاکره ومفاهمه نمایند نسبت به آنها بیکه یك روش سخت را به پیش میگیرند بهتر زنده می نمایند .

بعد تر فورد دوباره به کپیتو ل رفت تابیانیه های مختصر خو را ـ در مجلس نمایندگان و مجلس سنا ایرا د کند .

وی گفت :(فقط خواستم تا امروز دراینجا توقف نمایم و بشما خوش آمدید بگویم. ورسما جاده پنسلوینا رابحیث یك جاده دو طرفه افتتاح کنم.

هر دو مجلس از این بیانیه های کوتاه فورد به گرمی استقبال نمودند .

یکی از نشانه های دیگر تمایل وی به دو حزب، اینست که فورد یك پورتریت هری ترومن را در دیوار اطاق کابینه در جوار عکس لیندن جانسن که یکی از روسای جمهور دیگر مقبول و مطلوب فورد است تعلیق نموده است .

فورد از جرات، حوصله وبالاخره از راست و مستقیم بودن ترومن پیوسته توصیف و تمجید میکند.

بقیه ص ۴۰

جوانان واستفاده

جوانانیکه به چشم امید اینگونه افراد خاریاس وناامیدی را فرو می برند نباید اسم جوان را بالای خود ها بگذارند .

جوانان در یك مملکت ،در یك اجتماع چه (خورد وچه بزرگ) در امور ترقی سهم بزرگ داشته واین سهم مهم آنها ناشی ازمفکوره عالی سجایای نیکو ،کردار نیك شان می باشد .جوانان باید بکوشند تا همیشه از اثر اعمال نیك خود در قلوب همگان جا پیدا کنند ودر نظر همه محترم باشند . زیرا همین احترام جوانان ،اعمال نیك وخدمات صادقانه شان نسبت بدیگران موجب‌میشود که محترم گردند ولفظ جوان را با تمام معنی واوصاف آن بر خویش بگذارند وجلب اعتماد مردم را حاصل نمایند .

پس بر جوانان است تا همیشه درراه از بین بردن جهل ،فساد اخلاقی وغیره‌عوامل وسعادت‌اجتماع خویش سهم گرفته وهمیشه باشعار جهاد با مفاسد اخلاقی واجتماعی . جهاد بافقر حرکت نمایند وراه‌مثبتی را بدیگران نشان بدهند. تا درپرتو اینگونه شعار های‌نیك وعالی‌اجتماع خود را تا جائیکه لازم وممکن است به روشنی وراه راست سوق دهند وهیچگاه تحت اثر سخنان نامطلوب دیگران نرفته وهمواره از فکر سالم ومنطق درست همیشه باعزم واراده خلل ناپذیر بر مشکلات زندگی فایق آیند بر جوانان روشن ضمیر است

تاعمر گرانبهای خودرا وقف بدست خود را وقف به دست آوردن معلومات مفید .خدمت به وطن وجامعه ،برآورده ساختن آرزو های افراد جامعه وبالاخره خدمت‌به ابنای بشر نموده نامی در صفحه تاریخ خدمت بوطن‌و بشریت‌بگذارند واجتماع ووطن خود را افتخار بخشند .

ع . ك . حمید

مورخهٔ ۱۷ر ۵ ر ۱۳۵۳

بقیه‌ص ۱۰

اسرائیل به‌تحریکات

هر گاه اعمال اسرائیل را طی جنگهای آن با عربها بدقت ملاحظه کنیم بخوبی دیده میشود که حرکات غیر انسانی انجام داده است ، آیا مردم فراموش خواهند کرد که اسرائیلی ها در جنگهای خود در مقابل اعراب از بم‌ خای ناپالم وآتش افروز استفاده‌کردند ـمختصر اینکه شواهد وعلایم زیاد در دست است که نشان میدهد اسرائیل هیچگاه صلح نخواسته است .

آیا این موضوع که اسرائیل میخواهد ازیك‌موقف قدرت باعربها پیشامد کند خود کلا نترین دلیل بر این نیست که اسرائیل زور گوئی متجاوز است وآیا همین خود دلیل شده نمیتواند که اسرائیل آرزوی صلح ندارد از جانبی معلوم میشود که اسرائیل از بساواقعیت ها هم چشم پوشیده است ورنه هیچگاه این‌ادعارا نمیکرد که شرایط مذاکره وتخلیه سر زمین‌های اعراب شرطی برای شناسائی خود بداند. چه از زمان ناصر فقید به اینسو اعراب روش خود را دربرابر اسرائیل اندکی ملایم ساخته اند ورنه هیچ امکان نداشت سادات اسد و ملك حسین در امر جدا ساختن قوا در جبهات مربوط از در مذاکره پیش آیند گرچه شاید این امر تعبیر دیگری هم داشته باشد به‌این معنی که عربها به تناسب گذشته هم‌ازلحاظ تکنیك های حربی وهم از لحاظ قوای نظامی پیشرفت هایی که حاصل کرده اند که این‌مر در جنگ ماه میزان سال گذشته صریحا بملاحظه رسید مگر باوجود آنهم اگراز سیاست نسبتا ملایم کار نمی گرفتندتا اسرائیل بمذاکره نمی پرداخت بنا اگر اسرائیل از حقوق حقه ومسلم اعراب بارتباطبه سر زمین های اشغالی از یکسو اگر از حقوق مردم فلسطین مبنی‌بر تشکیل یك حکومت مستقل از جانب دیگر چشم‌پو شد امکان ان موجود خواهد بود که عربها در راه‌ایجاد مزاحمت براسرائیل کدام اقدامی ننمایند وبلکه هیچوقتی عربها نه خواسته اند براسرائیل مزاحمت خلق کند واین اسرائیل بوده است که‌دایم به‌این‌چنین مزاحمت هادست زده است .

ولی وقتی ملاحظه میشود که اسرائیل تشکیل حکومت فلسطینی را محور یهود تلقی میکند و برای تهدید وایجاد مشکل بر اعراب هر روز سخن تازه را بمیان میکشد و هیچ روزی نیست که در راه تجهیز قوای نظامی خود قدم تازه نگذارد بنا به‌این نتیجه میرسیم‌که اسرائیل نه‌صلح میخواهد ونه آرزوی‌راحت زیستن را با اعراب دارد واین نیت اسرائیل مسلما اعراب را وامیدارد تا برای مقابله بااین‌عنصر زورگوی ومتجاوز تدابیر لازم اتخاذ بکنند.

(بقیه ص ۵٤)

در اثر زلزله اخیر

دست داشته دستگاه های ساختمانی می‌باشد . زیرا در شرایط فعلی ساختمانی ، عوامل طبیعی«سردی وگرمی‌هوا » باعث توقف امور ساختمان شده نمی تواند واقدامات جدی در امور ساختمانی منازل رهایش وسایر ملحقات معدن مربوط به مقامات وزارت معادن و صنایع می‌باشد .

در صورتیکه برای رهایش ملحقات معدن پلان ساختمانی روی کار گرفته شود واضح است که در شرایط فعلی ساختمان های کانکریتی بصورت فنی ، تمام **موضوعات حوادث ناشی از طبیعت** در نظر گرفته میشود .

یك منبع ریاست ذغال سنگ شمال اضافه می نماید که چون عمارات متذکره از بودجه دولت ساخته میشود ، امید است‌بزودی پلانی در مورد ترتیب وبه‌ساختمان آن اقدام بعمل آید .

بقیه صفحه ۹

حضرت سهیل بن حنیف«رض»

جراحات ازجنگ احد باز گشتند با ایشان شاگرد وپسرکاکایش علی کرم الله وجهه معیت داشت وهرکدام بدست شان شمشیر ها خون آلود داشتند وقتیکه بخانه درآمدند دختر پاك طینت شان بی‌بی فاطمهٔ زهراء راخواسته گفتند که خون این شمشیر رابشوی که‌امروز بمن بسیار کمك کردوسپس به شستن شمشیر دامادشان حضرت علی (رض) امر نموده‌گفتند: اگرمیخوامی که امروز از جنگ آورترین اشخاص تصدیق کنم بدون تردید سهل بن حنیف وابودجانه حق غزاراادا کردند .

بعدازآنکه پیغمبر خدا (ص) جهان راترك گفتند سهل بن حنیف باحضرت علی (رض) پیوست وبااو معیت میکرد .

ابن حنیف (رض) باوجود این همه جهاد وجنگجوئی دارای دانش وسیع وعلم زیاد درامور دین بوده ازجماعه زیادی احادیث رسول خداعلیه السلام راروایت نموده وگروه زیادی ازوی نیزروایت کرده اند .

همچنان وی فرزندی داشت که نامش ابوالیه اسد بن سهم بن حنیف بوداو نیز مانند پدرش صحابی جلیل القدری بوده از پدرش احادیث زیادرا روایت کرده است .

برادرش عثمان بن حنیف نیز صحابی‌بلند مرتبه ای بوده به غزوهٔ احد اشتراك ورزیده حضرت علی کرم الله وجهه اورابحیث نائب خوددربصره موظف ساخت و زمان خلافت معاویه (رض) وفات نمود .

سرانجام این صحابه جلیل القدر بعداز مشاهده غزوات زیاد ابراز شجاعت در سال ۳۸ هجری داعی اجل رالبیك گفت وحضرت علی (رض) جنازهٔ اورا امامت کرد .

بقیه صفحه ۱۷

علیشیر نوائی

به‌مطالعه درخود احساس نکرد می بایستی برخی از کتب نادر مورد ضرورت خودرا جستجو میکرد و می یافت.. ناگهان بیادمولانا عبدالاحد کیمیا گر معروف افتاد که از مدتی باینسو آرزو داشت باوی ملاقات کند. بدون تامل ازجا برخاسته راه (دروازه قبچاق) شهر رادر پیش گرفت.

درگوشه ای ازشهر هرات، روبروی محلی که آرامگاه یکی از(اولیا) محسوب میشد و پوشیده با درختان پشه خانه ،چنار های عظیم کهنسال ودیگر انواع درختان بود ، نزدیك خانه ای مخروبه توقف کرد ودروازه خانه راکه روز گاری یکی‌از نمونه های‌عالی صفت حکاکی بحساب‌می رفت،اما اکنون در اثر گذشت آرام ودگرگون کننده زمان ،نفاست وزیبایی خویش راباخته بود ، آهسته وبملایمت کوبید ، چون هیچگونه **صدایی‌ازداخل شنیده‌نشد** باردیگر شدیدادق الباب کرد .یکی **از رهگذران بگوش خود اشاره‌نموده** خنده کنان گفت: (گلمیخ خورده است میتوانید بداخل بروید)سلطان مراد بخاطر آورد که قبلا نیز را جع به ناشنوایی گوشهای صاحب‌خانه چیز هایی شنیده بود. با خود خندید ، وقدم بداخل‌گذاشت و در صحن وسیع پر از علفهای وحشی

(باقیدارد)

لری. فاسفور دکسیم سره یو ځای اود عصبی دستګاه اوسلولی هستی په متابولیزم کښی هم برخه لری. (پتاسیم) دزړه دعضلی په متابولیزم کښی لازمی ده. نور مواد چه په‌لږه اندازه دبدن دپاره ضروری‌دی داچی اوسپنه اتلس میلی ګرامه ، مس ٥ر٢ میلی ګرامه منګنیز دری میلی ګرامه فلور یومیلی ګرام او کوبالت ډیره لږه اندازه اوسپنه دسرو ګلو بولونو په جوړښت کښی فلور د غاښونو دچنجی خوړلو په مخنیوی کښی برخه لری او (کوبالټ) د (ویتامین ب- ١٢) مرکزی هسته‌ده چه دوینو دکموالی ضد ویتا مین دی

ویتا مینونه -

ویتا مینونه نه په بدن کښی جوړیږی او نه کالوری جوړوی اونه دبدن دغړو په جوړ ښت کښی په کاریږی. مګر دهغو وجود لازمی ده اود بدن دسلولو کیمیا وی اعمال مساعد ګرزوی. نن ورځ شل ډوله مصنوعی ډول هم جوړیږی او له‌دی ویتامینونه پیژندل شویدی او په امله چه‌په اوبو یاغوړو کښی‌محلول وی، په دوو ډلو یعنی په اوبو او غوړو کښی دمحلول په شکل ویشل کیږی- په غوړو کښی د محلولو ویتامینو په جمله کښی ویتامین(آ) دپوستکی دساتلو اود عفونت په مقابل کښی دهغه د ټینګ ساتلو ماشومانو دودی دپاره ضروری ده دپاره ضروری ده. ویتامین (آ) د اوږ سترګو په لیدو کښی هم برخه لری او لږوالی‌یی په شپه کښی د لیدو دناتوانی سبب ګرزی. لازمه اندازه یی ٥ر١ میلی ګرامه ده اودغه ویتامین په غوړیو، لبنیاتو اود کب په غوړیو کښی شته اوپه ځینوسبو کښی، همد (کاروتن) په شکل شته چه په بدن کښی په ویتامین (آ) تبدیلیږی .

په غوړوکښی بل محلول ویتامین (د) ده چه دکب په غوړیو ، لبنیاتو اوهګیو کښی شته اوسربیره په دی دلمر وړانګه هغه په پوستګی کښی تولیدوی .دغه ویتامین دهډوکی د پوستوالی په ضد دی اودغه عمل دکلسیم او فاسفور په متابو لیزم کښی دهغو داغیزی له امله دی. په غوړو کښی بل محلول ویتامین، ویتا مین (ای) ده ددغه ویتا مین اغیزه که څه هم په انسان کښی

۱۹ مخ پاتي

څه‌شي باید وخورو

پیژندل شوی نه دی مګر په ځینو حیواناتو کښی‌دهغه نشتوالی‌دجنین دلویدو سبب ګرځی . دغه ویتامین په غوښو اود غنمو په وږی اوسبو کښی زیات دی. ویتامین (کا) هم په غوړو کښی محلول دی او لږوالی یی دوینو دجوړیدو په موده کښی‌د اختلال اود وینودتوئیدو سبب‌کیږی دغه ویتامین په تازه سبو کښی‌زیات پیداکیږی .

په اوبو کښی محلول ویتامینونه د (ب) ډله ده چه ویتامین (ب-١) دقندی موادو په سون او جوړښت کښی اغیزه ناك دی او لږوالی یی د اعصابو دپړسوب اود زړه دناتوانی سبب ګرځی . ویتامین (ب-٢) په سلو لی اکسید یشن کښی دخالت لری او شمیریی زیات دی اوله‌هغی جملی څخه ویتامین (ب-٦) دی . دغه ویتامین په سبو، میوو او په تیره بیا په مرکباتو کښی پیدا کیدای شی .

اوبه -

په ٢٤ ساعته کښی د ضرو رت ووړ اوبو اندازه دری لیتره ده چه نیمه یی دغذا په‌تیره بیا دمیوی او سبو په وسیله او پاتی نیمایی د مایعاتو چښلو له‌لاری تامین کیږی. باید وویل شی چه دغه اندا زه دورځی له خوا دا دار وپه وسیله ١٤٠٠ سانتی متر مکعبه د پوستکی دتنفس په و سیله اته سوه سانتی متر‌مکعبه اود سږود تنفس له لاری دری سوه سانتی‌متر مکعبه اودخولی له لاری دری سوه سانتی متر مکعبه اود مدفوع له‌لاری ١٥٠ سانتی متر مکعبه له بدن څخه دفع کیږی .

غوښی او لبنیات -

غوښه، کب، هګی، شیدی او له هغی څخه پیدا شوی مواد دحیوانی پروتینو ډیره مهمه منبع‌ده اواهمیت یی له‌دی امله دی چه دانسان بدن په دغو موادوکښی د (امینوایستید) دجوړولو توان نه لری. دغوښو او کب دپرو تینو اندازه یوشان ده او تقریبا په سلو کښی له‌شپاړس‌څخه تر ٢٢ پوری دی. دپرو تین ددغی اندازی دتوپیر علت باید دغوښو دغوړو په اندازه کښی ولټول شی هر څومره چه دغوړو اندازه زیاته وی دغوښی پروتین به لږوی. په کلی توګه د غوښی غذایی ارزښت دتهیی په منبع پوری یی اړه لری.

مثلانوی زیږید لی وری زیا ته غوښه نه لری او زیاته برخه یی له‌سر پښو او لاسونو څخه جو ړ شوایدی مګر ورووړو چه لو ئیږ ی غړیی وده کوی .

دحیوان نژاد اود تغذیی ډول هم په دغه برخه کښی زیاته اغیزه لری اوله اصلاح شوی نژاد څخه پسه زیاته اوښه‌غوښه ورکوی، له‌پروتین نه علاوه، غوښه فاسفور، او سپنه مس، اود (ب) دډلی ویتامینو نه هم لری چه‌د انسان دپاره ضروری ده. دپروتین له پلوه د غوښی آوکب ارزښت یوشان دی مګر دکب د اوسپنی اندازه له غوښی نه لږه ده. ځیګر هم زیات غذایی ارزښت لری اود ضروری ویتا مینونو د درلودلو له امله دانسان دپاره له مهمونایابو غذایی موادو څخه دی اوله همدغه امله لازمه‌ده چه څه‌نا څه په هفته کښی یوځل وخوړل شی. ځیګر د ماشومانو او امیندوارو ښځو اوهغو ناروغانو دپاره چه دوینو دکموالی‌په ناروغی اخته وی، ډیرګټور دی .

د راز راز غوښو غذایی ارزښت یوشان دی اوداچه وایی سره غوښه دسپینی غوښی به‌نسبت زیاته‌مغذی ده، علمی ارزښت نه لری. کب هم داخلی غذاګانی په جمله کښی دی او ویلای شو چه لومړنی حیوان دی چه دانسان دغذا په حیث مصرف شویدی. باید په دی پوه‌شو چه‌کب ډیر ژر ورسیږی اوله دی امله د پیرودلو په وخت کښی باید دی ته پاملرنه وشی چه پوره تازه اوروغ وی. تازه کب خوندور بوی اوغوره ځیره لری. پوستکی یی ښوینـد او ځلیدونکی دی.دګوتی‌پکښی ایستلو سره دهغی نښه پکښی پاتی کیږی او سترګی یی‌رڼی اوځلیدونکی دی. باید پوه شو چه دځیګر دویتامین (ب-٢) اندازه دغوښو په نسبت‌لس چنده اود ویتامین (١) اندازه یی دغوښی په نسبت دری چنده زیاته ده‌اود ویتامین (ب-١٢) له پلوه ډیره بډایه‌ده .

لبنیات -

شیدی ور کوونکی حیوانات لکه غوا، میږه او وزه چه شیدی یی د انسان دتغذیی دپاره‌ده، د بیلوژیکی ماشین په عنوان دی چه واښه په حیاتی موادو اړوی. شیدی دتی له ترشمی مرغیړو څخه پیداکیږی اود تی کار په دغه‌برخه کښی پښتورګو ته ورته دی چه ځینی مواد له‌وینو څخه اخلی اودفع کوی یی. دیوه لیتر شیدو ترشح دپاره باید دا څه نا څه پنځه سوه لیتره وینه له‌تی څخه تیره‌شی. شیدی دبدن دداخلی مرغړو تراغیزی لاندی ترشح کوی. نژاد او تغذ یی ډول دکمیت او کیفیت له‌پلوه په شیدو کښی اغیزه لری مثلا ددوبی په فصل کښی چه حیوان له تازه وښو څخه استفاده کوی، دشیدو کیفیت ښه وی اود ویتامین (آ) اندا زه‌یکی زیاته‌ده .

شیدی اوله هغی څخه پیدا شوی لبنیات له پنیر او مستی د حیوانی پروتین اود بدن دپاره دضروت وړ امینو اسیدونو ددرلودلو له امله غوښی اوکب ته‌ورته‌دی اودغوا هره څلور سوه ګرامه شیدی اود میږی هره دوسوه پنځوس ګرا مه شیدی دشل ګرامه غوښی یاکب‌سره‌مساوی دی اوله‌دی کبله‌چه شیدی ارزانه‌دی له‌اقتصادی نظره غوره ده داوسپی اومسو له نظره غوښه دشیدو په نسبت بډایه‌ده اودغه مواد په شیدو کښی لږدی. شیدی دکلسیم مهمه منبع ده دبدن دهډو کو او غاښو په جوړولو کښی ضروری ده .

بقیه ص ۹

ارزشهای جهانی اسلام

واضح وروشن در می‌یابد که اسلام با رهنمائی های حکیمانه اش انسان رادر طریق پیشرفت بسوی استفاده از مظاهر خلقت واز سرمایه هـــای آفریده شده زمین اینگونه رهبر ی میماید :(الله الذی سخرلکم‌ا لبحر ... ولتبتغو امن فضله‌و.. وسخرلکم مافی السماوات ومافی الارضــــ .. ان فی ذالك لايات لقوم يتفكرون).

یعنی خداوند (ج) بحر را بـــر ای کشتی رانی واستفاده شما مسخر فرموده واین هیولای عظیم سر کش را چنان برای شما تسخیر نمود که آزادانه کشتی را در آن مرانید واز جایی بجائی حرکت میدهید . بـــه تجارت بحری بپر دازید یاجانوران بحری را شکار کنید ویا از عمـــق آن مروارید وغیره را بدر آورید ، اما در حین بهره برداری ازین همه منافع وسود ها ،منصم حقـــیقی را ازیاد نبرید .حق او را بشنا سید وبزبان ودل‌وقلب وهمه جوارح ادای شکر نمائید ،خداوند (ج) همه آنچه در آسما نها وزمین است تحـــت تسخیر شما قرار قرار داده است و همه را جهت استفاده انسان رام و با اطاعت ساخته است طوریکه همه برای خدمتگذاری بایشان‌مصروفیت دارند .

انسان بادرك این حقایق در پهنهٔ کائینات موقف خود را روشن تر می یابد ودرك میکند که بحر هـــا و اقیانوس های خروشان در خد مت انسان ومسخر اوست لکن کشتی و وسایل ترددوحمل ونقل‌در اقیانوس ها واستفاده از ذخایر ونعمات تحت البحری ،از عالم غیب تیار وسا خته بوجود نیامده واو خود بایست این کشتی را بسازد ومانند نــوح (ع) دست بکار وسایل ابزار زندو آنرا آماده حرکت در سطح بحر ها نماید واین راهم درك میکند که آنچه در آسمان هاست برایش تسخیر وقابل استفاده ساخته شده است‌اما چیزی که باید او خودش تهیه نماید طیاره وسایر وسایل واسبابی میباشد که اورا درین راه یاری وکمك نماید .

اسلام بمنظور اینکه انسان هـــا همیشه در کاوش وجستجو باشندو برای رسیدن با اهداف عالی زندگی لحظه‌ای آرام نگیرند ووسا یل بهتر را برای تامین یك حیات بهتر تهیه وبکار برند ،در برخی ازمو ضو عات با شاره ای اکتفا مینماید تا انسا ن دربر تو نیروی عقـل وخرد یکـــه خداوند (ج) بوی ازرانی فرموده از آن استفاده های اعظمی نماید وآنچه را که از آن بدســت مـــی آورد و استحصار ـکند بطور شایسته و مشروع در خدمت بشریت قـــرار بدهد .

اسلام باساس این روش جهانـــ بینانه اش میگوید :(وانز لنا الحدید فیه باس‌شدید ومنافع اللناس و...) یعنی ... خداوند(ج)آهن‌را بیافرید ومعادن آن را درزمین حفظ کرد واز این ماده هر نوع سامان واسلحــــه جنگ ساخته میشود ومنا فعی درآن برای انسانها وجود دارد وبسیاری از کار های ایشان از آن بر آورده میشود .

هیچ چیز در دنیاو کائینات وجود ندارد که‌قرآن تصریح ویا اشاره‌ای بر آن نکرده باشد وتمام مسایل و موضو عاتی که در تکمیل وشیـــرا زه بندی حیات معنوی ومادی انسا نها وبنی نوع بشر ،ضروری ولا زمی پنداشته میشود در قرآن درج و به منظور رهنمائی واصلاح انسانیت، آن را خاطر نشان وواضح ساخته است پس این‌وظیفه‌انسان‌یعنی‌آنکه علم خلافت را در روی زمین بشانه دارد ،شمرده میشود که قـــرآن و موضو عات حیاتی آن را درك کند و خویشتن رابه فلسفه های نهایـــت حکیمانه ارشادات واحکام قرآ نـــی آشنا ساخته ارزش های جهانـــی

بقیه صفحه ۳۳

عشق

میان انبوهی‌ازموهای‌طلای تا ر یك بر فرق وی میخـــــو رد او هـــم چنانیکه سرش را در بغل ب گذاشته بود حرفها یشرا تکرار کرد: بـــی همتای من من به انتظار بازگشت‌تو نشسته بودم .

شوهر نازنینم .موجود بی همتای من .

ب در حالیکه به موهای خانمش دست میکشید پرسید : این مـــدت برتو بسیار سخت گذشت !

صدای همسر ش راشنید که‌نجوا کنان میگفت ،بی همتای من .

ب به دست کشیدن به موها ی زنش ادامه داده سوال کرد :مـــــن بسیار پیر شده‌ام ؟

زنش زانو های او را در بغـــل کشیده به سینه خود فشرد وپاسخ داد :

برای من همان کسی هستی که‌در آن روز شوم می بائیست از تو جدا میشدم .

ب سوالی خود را تکرار کـــرد . بسیار پیر شده ام ؟

همسرش درگوش‌ب زمزمه کرد: تا وقتی زنده هستم دو ستت‌خواهم داشت .

ــ مرا دوست داری .

عضلات پشت خانم ب میلر زید او بشدت میگر یست. ب دست‌خود را از روی مو های همسرش بردا شته پرسید :با اینهم بمن عادت خواهی کرد .

همسر ب پاسخ داد :من هرگـــز کسی دیگر را نتوانسته ام دوست داشته باشم .من ترا تاسر حـــــد پرستش دوست دارم .

ــ انتظار مرا داشتی ؟

همسر ب در جواب گفت :هـــن همشیه بتو فکر میکردم وبا تویکجا بودم هیچ روزی شام نمیشد تا په‌تو نمی اند یشیدم ،من مطمئن بود م که‌یك روزی بر میگردی‌اگر حدس من حقیقت نمی پیوست وتو بـــر نمیگشتی ،در آنصورت در تنها یی به استقبال مرگ میشتافتم. علاوه در وجود طفلت تو را پیدا کـــرده بودم .

ب دو باره پرسید ،مرا دوســت میداری ،

همسرش پاسخ‌داد: غیر ازتو هیچ کسی را دوست‌نداشته ام. وا گر احیانا تو تغییر هم میکردی باز هم تورا دوست مداشتم .

ب اظهار داشت: من تغییر کرده‌ام من پیر شده‌ام .

همسر ب در حالیکه اشك مـــی ریخت ، زانو های شوهررا به‌سینه اش می فشرد .

ب مجددا انگشتان دست خود را موهای بلوته همسر ش فرو برد آرام آرام بسرش دست میکشید

همسر ب پرسید : ما می توانیم اولاد بیشتری داشته باشیم .

او پاسخ داد: شاید .اگر مـــر دوست داشته باشی .بر خیز .

زن بر خاسته پرسید :او را صدا کنم که بیاید .

ب جواب داد : هنوز نی ،مـــی میخواهم اولتر یك مقدار باتو تنها باشم .

او هنوز برای من بیگانه است او را در کجا رها کردی .در باغچه منتظر ش گذاشتی .

همسرب گفت : فوراً پائین‌ز فتـــه وقتی او شتابان به اتاق بر گشت ب در کنار کلکین ایستاده پشتش به‌در طرف اتاق بود تخته پشتش باریك به نظر می رسید ویك مقدار تـــاب داشت.ب رویشرا برنگرداندوهمسرش برای یك لحظه در چوکـــات درواز ایستاده مانده اظهار داشت : به او گفتم که برای پدرش گل بچیند آهنگ صدای وی از شدت هیجان میلرزید در باغچه یاسمن ها هم باز شده است .او باید یك دسته گـــل بزرگ برای پدرش جمع کند .

بـ پرسید : مرا دوست داری

همسر ب بسوی شوهرش دوید بازوان خود را بدور گردن وشا نه های شوهرش حلقه کردو باتمام قوت او رادر روی سینه اش فشرد شوهر بی همتای من .

ب‌از همســرش یـکبا ر د بگـــر پرسید : می توانی خودت را با من عادت بد هی ؟

همسر ب پاسخ داد : مـــن پس از رفتن‌تو هیچکسی رادوست نداشته‌ام

بقیه در صفحه ۶۰

چنین اندازه شده است که ۱ گر آب دوچا دیگر هم به این مخزن بیافتد بر داشت دارد .ازاین مخزن تمام شهر نو قدیم تاد ور تر ین مسافه جاده میوند مناطق این طرف وآنطرف دریای کابل آب نوشیدنی میگیرند .

منبع دیگر آب نوشیدنی شهر کابل از چشمهای قرغه میباشد . چشمهای قرغه که در زیر بند قرغه واقع میباشند بیست ودوانچ آب‌می دهند که اگر ما تمام این منابع اولی چاه های عمیق علاوالدین ومنبع این چشمه ها راجمع کنیم در حدود پانزده هزار کوبیك متر آب مابه شهر کابل توسط نل ها توزیع می کنیم که به این حساب ماسی وپنج هزار کوبیك متر آب کمبود داریم. ضرورت شهر کابل ما:پنجا هزار کوبیك متر در ۲٤ ساعت .

ما فعلا که‌آب تو ز یع میکنیم پانزده هزار کوبیك‌متر در۲٤ساعت کمبود ما: سی وپنج هزار کوبیك متر در ۲٤ ساعت میباشد .

باین صورت به‌نفوس (٦) لك نفری شهر کابل تنها ما به دو لك آن آب نل توزیع کرده می تو انیم وچهار لك نفوس کابل مابدون آب نل می باشند .

البته اکثر مردم از نل‌های استاده که‌در حدود چهار صد نل استاده ما در شهر داریم استفاده میکنند وباقی از چاه های حفر شده خانه ها سرای های خود، مساجد،خودها استفاده میکنند که این چا ها اما خلاف مقررات صحی بوده وما هر سال آنهارا کلورین میکنیم .

بهترین معضله صحی‌شهرکابل کم آبی است چه بدون آب زندگی نا ممکن است اگر آب ملوث می باشد تمام امراض جهاز هضمـی از آن منشئت میکنند‌در وقایع شیوع‌مرض کلورا محرقه ودیزانتری رول او ل را آب بازی میکند برای زیاد کردن آب آشامیدنی برای اهالی ښاروا ل کوشش‌هائی کرده است برای اینکه‌زیاد تر آب در مخزن بریکوت بیافتد ښاروالی کابل چاهی‌در جوار مینار علم وجهل حفر نموده است که‌ازین چاه نیز تقریبا سه هزا ر کو بیك متر آب استخراج میشو د در نظر

بقیه صفحه ۱۳

مطابق ۲۵ ساله شهر کابل

است این آب به مخزن بریکوت‌وصل شود تا سه هزار کو بیك متر آب دیگر مخز ن بر یکـو ت بیفتـد به این صورت چون مقدار آب زیاد میشود مردمی که از این مخزن آب میگیرند آب شان زیاد میشود .

ناگفته نماند که‌از مخزن بریکوت سه هزار کوبیك متر آب تنها وتنها پوهنتون اخذ می نماید که‌این مقدار آب برای تمام ما یحتاج آنـهـا کفایت میکند یعنی مقدار آب یـك چاه عمیق علاو لداین به مصـرف پوهنتون وملحقات‌آن صرف میشود. ښاروا لی کابل دراین بار چندین دفعه با پوهنتون در تماس شده‌است که :

اگر خود پوهنتون برای خود چاهی حفر کنند واز خـود منبـع آب آشامیدنی تهیه نمایند تا ما ایـن مصرف را از آن ها قطع نموده وبه مردم شهر کابل توزیع می نمایم ـ بالاخره این پیشنهادا ت‌جامعه عمل را گرفته وپوهنتون موفق شد تـا چاهی برای خود حفر کنند .چـاه حفر شده فعلا در صدد نـل دوانی چاه به مخزن می باشند که اغلباین مخزن در عقب شفاخانه علی آباد در بالای کوه ساخته خواهد شد، به‌این ترتیب یك چاه دیگر بمردم فائده خواهیم کرد.

طرف دیگر شهر که‌از این مخزن آب نمیگرند مثل کارته پروان وتمام نواحی آن ازچشمه‌هایقر غه‌استفاده میکنند برای ازدیاد آب آن ښاروالی نیز فعالیت نموده یك‌نل هشت انچ دیگر از قرغه کش کرده است ویك مخزن آب قر غه‌فعلاافتاده است اما نموده است که این آب در آنجـا میافتد ،ظرفیت این مخزن یك هزار ودو صد کوبیك متر میباشد به این مخزن آب‌قرغه فعلا افتاده است‌چون چون نلهای‌توزیعی (شبکه شهری) از این مخزن به شهر پول هنگفتـی را ایجاب می نمود بودجه ښاروا لی نتوانست این شبکه را خریدار ی کند .

فعلا آب این مخزن رابه یك نـل بزرگ کارته پروان وصل نمود یم که هم به آب نل های کارته پروان مقدار آب زیاد شود وهم فشاری‌آب نل ها تولید کند تا مردمان ایـن منطقه خصو صا خانهٔ هـائی که در بلندی کوه واقع اند آب گـر فتـه بتوانند .

در اینجا باید تذکر شود که یك قسمت دیگر شهر از قبـیـل ده افغانان قلعه هزار ها چنداول ودیگر نواحی همجوار آنجا آب نوشیدنی خود رااز مخزن آب گردنه ده‌افغانان میگیرند .

این مخزن آب در عصر امیـر حبیب الله خان شهید ساخته شده بود که آب یغمان در آن میا فـتـاد ظرفیت این مخزن‌هشت صدکوبیك متر است چون‌آب یغمان‌در حصه‌بند قرغه قطع شده وبکلی به شهرکابل نمی آید در این مخزن آب چای‌عمیق نزدیك پل آرتن میافتد که این چاه ظرفیت (۲۵۰۰) کوبیك متر آب را در ۲٤ ساعت دارد امان این چاه به مصرف مشترك وزارت صـحیهٔ و ښاروالی تعمیر شده است که یـك مقدار آب آن به شفا خانه ابن سینا موسسه اکسریز وشفا خانه صدری وملحقات شفاخانهٔ ابن سینا بـه مصرف میرسد تنها در مخزن ده‌افغانان نصف آن میافتد .

علاوتا در این مخزن آب چشـمـه قرغه نیز میافتد ـبه‌این ترتیب‌شهر کابل سه مخزن آب دارد که یکی‌در بریکوت دیگر در کوه بـاغ بالا و سومی در گردنه ده افغانان می‌باشد که از این سه مخزن تمام شهرکابل آب نوشیدنی خود را میگرند .

آب که رکن اول زندگی ا ست در کابل قلت دارد، مراجعین به‌ښاروالی هر روزه زیادتر شده میرود بایدبه هر صورت که باشد ما مقـدار آب نوشیدنی خود رادر شهر کابل زیاد کنیم والانه آب پاك و صحی بـه مردم نمی رسدوهم خطر مهم‌امراض وبائی هر سال در کـا بـل متصور

بعقیده من بهترین حل‌این معضله فیصله پروژه آب رسانی افشار می باشد که این پروژه سالها اسـت عاطل مانده ـ پول‌قر ضه ۲ر۲ملیون دالر المان غربی نقدو آماده به این منظور در بانك المان غربی بوده و ریاست شهر سازی وخانه سا زی سالهاست که این کار را به تعویق انداخته اند .

پروژه افشار عبارت از کندن ۵تا ۷ـ چاه عمیق است که در ساحـه افشار (زمین های مقابل سیلو)به کار میافتد واین چاه ها ظرفیت پنج تا۷ هزار کوبیك متر آب را در یك شب وروز دارد که آب این چا هـا در یك مخزن بزرگ ده هزار کوبیك متر که در بلندی کوه گردنه باغ ـ بالا ساخته میشود میافتد وبه ایـن صورت هم تمام شهر کابل را آب فراوان میدهد وهم ناحیه خیر خانه را آب میدهد اگر این پروژه هر چه زودتر بکار بیافتد علاوه از پو ره کردن کمبود سی وپنج هزار متـر مکعب که‌ما برای نفو س شهرکابل فعلا ضرورت داریم چند ین هـزار متر مکعب آب اضافی دیگر نیز برای ما میدهد که ما آنرا نیز به کوچه‌ها چهار راهی ها بصورت فواره هـا حوض ها وغیره استعمال کـر ده بتوانیم .

این بود مختصر تشریحا تـمن در باره شبکه آب رسانی شهر کابل ومعضلاتی که به‌آن روبرو هستیم وچاره این معضله های آن نقد یـم خوانندگان مجله ژوندون گردید.

بقیه صفحه ۳۷

ملکه‌زیبائی

لی‌لی چونگ‌سوی لیان‌ازمالیزیا نمرات بلندی میگرفت .اوکه ستیورد‌س هواپیمائی سنگا پور میبا شد قرار معلوم هنگام مسافرت بجز یره هرما نامایور ازدوشیز گان‌باتردستی پذیرائی مینمود .

یکی از جذاب ترین شاملان مسابقه امسال الیزابت تنوریو ازگوام بود. او حتی هنگا میکه از کمر شکـــن ترین بخش های مسابقه خـــسته هم میشد مگر با آنهم از نثار لبخند ملیحش به هیچکس دریغ نمیکرد .

اما نیکو لین بروید کس زیـبا روی هالندی چنلین نبود. هنگامیکه وی جهـت دادن امضایش درائنای تمرین به شخصی نزدیك میشد .

گفت: ازین زندگی واین‌همه دسخط خسته و دلگیر شده ام).

پیرا ستگی در دوشیزه ها نکانگی بنام جوجو چیونگ بخوبی بچشـم میخورد وسادگی اش چنان‌بود که فورا بنچا ما پلیت پچان تایلند یرا در خاطر زنده مینمود .

ازهمان نخستین آوان‌رژه‌خیابانی با قضاوت نظر بطول تبصره اخبارو جرایدچنان برمیامدکه‌مامورین‌آواویرا زیباروی طناز جزیره‌اروپابیشترین اشتهارا بدست آورده‌است . ولی هیچیك ازکاندیدان‌ـاورابه جا نشین مارچی موران فلپاینی‌قلمداد نکرده بود. وقتی علت پر سیده شد یکی از کاندیدان گفت دو شیزه ارو با خودش نیست .یگانه چیز بر جسته اش نمای جلواش میباشد)

حتی زنان محافظ هم نتوا نستنداز بازی انتخاب دوشیز گان مورد نظر خویش خود داری کنند .ولی‌انتخاب اینان اساسا بر اطـــــلاع شان از شخصیت وکر کترزیبایان بنایافته بود. دوشیزه سویدن ،ایوارو میکلهٔ بلوند بنام‌دارلنگ محافظان یادمیشد زیرا هرگز در برابر مقررات ومحدودیت های مو ضو عه بر کاندیدان سر کشی نمیکرد .

میگویند که یك دوشیزه سبزینه امریکای جنوبی در برابر زن موظف که اورا سایه وار دنبا ل می نمـود ازجادر ر فــت. بـسیاری از زنان مو ظف از ز یـبا یان، همـیشـه از عبور ومرور مرد هـا ی کثیف پیرو سالخورده در بخش خود بـــا جدیت جلو گیری میکردند .

دوشیز گان شکایت داشتند از اینکه حتی در راه خیابانی از طرف (مردان کثیف‌پیرو سالخـــو رده) انحصا شده بودند، آنها پیو سته‌از جوانان پر حرارت فلپاینی که این همه در مورد شان شنیده بو د ند پرسان مینمود ند .

بصورت عموم دو شیز گان وقت کمی برای خود داشتند وآنچه را که واقعا میخوا ستند نمیتوا نستنــــد انجام دهند.

ازین امر عده زیادی شکایت می نمودند ، بر خی دیگر لحظه‌به‌لحظه با ایما وکنایه شا نه‌بالامی‌انداختند موظفان کاملا میدانستند که‌درمیان دوشیز گان کدامهان خون گر م و عصبانی مزاج اند.

مگر حتی این مراسم پر شور و هیجان انگیز تر سپری شد وبالاخره دو شیزگان مجبور بودند با هم خدا حافظی کنند. در مدت کوتا هی که‌در اینجا بود شالوده دوستی ها ئـــی نیز ریخته شد که وعده دادند ایــن دوستی ها تادیرزمان بپاید ،بسیاری از آنها براستی مطمئن بودند کـــه بزودی باز هم گردهم آیند .

آنچه درمورد مردم فلیپا ین‌میتوان گفت اینست که جوش وخـــروش مراسم انتخاب ملکه زیبائی جها ن هنوز در آنها فرونه نشسته است.

در هیچ زمان دیگر از تاریخ فلپیاین این کشور از طرف آن همه زیبایان جهانی مورد بازدید قرار نگر فته است.

صفحه ۶۰

بقیه صفحه ۵۸

عشــق

روز وشب به فکر تو بودم .وهم به پسرت هر روز در باره پدرش قصه میکردم .

ب ازّ جایش دور زده ،همسرخود را در آغوش کشیدو با توجه خاص به چهره او دقت کرد در رو شنی غروب شامگاهی که از کلکین اتاق‌به درون می‌تابید توانست‌آثار شکستگی وپیری را در صورت همسر ش نیز مشاهده کند اما باوصف آنهم زیباتر از تصویری جلوه مینمود که ۷ سال تمام در چهار دیوار تنها ئـی با آن رازو نیاز کرده بود .چشـــــها را رویهم گذا شتند ولبهای شان بـه سراغ همدگر رفت .

ب نفس گرم همسرش را از میان لبهای نیمه باز ودندا نهای سپیدوی به روی لبهای خود احساس نمود . واز زیر مژه های بلند غلو که‌روی پوست بی رنگ صورت آرام‌گر فته بود،در خشش‌مرطوبی داشت.صورت او پاك‌وبی ریاجلوه مینمودب بوسه‌ی از چشمهای زنش بر گرفته ،سپس ویرا در میان باز وان خود لختـــی نگاه داشت .

همسر ب در حالیکه هنوز چشم‌هایش را بسته بود،در گوش ب به نجوا گفت : توباید پسرت را هـــم دوست بداری .

ب پاسخ داد :بلی . من‌با او عادت خواهم کرد واو را دوست خـوا هم داشت .

ـ او فرزند تواست .

ب در جواب گفت : وپسر تو هم هست .

همسر ب بـه گردن شوهـــر ش آویخته گفت : من ترا شست وشو میدهم .

ـ بلی . خوبست .

ب لبا سهایشرا از تن کشید همسرش آب گرم آماده کرد . صابون ودستمال روی آورد دستمال روی را در ظرف‌آب گر م فرو برده صابون زد وبدن ب رااز سر تا به‌ـ صابون کاری کردوآنگاه دو مرتبه آب سطل را تبدیل کردو از نو آب پاك آورد. دستهای ب لرزش داشت اما گرفتگی سیمایش بر طرف شده بود وآهسته از همسر ش‌پرسید : تو بامن عادت خواهی کرد ؟

همسر ش پاسخ داد: شوهر بی همتای من .

ـامـروز شام پیش مـن مـــی خوابی ؟

همسر ب پاسخ داد: بلی پیش تو می خوابم .

ـ و او در کجا می خوابد ؟

همسر ب در جواب گفت :برای او به روی زمین جای خواب درست می کنم .او بچه است وخواب عمیق دارد .

ـ وتو تمام شب راد رکـــنار ش خواهی ماند ؟

همسر ب گفت :بلی .نه امشب ، بلکه تمام شبها را تا وقتی زنـــده هستیم درکنا رتو خواهم ماند .

ختم

انیس

ژوندون

مسؤل مدیر :
علی محمد «بریالی»
معاون روستا باختری
مهتمم ع.م عثمان زاده
دمسئول مدیر ددفترتیلفون:۲۶۸۴۹
دمسئول مدیردکور تیلفون: ۲۱۹۶۰
سوچبورد ۲۶۸۵۱
دمعاون ددفتر ارتباطی تیلفو ن ۱۰
دتوزیع او شکایات مدیریت‌ارتباطی تیلفون ۵۹
پته: انصاری واټ
داشتراك بیه
په‌باندنیو هیوادو کښې ۲٤دالر
دیوی گنی‌بیه ۱۳ افغا نی
په‌کابل کښې ۵۰۰ ۱ فغا نی.

بقیه صفحه ۱۱

کیو کواساکورا

ن هنری پدرش را که در وجود ریزه‌کاری ی دقیق تبلور یافته است ، می‌توان دید لی ازطرف دیگر دران ها می‌توان احساس نو درت مند را دید .

این آ ثار نشان میدهد که او هنوز بسوی نده بهتر گامزن است .

ی از منتقدان هنری درروز نامه‌ای خاطر نشان وده بود که : « کار های او دراین نمایشگاه رو انباشته از ظرافت زنانگی بوده ونشان دهد که او می خواهد فرانسوی سرحدهای ر پیکر تراشی سنتی برود »

تمام پیکر هی او ازبرونز ساخته‌شده‌اند. ر جاپان هنرمندان انگشت‌شماری‌اند که با رونز که سبطح تکنیکی آن خیلی تنگ امکانات کار روی آن مشکل است ، دست آفرینش هنری بزنند . از طرف دیگر رزش وقیمت تمام شد این کار ،قابل‌اندیشه ست . برای ترتیب همین نمایشگاه آخری،او جبور شد باسه نفر پخش کنند گان برونز ارداد ببندد در حالکیه آنها هم نتوانستند روقت مواد تهیه نماید .

از جانب دیگر ، برای زمانی که بخواهند میدان رقابت بامردان پیروز گردیدند« کار شکل و طاقت فرسا » نیاز است . او با ساخته هایش برحورد خیلی طبیعی دارد. یچکس فکر کرده نمی‌توانست که سرانگشتان ریف وشکننده این زن روی‌چنین فلزسخت ر فرسایشگر بنماید . او به صورت کامل ای زنانه دارد . او می گوید :«زندگی من ط در چار چوت پیکرتراشی ومجسمه سازی بند نمی مانند ، روی همین اساس لحظاتی ابرای آشپزی ، رفتن به تیاتر ودنبال نمودن ندگی عادی أختصاص داده‌ام»



مجسمهٔ «دختر» از ساخته های کیوکو

درحالیکه عهده ای از دوستانش می‌گویند که او هنوز حالت یك شاگرد مکتب را دارد ولی در حقیقت ، او یك هنرمند نخبه وکار کشته است . او از جمله هنر مندان کاملا بی تشریفات بوده و بسادگی می توان بااو پای سخن وگفتگو نشست ، هنگامیکه او در سفر است صرف نظر از اینکه درکجاست پیوندش را با دوستان نمی گسلد ، او می گوید :

«من به سفر عشق می ورزم . این سفر خواه در امریکا باشد یا اروپا، بهترین و سادترین لحظات زندگی‌ام را در سفر می یابم »

فلسفه هنری او چنین خلاصه می‌نمود : «احساس می کنم که بحیث یك مجسمه ساز آزاد، بهتر می توانم کار نمایم هرگاه اوقات ازهنر دورباشم تاوابسته بدان .»



پیکره «زن» که در نمایشگاه اخیر آثار کیوکو جلب توجه نمود .

بقیه صفحه ۳

قرائت پیام رئیس دولت

های نیروی کارخارج مکتب چنانکه علما وعملا مقتضی بنماید تلاش صورت‌گیرد.

باین اساس دولت جمهوری در اوا سط سال ۱۳۵۲ اداره ملی مبارزه بابیسوا د ی رادر چوکات وزارت معارف فعال‌ساخت تا متکی به اساسات‌علمی وبادرنظرداشت‌تجارب حاصله ازسایر کشور هاییکه ازلحاظ موقف مبارزه با بیسوادی‌باوطن ماوجه مشترك‌دارند عملیات سواد آموزی رابشکل حیاتی ومرحله به‌مرحله بافعالیت های پروژه‌های منتخبه انکشافی بیامیزد و متدرجا دامنه این‌مبارزه‌را در سرتاسر مملکت بشکل یك مبارزه ملی گسترش دهد.

البته تعمیم سواد در مسیر انکشاف افق نظر وحدود دانش مردم محض یك قدم‌نخستین است. تامین اهداف مراحل بعدی آ نرا همانا مطبوعات مابعهده دارد که از طریق نشرا ت رادیویی ، وسایل سمعی وبصری وانتشا ر مواد مطبوعهٔ مخصوص کم سوادان و تاسیس کتابخانه های عامه وشبکه های و سیع کتابخانه های سیار برای مناطق روستایی درجهت تعمیم اطلاعات عامه ومعلو ما ت اخلاقی ومفید مورد ضرورت انکشاف‌اجتماعی اقتصادی و فر هنگی به مو ثر ترین شیوه‌ها تلاش ورزد.

درخاتمه روز مطبوعات وسواد را برای امحای کامل بیسوادی افغانستان عزیز و در جهت تعمیم مطبوعات حامل دانش حیاتی بین کتله های محروم جامعه یك روز میمو ن شمرده وبامید آنکه همه موسسات دو لتی وغیر دولتی وکافهٔ طبقات جامعه درین مبارزه ملی اشتراك مساعی نمایند این‌روز مهم رابه آنانیکه در راه سواد و مطبوعات مجاهدت میورزند تبریك میگویم واز بارگاه خدا و ند متعال (ج) برای شان توفیق خد مت میخواهم.

روزنامه های مر کز وولایات‌کشور پیام بناغلی رئیس دولت وصدر اعظم راکه بدین مناسبت صادر شده است نشر کرده وپیرامون اهمیت حیاتی سواد ومطبوعات‌درجامعه سرمقاله هامضامین ،تبصره ها ومصاحبه هایی بچاپ رسانیده اند .

وزارت اطلا عت و کلتور نیز بمناسبت بزرگداشت روز مطبوعات وروز جهانی سواد علاوه از آنکه پیام زعیم ملی مارا بصو ر ت یك رساله نشر کرده هفت رسالهٔ دیگر که اهمیت حیاتی وسایل اطلا عات عامه سوادو ارتباط این دو مو ضوع حیاتی را ارائه‌مینماید انتشار داده است .

این رساله ها عبارت اند از مطبو عا ت وجمهوریت واثر آن دربسط وتوسعه سواد، وسایل اطلا عات وسواد مطبوعات وسواد آموزی رادیو وسواد آموزی ، سهم مطبعه در انکشاف سواد، سهم وسایل سمعی و بصری درسواد آموزی ونقش کتاب وکتابخانه درسواد آموزی .

درعین حال اداره ملی مبارزه با بیسوادی وزارت اطلا عات و کلتور نیز بمنا سبت روز بین المللی سواد نشرکرده‌است.

همچنان رادیو افغانستان بانشر پروگرام های خاصی از روز مطبوعات وروز جها نی سواد تجلیل بعمل آورد وتمام‌سینماهای‌مرکز فلمهای مستندی درباره سواد وسواد آمو زی قبل از آغاز نمایش فلمهابصورت سرفلمی نمایش دادند .

بقیه صفحه ۲۵

یك جنایت بزرگ

از حادثه دوستی که زیم بورگر را وارث یگانه خود معرفی کرده .و انتقال هستی ودارایی اش را پس از مرگ به او توصیه کرده بود ، برای در یافت پول بیمه حیا تش مراجعه کرد از طرف پولیس باز داشت شد .

تا روز صدور فیصله محکمه ،زیم بورگر در مجادله بود وادعای طر ح یك چنین توطئه را از طرف خودجدا رد میکرد .چنانچه باحرکات نمایشی می خواست آلتن از قضات واهـل خبره را به قبول بی گنا هی خود متقاعد گرداند اما محکمه حرفهایش را باور نکرد .

وقتی زیم بورگر حکم محکمه رادر تورو خوشنید ،صدای اعترا ضش،در سرتاسر سالون محکمه که جمعیتی بزرگ در آنجا گرد آمده بـود ، پیچید وبا صدای بلند وخشکی اظهار داشت :این یـك فیصله دوراز عقل ودیوا نگی است .



(۱) این موتری بود که سلویستر سکوتنیك باسرعت ۸۰ کیلو متر فی ساعت می راند وقربانی او یوها ن بو خمایر که کنار دست راننده نشسته حادثه در حصهٔ کوه بر کوه ژاپیر بوقوع پیوست .

درباره‌اسراریکه‌در کف‌دست‌شما نهفته است

کف‌شناسی بدون کمیشن

کفشنا سی مانند سایر علــوم واکتشا فات از خود تاریخی‌داشتــه از زمانه های خیلی قدیم در میــان یونانیها ومصریهای قدیم رایج بود شاهان وحکمر وایان وحتی مردمان عادی در آن اوقاتیکه هنوز دیگــر علوم مخصو صا علوم روانشنا سی انکشاف نکرده بود به آن اهمیت واعتقاد زیادی قایل‌بودند وتماماامور اجتماعی خود را بمشوره کــف شناسان پیش میبردند وتا امروز که جوامع بشری انکشاف‌نموده‌وعلو م بیشماری به‌پیمانه‌تکامل خودر سیده هنوزهم‌ازطرف‌یکعده‌اشخاص‌مخصو‌صا زنان ومردان تطبیق میگردد . این چنین اشخا ص در کشور ها ی اروپایی نیز اکثرا باین شغل مــی پیردارند وتوسط قطعه بازی یاازروی خطوط علامات کف‌دست آینده‌شخصی را پیشگویی کرده یك عده زنان و اشخاص را که باوشان معتقد اند در خود جمع کرده واز آن امر ار حیات میورزنددرین مقاله‌خصوصیات‌شخصی راتوسط کف شناسی از قول کف‌ـ شناسی پولندی بتفصیل ذکر میکنم که بیشترجهت سرگرمی وتفنن‌شما است اگر راست بود وبهتر واگـر مفاد آن با خلق وخود شما منطبـق نبود مشوش ودلسرد میباشید .

آیا کف دست آینه کرکتر، پرهیز گاری وتقــوی، خــطاو شــتبا ه تمایل وآرزو است .بعضی بایـــن عقیده کاملی دارند وبان اهمیـــت سنگینی را قایل اند .با این هـــم بذکر چند نمونه آن برای آنها یکه به کفشنا سی علاقه خاصی دارنــد مینگاریم .

اول ـبایست به کف دســت و ساختمان انگشتان خود بدقت تمام نظر انداخت زیرا جهت **پیشگو ئی** رول مهمی را **بازی می‌کنند .**

اگر دست‌شکلی گوشه‌داری داشته باشد دلیلی‌برروحیه نیرومندوچنین انرجی قوی شخص میکند وچنیــن اشخاص به آسانی بکسی موقع نمی دهد تاوی را تحت نفوذ خودر آورد

اگــر دست شــکـل بیــضــو ی داشته باشد شخص مذکور بسیا ر اندك رنج وتند خوی‌بوده ،که‌معمولاً خود را بیك قوه محرکه آنی قابــل تاثیری رهنمائی میکند .

دست نو کدا ریا کناره ای بــما شخصی کم جرت وغیر مصــمم را معرفی میکند **چنین‌اشخاص ازموفقیت** خیلی بعید واقع شده اند .

دستیکه انگشتا نش فوق العاده انکشاف کرده باشد نمایند گی از قوه وتوانا یی بیشتر وی میکند و تمایلش‌را بدیگران خوبتر نشان‌داده وبکمال میل دیگر انرا بخود جلـب میکند .

اگر انگشت صمیمی و انگشــت **بین شست طویل وانگشت کو چك** نسبت‌به انگشت شهادت طویلتــر باشد از طبیعت شخصیکه بیشتربه **عشق تمایل دارد حکایه میکند .**

به هر اندازه یکه انگشت کوچــك طویل باشد بهمان اندازه بلند همتی وجاه طلبی‌را نشان داده‌واشخاصیکه درین ردیف قرار دارند خود را به حل بزرگترین سوالات ومشکلا ت زندگی قادر میدانند .

دوم ـ اینك به‌تشر یحات جزیات کف دست میپرداریم ،برسم ایــن صفحه بدقت تمام توجه کرده خطوط اساسی رادر آن خواهیم دید کــه خطوط زندگی ،قسمت وتقدیر ،عقل قلب، **موفقیت وخطآمیزشس را نشان** میدهد وباو عداد از ۱ـ۷ تپه گك های **کف دست نشانی شده اند** كـ برای شناسا یی کف‌دست خیلی‌مهم بشمار میروند .بعد از آنکه بــه خطوط کف دستدر رسم‌های مذکور آشنا شدیم سپس نظر به پنـــج توضیح ذیل میتوان با سرار ی که در کف دست شما نهفته است پی برد .

۱ـ کرکتر ورابطه با زند گــی

درین مبحث مهمترین خط عبارت ا ز خط تقدیر وقسمت میباشد چنانچـه

... اگر خط مذکور مستقیما به طرف **عمق کف‌دست امتداد** داشته باشد دلالت بر آگاهی ویك مسولیت علمی **شخص میکند .**

... **در صورتیکه از چند جـا** قطع شده وغیر متناسب واقع شده باشد شخص مذکور کرکتر ژولیده غیر مصمم داشته ودایما تغییر عقیده کرده ونظر یه استواری ندارد .

اگر... **خط مذکور عمیقا وواضح در** کف دست فرو رفته **باشد شخص** مذکور حتی بکسانیکه استعـــداد قدرت های هم داشته باشد معتق **نیست .**

اگر عینادروسط کف دست امتد یافته باشد شخص مذکور همه چ را درزندگی **خیالی میپندارد .**

...اگر باخط زندگی وصل شد باشد در اینصورت شخص مذکـ دایما در آرزوها وآمال خویش واق بین **میباشد .**

... اگر به قاعده شست صمیمـ ختم شده‌باشد دلالت‌بر علاقه‌شخص مذکور به چار جانبش کرده ودایمـ متوجه آنست که دیگران در بار آن چه می گویند .

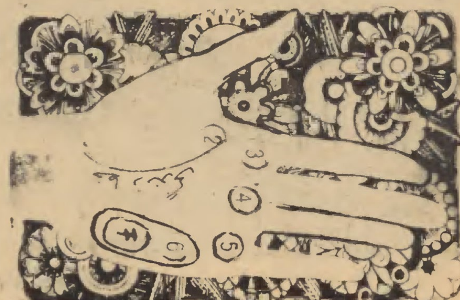
... اگر به سمت بالایی تپه گ (۷)دویده باشدشخص مذکورکرکت رو مانتیکی دارد .

۲ـ مزاج ،طبیعت وصحت :

لازمست تا خط زندگی وتپه گ های از (۲) الی (۷) را بدقت تما ملاحظه کرده اگر خط زندگی :

... طویل وواضح معلوم‌شود شخص مذکور را دارای روحیات وقوه بسی عالی خواهیم یافت .

... طویل وباریك ،شخص اند رنج وحساس را بما معرفی میکن اگر عمل وی بصورت عادی ادا ما پیدا میکند در آنصورت ممکن اس **حوادث غیر مترقبه ای در زند گ** وی ببار آید .







... طویل ودر انتها بدو حصه تقسیم شده باشد در آنصورت **شخص مذکور از همت خود هرا سی** نداشته بیشتر تنوع طلب است .

... کوتاه‌وبکلی واضح‌بما شخص را معرفی میکند حامل وکنجکاو ودر عین زمان آسانگیر وبی بندو وبار.

... کوتاه وآنقدر واضح دیده نشود موصوف بقوه خود اتکا کرده وحیات متوسط دارد .

اگر بر جستگی‌تپه‌گک‌خوب واضح وبلند ترآمده باشد در آنصورت..

تپه گک نمره (۲) شخص را بما **معرفی میکندکه دارای شهوت‌بلند** بر خود غالب .

تپه گک نمره (۳)دلالت بر اعتبار بخود شخص نموده واو میتوا ند **خواسته هاو میل خودرا بوجه‌حسن** رهنمایی کند .

تپه گک نمره (٤) شخص مذ کور فوق العاده باننگ وغیرت بقوه و قدرت خود حاکم است .

تپه گک نمره (٥) دارای استعداد **ارتیستیکی بو دی ملایم و محجو ب میباشد .**

تپه گک نمر (٦) با ارزش ترین خصایص چنین اشخا ص شعور و افکار منطقی شان میباشد .

تپه گک نمر (۷) آدم بظاهر خون سرد ،اما روما نتیك بوده ورو حیه **نا قرار دارد .**

۳ـ ذکاوت وموفقیت های حیاتی:

دراین جابه خطوطه محقل‌وءو فقیت مراجعه میکنم .

اگر خطعقل‌مستیقما ادامه‌پیدا کرده‌و عمیق باشد منظور از شخصیت **بسیار خواه گیرو بحرانی وی دایما** منطق فکر کرده وخیلی‌ذکی میباشد.

.... واضح بطرف بند دست تاب **خورده باشد درنزد خود شخص را** با افکار زنده داریم لایق ولی لیاقتش پوشیده است .

... کوتاه وکج بطرف کودال کف دست در شخص‌مذکور کسر مهارت واستادی دیده میشود .

اگر خط مو فقیت ...

... شدیدا تر سیم شده و طو یل **باشد در آنصورت کسی و ی را سوی کامیابی وموفقیت سوق داده.** وحتی زیانی موجب‌شهرت وی‌میگردد

...جورۀ ویا از چندین خطو ط باریك تشکیل شدن با شد ستا ره مو فقیت در امو ر مختلفه زندگی از چار جانب بسویش چشمك خواهدزد .

... کوتاه و خطعقل را قطع نکرده باشد ویا اینکه نزدیك‌بخط عقل ختم جهت بدست آوردن موفقیت چانس شده باشد شخص مذکور در زندگی زیادی دارد ولی خودش به آن‌تجربه نداشته پشت کار واز خود گذر ی لازم دارد .

٤ـ عشق ومو ضو عات عشقی :

دراین مبحث خط قلب، خط آمیزشس وتپه گك های (۱) و (۲) در مورد شخص تصمیم‌گرفته‌وجو ب میدهند.

اگر خط قلب ...

... عمیق و واضح ترسیم شده باشد دلالت برتند مزاجی وشهوانی شخص مذکور میکند .

... **درشت وواضح نباشد لا کن** طویل در آنصورت شخص مذکو ر ظریف وزیرك ودر عین زمان اندك رنج بوده **از شیفتگی قلبی دایما در هراس میباشد .**

... بمشکل خوانده شده ویا‌اینکه **قطعاً وجود نداشته با شد شخصی** مذکور د ر مقا **بل‌عشق‌خشك «کور»** بوده نمیتواند که عشق حقیقی ،پاك وبی آلایش را درك کرده نمیتوا ند وهمه موضو عات عشقی نزدش به صورت بسار عادی جلوه می کند

... از چند جاه قطع شده باشد شخص مذکور به عشق وفادار نبوده **دایما وصل قلبی خودرا تغییر میدهد**

.. بپایه انگشت شهادت رسیده باشد شخص مذکور زرزری بوده و درعشق تائید وابرا م‌برای ارزش قیمت خود جستجو میکند .

... بقاعده انگشت وسطی رسیده باشد شخص مذکور در مو ضو عات عشقی خیلی خیره **سر بوده** هیچگا ه نمیتواند شخصی را که باو (عشق) ومحبت دارد به تصرف خود بیاورد.

... بشکل زنجیری قرار گرفته باشد دلالت برا ر تجاعی شخص مذکور **کرده‌ودایما‌برعشق‌غلبه‌حاصل** میکند .

اگر خط آمیزش :

... بسیار واضح بـاشد در آن صورت **دلالت بر** جاذبه وکشش شخص مذکور نموده همه را بخود جلب‌می کند .

... قطع‌وبریده بریده‌باشد دلالت بربی پایداری شخص در عشق می کند .

اگر تپه گك های ...

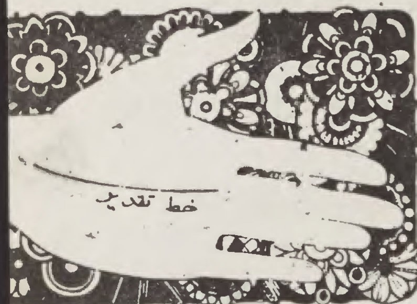
... نمره(۱) برجسته باشدشخص مذکور در عشق بسیار فعال است.

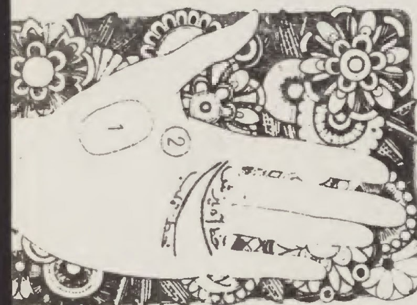
... نمره(۲) بسیار برجسته باشد شخص مذکور عشق را از روی عقل وفراصت خود قدم بقدم تعقیب و پیش میبرد .

٥ـ علایم خصو صی :

... اگر خطوط درسطح کف‌دست **واضح وشکل حرف (ام انگلیسی)را** داده باشد شخص مذکور به شهرت **ظاهری عشق ا همیتی‌را قا یل‌نشده** بلکه عشق وحیات فامیلی برای وی نسبت به موفقیت در شغل ووظیفه اهمیت بیشتری را دارا است .

... اگر خط زندگی جوره وموازی





باشند یعنی موازی بخط علو یی زندگی امتداد یافته و کمتر واضح باشد در آنصورت شخص مذ کور **معمول، کار کن،مداوم بوده واز خود** توقع زیاد دارد ومیتواند که در امور زندگی خویش موفق شود.

.. اگر در مچ دست خطوط زیادی که همدیگر را قطع کنند وپرا گنده **باشند شخصی مذکور در زندگی** خو شبختی را نصیب میشود .

اگر خطوط هر دو دست یعنی **دست چپ وراست در سا ختما ن** خویش از همدیگر فرق زیاد داشته باشند در آنصورت شخص مذ کور کمی تمایل بزندگی غیر طبیعی یاغیر معمولی داشته در زندگی وقایع‌و شادمانی را مواجه میشود که انتظار آنرا نداشته است .







شرح روی‌جلد: بریژ دباردوستاره معروف سینمای‌ها لیود

دولتی مطبعه

مود و فیشن

